

SEMA



مهدي حسينه
Mehdi Hosseini

SEMA





شجره نامه

شجره نامه یا درخت خانوادگی یک فهرست منظم است که نسبت افراد با یکدیگر را نشان می‌دهد؛ اطلاعات نسلی و نسب‌نامه‌ای در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی می‌تواند به نمایش درآید. از دو شجره‌نامه موجود، یکی به صورت درخت نقاشی شده که در آرشیو اسناد کتابخانه دکتر شیخ سید مختار هاشمی موجود است. این شجره‌نامه به صورت درختی توسط خوشنویس، مورخ، ادیب و محقق بنام استاد سید طاهر سیدزاده هاشمی ترسیم شده است. جنس آن از کاغذ ضخیم بوده و برای خانقاه خانیله در تاریخ ۱۳۳۴/۱/۱۳ نقاشی شده است. در جایی تدوین‌گر به زبان فارسی اشاره داشته: «این شجره جامع خاندان سادات سوله‌ای برزنجی می‌باشد، به حاج سید محمدهادی هاشمی تقدیم می‌کنم».

شجره‌نامه دوم به خط و نظم شیخ محمد معروف نوده‌ی (متوفی ۱۲۵۴) که یکی از معتمدین سادات برزنجی و از علمداران علم و عرفان در کردستان ایران و عراق بوده‌اند، اشاره داشته: اجداد خاندان هاشمی از طریق سید بایزید برزنجی به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. ریشه اصلی این طریقت از امام عبدالقادر گیلانی است که به جدشان سید شیخ رسول دولت‌آباد و از مسندنشینان طریقت قادری در کردستان می‌رسد. این شجره‌نامه حدوداً در سال شمسی ۱۲۱۱ (۱۸۳۲ میلادی) تنظیم شده است. این منظومه در آرشیو اسناد کتابخانه استاد سید طاهر سیدزاده هاشمی موجود است.

طریقت قادریه از قدیمی‌ترین و بزرگترین شاخه‌های تصوف در جهان است که در نشر و ترویج اسلام نه فقط در خاورمیانه شامل ایران و عراق، بلکه در شرق آسیا، چین، آسیای میانه از طرف شرق تا جزیره جاوه (اندونزی) و از طرف غرب تا الجزایر و مراکش و آفریقا، نیز نقش بسزایی داشته است. امام عبدالقادر گیلانی از سادات حسنی و ملقب به غوث‌الاعظم است. آرامگاه و زیارتگاه وی در «باب‌الشیخ» بغداد می‌باشد. این کتاب با موضوع تاریخچه زیر شاخه‌ای از طریقت قادریه به نام طریقت قادریه سوله دولاب و نقش سماع در زندگی معنوی و عرفانی آن‌ها مورد پژوهش قرار گرفته است.

Genealogy section (Family tree)

A genealogy or family tree is an orderly list that shows the relationship of people to each other; genealogical information can be displayed in various forms and formats. Of the two available genealogies, one is painted in the form of a tree, which is available in the library archives of Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi. The Family Tree was painted by an eminent calligrapher, historian, writer and renowned researcher Seyed Taher Seyedzadeh Hashemi. It is made of thick paper for Khanila Khnaeqa and was finished on April 3, 1955.

A message was noted on the Family Tree in Farsi language: "This is the comprehensive genealogy of the Hashemite-Solaei family of Barzanji Seyeds, I dedicate it to Haj Seyed Muhammad Hadi Hashemi".

The second genealogy refers to the handwriting of the prominent scholar Sheikh Muhammad Marof Nodehi (died 1838), who was one of the most trusted member of Barzanji Seyed lineage and one of the scholars of Islamic science and Sufism in both Iraqi and Iranian Kurdistan: the ancestors of the Hashemite family genealogy go back to Imam Musa ibn Ja'far al-Kazim (745-799) via Seyed Bayazid Barzanji. The Hashemite family ancestors including Seyed Sheikh Rasool of Daulatabad introduced and propagated the Qadiri Order of Sufism throughout Kurdistan. This genealogy was compiled approximately in year 1832 AD. This poem is available in the archives of the library of his eminence Seyed Taher Seyedzadeh Hashemi.

Qadiri Tariqa (Order) is one of the oldest and largest branches of Sufism in the world, which has been one of the driving force to spread and promote Islam not only in the Middle East, including Iran and Iraq, but also in East Asia, China, and Central Asia, from the east to Java Island (Indonesia) and from the west to Algeria, Morocco and Africa. It has played a significant role in social life in the Muslim world and beyond. Imam Abdul Qadir Gilani is a descendant of Imam Hassan and was entitled as Ghouth al-Azam (Greatest Aide). His tomb and shrine is in "Bab al-Sheikh" in Baghdad. This book has been researched on the subject of the history of a branch of the Qadiri Order namely the Qadiri Order of Solaei- Dolab and the role of Sema in their spiritual and mystical life.



چاپ اول، قطع کتاب: رحلی - تهران، ۳۳۲ صفحه، مصور
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۰ تومان

سرشناسه: حسینی. مهدی - ۱۳۵۸
عنوان و نام پدید آورنده: سماع: پژوهشی از ذکر سماع و زندگی دراویش قادریه کردستان /
مهدی حسینی.
مترجم لامعه هاشمی؛ مترجمین کردی سهیلا محمدی، نجم‌الدین براخاصی؛ ویراستار سعید
کیانی.

مشخصات ناشر: سندانج: انتشارات زیویه، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۳۳۴ ص.: مصور(رنگی و سیاه و سفید).: ۲۳*۲۹ س م
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۱-۲۱-۴

موضوع: History-Biography -Mystics-Iran- Kurdistan-Daravish-Sema-Qadri

موضوع: ذکر سماع- دراویش - قادریه - کردستان - ایران-سرگذشتنامه- تاریخ-عرفان

رده بندی کنگره: BP ۳۴/۲۹۲

رده بندی دیویی: ۸۹۲۴/۲۹۷

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۲۳۸۵۳۶

شناسه مجوز: ۷۴۴۳۷۲-۸۱۴۲۱-۹

انتشارات زیویه



آدرس: بلوار نمکی، کوچه آغاز زمان، جنب عمارت احمدزاده، پلاک ۱ طبقه اول

ایمیل: moc.oohay@natsidruk_gnidnib

Sema Collection

Art Director

Farhad Soleimani

Translator

S.Lamiah Hashemi

Kurdish Translators

Sohaila Mohammadi & Najmuddin Berakhasi

Editor

saeed Kiaee

Project Researcher and Designer

Mehdi Hosseini

مجموعه سماع

مدیر هنری

فرهاد سلیمانی

مترجم

سیده لامعه هاشمی

مترجمین کردی

سهیلا محمدی و نجم‌الدین براخاصی

ویراستار

سعید کیائی

پژوهشگر و طراح پروژه

مهدی حسینی

مقدمه

مقدمه
Introduction

پیشگفتار دکتر شیخ سید مختار هاشمی

عرفان و تصوف یک شیوه زندگی با میراث غنی و جذابیت گسترده در عصر مدرن است. طریقت‌های عرفانی یکی از نهادهای اجتماعی غیررسمی و مردمی در کردستان می‌باشند که در طول تاریخ، تأثیر بسزایی در ارتقای دانش و علم داشته‌اند، زیرا از قدیم بسیاری از خانقاه‌ها به مثابه دانشگاه یا مکان‌هایی برای تحصیلات عالی بودند. امروزه در دوران معاصر، برخی از مراکز عرفانی به عنوان حوزه‌های علمیه نقش ایفا می‌کنند. همچنین نقش اجتماعی طریقت‌های تصوف در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق و غیره بسیار حیاتی است.

طریقت قادری یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاخه‌های تصوف در کردستان می‌باشد که دارای جنبه‌های موسیقایی و هنری پرطراوت و چالاک است. مهم‌ترین جنبه این شیوه زندگی، ذکر (یاد خدا) و ذکر قیام (ایستاده) می‌باشد، که ذکر سماع هم نامیده می‌شود. مراسم ذکر سماع قادری بیانگر تأملات ارزشمند فکری، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است؛ به معنای دیگر وابسته به زمان و مکان بخصوص نیست (بی‌بعد است). به عبارت دیگر، دارای خصوصیات جهانی و جهان‌شمول می‌باشد. از این رو سماع را می‌توان به عنوان میراث ناملموس جهانی در نظر گرفت. ناگفته نماند که ذکر قیام یا سماع در طریقت قادریه کردستان در سال ۱۳۹۵ در فهرست آثار ملی ناملموس ایران به شماره ۱۳۶۰ به ثبت رسید، که دستاورد بزرگی برای جامعه اهل طریقت قادریه در ایران محسوب می‌شود. سماع قادری شامل کارکردهای مختلف اجتماعی، مذهبی و آیینی و نیز پارامترهای زبانی (مانند شعر، گفتمان و روایت، منطقی، فلسفی) و ابزارهای غیرزبانی شامل موسیقی، حرکت (رقص)، خلسه (احساسات) و غیره است. تجزیه و تحلیل سماع نشان می‌دهد که این نوع از ذکر هم کارکردهای درونی و هم خارجی دارد. اولی به حالت روح و روان یعنی تهذیب نفس، رهایی از غرور، رهایی از قیود اجتماعی، حالت خلسه (توبه - نزدیکی - عشق - ترس - امید - آرزو - مشاهده - یقین) اشاره دارد؛ و دومی اشاره به فضایی است که از تجمع افراد ایجاد شده و باعث اتحاد و نزدیکی آن‌ها به یکدیگر می‌شود و سرانجام باعث تقویت هویت، هماهنگی و همکاری اجتماعی، خودانضباطی و افزایش همدلی اجتماعی میان افراد جامعه می‌شود. از این رو سماع نه تنها از اهمیت معنوی برخوردار بوده، بلکه یکی از مهم‌ترین جنبه‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی زندگی عارفانه است.

سماع با ایجاد فضای معنوی (زمان + مکان) و استفاده از نمادهای فرهنگی (موسیقی و شعر) در چارچوب هنری (رقص با ریتم‌های مقرر) و کارکردی اجتماعی-مذهبی (گردهمایی با نمادهای فرهنگی انسان‌شناختی متعدد) تحقق می‌یابد. سماع به عنوان نوعی مناسک و وسیله‌ای برای ارتباط با خدا و عبادت مذهبی استفاده می‌شود و می‌توان آن را درمان و علاج احساسات درونی (مانند شک و تردید) دانست که بیانگر نوعی رهاسازی جسمی و عاطفی است که با تخلیه انرژی باعث تزکیه نفس می‌شود.

برای مطالعه یک پدیده معنوی و هنری مانند سماع می‌توان از رشته‌ها یا روش‌شناسی‌های مرتبط با تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی هنر، نشانه‌شناسی هنر، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی هنر استفاده کرد. بنابراین، این کتاب عکس با موضوع «سماع در طریقت قادریه سوله‌ای دولاب» کمکی درخشان و کاملاً محققانه در راستای ارائه‌ی تصویر هنری از سماع و البته تحلیل کارکردی کامل از مراسم قادری از منظر جامعه‌شناسی از جمله بررسی ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و زیبایی‌شناختی می‌باشد. مهدی حسینی، نویسنده و عکاس این کتاب عکس بسیار فوق‌العاده، توانسته است با لنزهای دوربین خود روح بلند زندگی عارفانه را به تصویر بکشد، که به داستانی آسمانی از معنویت تبدیل شده است. به همین دلیل از ایشان و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این تلاش بزرگ سهم بوده‌اند، به ویژه اعضای محترم جامعه اهل طریقت تشکر می‌کنم.

*

تنوع، نشانه حضور متعالی و فراگیر الهی است؛ تمدن اسلامی گواه این حقیقت است. کثرت‌گرایی در جامعه بشری یک مفهوم قرآنی است؛ برای مثال در آیه ۲۲ سوره روم پروردگار می‌فرماید «و از آیات او خلقت آسمان‌ها و زمین و تنوع زبان‌ها و رنگ‌های شماست، همانا در آن نشانه‌هایی است برای آگاهان». تجلیل از تنوع، یک دیدگاه عرفانی است و بنابراین، امیدوارم که این تلاش شگفت‌انگیز به غنی‌سازی آموزه‌های عرفانی که بر مفهوم صلح، مدارا و کنشگری بدون خشونت (دعوت و تبلیغ) در جامعه ما تأکید دارد، کمک کند.

Foreword by; Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi

Sufism is a way of life with a wealth of heritage and wide appeal in modern day. Sufi Orders are one of main grassroots, informal social institutions in Kurdistan. Throughout history, they have had an immense impact on the enhancement of knowledge and science as many of Khaneqahs were universities or places for the attainment of higher education. Today, in some areas, they serve as theological schools. The social role of Sufi orders is vital in dealing with societal problems such as drug abuse and divorce.

The Qadri Order remains the most important and influential branch of Sufism in Iranian Kurdistan possessing a vibrant musical and artistic aspects as well. The most important aspect of this way of life is the Zikr (or Remembrance of Allah) and the Standing Zikr which is called Sema. The Sema ceremony of Qadri Order expresses valuable intellectual, social, cultural and ideological reflections which is dimensionless i.e. it has universal attributes. Hence, Sema can be considered as a world intangible heritage. In 2016, Sema was added to the Iranian National Intangible Heritage List (number 1360) which was a great achievement for Qadri community in Iran. The Qadri Sema comprises of different social, religious and ritual functionalities as well as linguistic parameters (such as poetry, discourses and narratives, logic, philosophy) and non-linguistic tools such as music, motion (dance), ecstasy (feeling of rapture). A functional analysis of Sema reveals that it has both internal and external functions; the former function refers to the state of mind and soul involving self-purification, liberation from pride, liberation from social constraints, state of ecstasy (repentance-closeness-love-fear-hope-desire-observation-certainty); and latter function refers to the space and atmosphere that is created by the gathering of people making them united and close to one another, strengthening the identity, social harmony, societal cooperation, self-discipline, and enhancing social empathy. Thus, Sema not only has a spiritual importance but is also one of the most important artistic, cultural and social aspects of Sufi life.

Sema is realized by creating an atmosphere of spirituality (time + place) and using cultural symbols (music, poetry) within an artistic framework (a dance in prescribed rhythms) and a socio-religious gathering with abundant anthropological cultural symbols. It is used as a form of ritual and a means of communication with God and religious worship. It can be considered as a therapy and cure for inner feelings (such as doubts) which represents a form of physical and emotional release and by draining energy, it causes purification.

To study a spiritual and artistic phenomenon like Sema, one can use disciplines or methodologies related to history of art, art aesthetics, art semiotics, sociology and art anthropology. Thus, this photobook on "Sema of Solaei-Dolab Qadri Order of Sufism" is a brilliant and well-researched

contribution to the artistic imagery of Sema in addition to a thorough presentation of the functional analysis of Qadri ceremonies in terms of their socio-cultural and aesthetic characteristics. The author, Mehdi Hosseini was able to capture the high spirit of the Sufi Life through the lenses of his camera, translating into a heavenly story of spirituality. For this, I thank him and all those who contributed to the success of this endeavor, particularly the esteemed members of our Dervish community.

*

Diversity is the sign of God's Supreme Presence. The Islamic civilisation is a testimony of this fact. Pluralism in the human society is a Quranic concept ("And among His signs is the creation of heavens and the earth, and the variations in your languages and colours: verily in that are signs for those who are knowledgeable" [30: 22]). Celebrating Diversity is a Sufi perspective; therefore, I hope that this marvelous effort contributes to the enrichment of Sufi teachings which emphasises the concept of peace, tolerance and non-violence activism (Dawa) in our society.

پېئىشەكى لە لاينە

دكتۇر شىيخ سەيىد موختار ھاشىمى

عيرفان و تەسەووف شىۋاوزىكى ژيانى سەردەمى مۆدپّرنە كە ميراىتىكى دەولەمەند و سەرنجپراكىئشىيەكى بەرفراوانى ھەيە.

رېياز يا تەرىقەتە عيرفانييەكان يەكئك لە رېئخراوە كۆمەلآيەتییە نافەرمييە (واتە سەربەخۆ) سەرەكییەكانن لە ناو دلّى خەلكى كوردستاندا كە بە دىژزايى مېژوو كاريگەرييەكى بەرچاويان لە ھەلكشان و بەرزكردنەوەى زانست و زانياريدا ھەبووە، بەو

پيئەى كە ھەر لە كۆنەوە زۆررېك لە خانەقاكان دەورى زانكۆكانى ھەنووكەيان گيپراوە لە خوئىدنى بالادا و لە بەدەستھيئانى

پلەى بالآى زانستدا. ھەنووكە و لە سەردەمى مۆدپّرندا، لە ھەندىك شوپن، خانەقاكان وەك قوتابخانەى ئيلاھيات (حوجرەى

ئايينى) خزمەت دەكەن. دەورى كۆمەلآيەتى تەرىقەتەكانى تەسەووف لە بەرەنگاربوونەوەى خەسارە كۆمەلآيەتییەكانى وەك توشبوون بە ماددە ھۆشبەرەكان، پرسى حيابوونەوە (تەلّاق) و ھتد زۆر گرینگە.

رېيازى قادرى يەكئك لە گرینگترين و كاريگەترين لقەكانى عيرفان و تەسەووف لە كوردستاندايە كە لاينى مۆسيقايى و ھونەرىى وزەبەخش و چالاكيشى ھەيە. گرینگترين لاينى ئەم شپوە ژيانە برىتییە لە زىكر (يادى خوا) و زىكرى وەستان

(قيام) كە ھەروەھا زىكرى سەماشى پىچ دەوترئت. پرىوېرەسمى سەماى رېيازى قادرى گوزارشت لە رەنگدانەوەى بەنرخى

فيكرى، كۆمەلآيەتى، فەرھەنگى و ئايدىۆلۆژى دەكات كە بە شوپن.كانئىكى تايبەتەوە نەبەستراوەتەوە (بەبى رەھەندە) واتە سيفەت و تايبەتمەندييەكانى گشتگير و جىھانين. لەم ړووەو دەكرئ وەك ميراىئىكى دەرھەستى جىھانى سەبرى سەما بكرئت.

شايانى باسە زىكرى قيام يان سەماى رېيازى قادرييەى كوردستان لە سالى ۲۰۱۶ دا، لە لیستی میراتە دەرھەستەكانى ئيراندا بە ژمارەى ۱۳۶۰ تۆمار كرا كە ئەمە دەستكەوتىكى گەورە بوو بۆ كۆمەلەى لایەنگرانى رېيازى قادرى لە ئيران. سەماى

قادرى برىتییە لە كاركردە جۆراوجۆرە كۆمەلآيەتى، ئايينى و ئايينزايیەكان كە پارامپترە زمانییەكان (وەك شيعر، گوتار و گيپرانەوە، لۆژىكى، فەلسەفى) و كەرەستە نازمانييەكانى وەك مۆسيقا، جوولە (سەما)، جەزمە/ئيكستازى (ى ھەستەكان) و ھتد

لە خۆ دەگرئت. شىكارى و شرۆڤەى سەما ئاشكرای دەكات كە سەما ھەم ئەركى ناوخۆيى و دەروونى ھەيە و ھەم ئەركى دەرەكى. ئەركى دەروونى ئاماژەيە بە حالّتى رۆح و دەروون. واتە پاككردنەوەى نەوس، پرگاربوون لە دەماربەرزى،

پرگاربوون لە كۆت و بەندە كۆمەلآيەتییەكان، حالّەتى جەزمليھاتن (ئيكستازى) (تۆبە، نزيكايەتى، عەشق و خۆشەويستى،

ترس، ھيوا، ئاوات و ئارەزوو، بينين، دلّئايى)، دووھەميشيان ئاماژەيە بۆ ئەو فەزا و كەش وھەوايە كە بەھۆى كۆبوونەوەى مرۆڤەكانەوە دروست دەيئت و دەيئتە ھۆى يەكگرتن و نزيكبوونەوھيان لە يەكتر و، لە ئاكامدا دەيئتە ھۆى بەھيژ كردنى

پيتاسە، ھاوسەنگيى كۆمەلآيەتى، ھاوكارىى كۆمەلآيەتى، خۆديسيپلىنى و بەرزكردنەوەى ئاستى ھاودلّى و ھاوسۆزىى كۆمەلآيەتى

لە نيوان كەسەكانى كۆمەلگادا، بەم پيئە سەما نەك ھەر گرینگىيەكى رۆحيى ھەيە بەلكو يەكئكە لە گرینگترين لاينە ھونەرى، فەرھەنگى و كۆمەلآيەتییە گرینگەكانى ژيانى عيرفانى.

سەما بە دروستكردنى كەشيكى رۆحانى (كات + شوپن) و كەلكوەرگرتن لە ھيما فەرھەنگييەكان (مۆسيقا و شيعر)

لە چوارچيۆيەكى ھونەرى (سەمايەك بە رپتمە ديارىكراوەكان) و كاركرديكى كۆمەلآيەتى.ئايينيда (كۆبوونەوەيەك بە

ئىلم

ئىلم

ھيما فەرھەنگييە مرۆفناسانە (ئەنترۆپۆلۆژييە) جۆراوجۆرەكان) دئتە دى. سەما وەكوو جۆرئك پرىوېرەسم و رېگايەك بۆ

پەيوەندىگرتن لەگەلّ خودا و عبادەتى ئايينى بەكار دەبرئت و دەكرئ وەكوو دەرمان و چارەسەرئك بۆ ھەستەكانى

دەروون (وەك گومان و دردۆنگى) دابنرئت كە جۆرئك لە ئازادكردنى جەستەيى و سۆزدارى دەردەبرئت كە بە ھەلپشتن و خالّى كردنەوەى وزەى دەروون، دەيئتە ھۆى پاكژكردنەوەى نەوس.

بۆ خوئىدنەوە و ليكۆلئینەوەى دياردەيەكى رۆحى و ھونەرى وەك سەما، مرۆف دەتوانج لە ديسيپلینەكان يان ميتۆدۆلۆژيا پيۆەنديدارەكان بە ميژووى ھونەر، جوانىناسيى ھونەر، نيشانەناسيى ھونەر، كۆمەلّناسى و مرۆفناسيى (ئەنترۆپۆلۆژيाय)

ھونەر كەلك وەرېگرئت. كەوايە، ئەم كئتبوئینەيە بە مژارى "سەما لە رېيازى قادرييەى سۆلەيى دۆلّودا" يارمەتییەكى

درەوشاوە و ليكۆلئینەوەيەكى شكۆمەندە بۆ پئشكەشكردنى ھەم وئتەيەكى ھونەرى لە سەما، ھەميش بۆ شرۆڤەيەكى

كاركردىى تەواو گشتگير لە پرىوېرەسمەكانى قادرى لە پروانگەى كۆمەلّناسييەوە بە تايبەتمەندىگەلى كۆمەلآيەتى.فەرھەنگى

و جوانىناسانە. سەيىد مپھدى حوسئتى، نووسەرى ئەم كئتبوئتەيە ناوازە و تايبەتە، توانيوپەتى بە لئنزەكانى كامپراكەى

رۆحى بەرزى ژيانى دەروئشى و عارفانە تۆمار بكات كە بووتە چيرۆكيكى ئاسمانى لە رۆحانيەت. بۆ ئەمەش سوپاسى

نووسەر و ھەموو ئەو كەسانە دەكەم كە بەشدارييان لە سەرکەوتنى ئەم ھەولەدا كردووە؛ بە تايبەت ئەندامانى بەرپزى

كۆمەلگا و كۆمەلەى رېيازەكەمان.

فرەچەشنى و ھەمەجۆرى نيشانەى ئامادەيى و بوونى ھەمەلايەنەى خودايە. ژيار و شارستانیەتى ئىسلامى شايەتحالّى ئەم

پراستييەيە. فرەيىخوازى لە كۆمەلگای مرۆڤايەتيدا چەمكىكى قورئانييە (بۆ نموونە لە ئايەتى ۲۲ى سورەتى رۆمدا ئەفەرموئت:

"ھەر لە نيشانەكانى ئەوە ئافراندى ئاسمانەكان و زەوى و، فرەچەشنىى زمانى ئاخافتن و رەنگ و پرووتان. بە پراستى كە

لەمەدا بەلگە زۆرن بۆ زانايان" (وەرگيپرانى كوردىى مامۆستا ھەژار). رپزگرتن لە فرەچەشنى و ھەمەجۆرى، يەكسانى و

گشتگىرى، پروانگەيەكى عيرفانييە؛ ھەربۆيە ھيوادارم ئەم ھەولە ماندووئىنەناسە سەرسووېھيئەرە يارمەتيدەر يئت بۆ دەولەمەندكردنى فيركارييە عيرفانييەكان كە جەخت دەكات لە سەر چەمكى ئاشتى، ليبوردهيى و چالاكيى بەبى توندوتيژى

(داوەت و بانگپئشت) لە كۆمەلگاكەماندا.

پژوهشگر

مهدی حسینی

«سماع» یا «ذکرِ قیام» فضایی معنوی است (با المان‌های زمانی و مکانی زندگانی معنوی) که پیروان طریقت قادریه آن را آیینی با وجهه‌ی معنوی در عرفان اسلامی، انجام می‌دهند و به عنوان نماد هنری، زیباشناختی، فرهنگی و مذهبی در زندگی خود می‌دانند.

سماع با ایجاد فضا، اتمسفر و حال و هوایی درونی که نمودی بیرونی در رفتار سالکین دارد، از جمع شدن چند نفر به‌وجود می‌آید. بر اساس تحقیقات میدانی، صدایِ دلنشینِ دف و طبل و حنجره‌ی انسان، سماع را به درویش «هدیه» می‌دهد. سماع باعث می‌شود در اعضای بدن حرکت ایجاد شود. وقتی که درویش در این موقعیت قرار می‌گیرد در کائنات غیر از خدا چیز دیگری نمی‌بیند.

پیروان طریقت قادریه (دراویش) معتقدند که «عشق» ایجاد شده از این حرکت در برابر خداوند، فرد را به جایگاهی می‌رساند، که در آن جایگاه و زمان، تمامی افراد حاضر، همگی در احوالات وجد ، حیران، مشتاق جمال خدا، شیفته و سرگردان می‌شوند.

سماع دارای حالاتی درونی و بیرونی برای دروایش دارد. آنها بخش درونی را تزکیه‌ی نفس، رهایی از غرور، رهایی از قیود اجتماعی و… می‌دانند. در آداب بخش بیرونی آن نیز باید به عواملی نظیر زمان، مکان ارائه و رقص و وضع بدن جهت انجام حرکات براساس ریتم‌ها، موسیقی و ابزارهای کلامی اشاره کرد.

طریقت قادریه، اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین شاخه‌ی تصوّف در کردستان و خاورمیانه است. این سلسله منسوب به شیخ عبدالقادر گیلانی (۴۷۱–۵۶۱ هجری قمری) است که در بغداد مدفون است و ورود این طریقت به کردستان را به قرن دوازدهم به شیخ اسماعیل ولیانی نسبت می‌دهند. برخی معتقدند این طریقت بیشترین پیروان دروایش را در بین سایر طریقت‌ها دارد.

با پیگیری فعالان فرهنگی از جمله دکتر سید شیخ مختار هاشمی، مراسم «ذکر قیام» یا «سماع» در سال ۱۳۹۵ به عنوان آثار ملی ناملموس و معنوی ثبت فهرست وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران شده است.

*

مستندسازان و عکاسان در مواجهه با این مراسم، عمدتاً شیفته‌ی آن می‌شوند و در بهترین حالت کنجکاوانه به آن می‌پردازند. امّا، عکاس-پژوهشگر مجموعه‌ی حاضر، پس از مطالعه، مشاهده و تجربه‌ی زیسته‌ی در کنار «دروایش قادریه، سوله دولاب»، کمبود یک اثر هنری-اجتماعی که از جنبه‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی هنری و زیباشناسی به مستندات موجود بپردازد، را دید.

پژوهش حاضر، تلاش کرده است در قالب جستجو و گردآوری اسنادِ موجود از سلسله‌ی دروایش این طریقت، خاندان محترم هاشمی و خانقاه اصلی و آستان مبارک دولاب در بخش سیروان شهرستان سنندج با سابقه‌ای ۳۰۰ ساله، بپردازد؛ تا مخاطبان این نیایشِ مبهوت کننده را با جنبه‌های گوناگونی از آن به واسطه‌ی تصویر آشنا کند.

*

این پنج سال تلاش بی وقفه برای تهیه‌ی این مجموعه، سفری آموزنده بود و سعی شده تا جنبه‌هایی غیر از ذکر سماع مانند مناسبات آیینی-اجتماعی و فعالیت‌های علمی فرهنگی مورد توجه قرار گیرد تا نگاه دقیق‌تری به داستان زندگی جامعه دروایش ایران در منطقه کردستان شود. همچنین عاداتی نظیر رسوم مختلف، پوشش لباس و زبان،مراسم‌های دروایش، سبک زندگی، رابطه‌ی مرید و مرادی، اماکن مذهبی و حائز اهمیت از دید پژوهشگر دور نباشد و در حد توان برای مخاطبان با توجه به کدهای اخلاقی و استاندارهای مطالعات اجتماعی میدانی به نمایش دربیاید. در این پژوهش، علاوه بر ثبت بی

واسطه‌ی تصاویر موارد ذکر شده به آلبوم‌های شخصی و خانوادگی دروایش منطقه‌ی کردستان نیز پرداخته شده است تا با نمایش برخی از این تصاویر که بعضاً بیش از ۴۰ سال قدمت دارند، نگاه دقیق‌تر و جامع‌تری به دروایش و به طور خاص «سماع» به دست بیاید.

*

تشکر ویژه دارم از جناب آقای دکتر سید شیخ مختار هاشمی که همکاریِ ایشان را در این مجموعه همواره داشتم. همچنین از دروایش محترم طریقت سوله دولاب و از سرکار خانم سیده لامعه هاشمی برای ترجمه متون به انگلیسی و آقایان خلیفه صلاح الدین غلام‌شهبازی برای تهیه داده‌های میدانی و فرهاد سلیمانی و سعید کیائی، جناب آقای دکتر ایرج نعیمایی که در این مجموعه همراه و کنارم بودند.

Project Researcher and Designer Mehdi Hosseini

Sema" or "Zikr-e Qiyam (standing Zikr)" is a spiritual atmosphere (with both temporal and special elements of spiritual life) that wayfarers (Dervishes) of Qadiri Order of Sufism perform as ceremonial features of Islamic mysticism (Sufism), and represents their artistic, aesthetic, cultural and religious symbols.

Sema in creating both space (atmosphere) and inner-self state that has an exogenous manifestation in wayfarers' conducts, is formed by the gathering of several members of the community. According to field researches, the pleasant sound of the tambourine (daf) and drum and the enjoyable human voice gives Sema as a "gift" to the wayfarer. Sema, accompanies body motions and rhythmic movements. When the dervish is in this state, s/he sees nothing else in the universe but Allah Almighty.

Qadiri wayfarers believe that the "love" created by Sema motions, make them to sense that they are in the Presence of God, they have reached a position (a station or Maqaam) within a time, all of the people present are in the states of bliss (wajd), bewilderment (hayran), and various others, longing for the beauty of God, enthralled and wandered.

A functional analysis of the performance of Sema shows that it has both internal and external functions for wayfarers. They consider the inner-self function to be self-purification, egolessness and freedom from social constraints, etc. Sema's exogenous functions include elements such as time, place of performance (Khaneqa or any other places), dancing movements according to rhythms, musical instruments (daf and drum) and verbal tools (literature and poetry).

The Qadiri Order of Sufism is the main and oldest branch of Sufism in Kurdistan, Iran and the Middle East. This Sufi chain is attributed to Sheikh Abdul Qadir Gilani (1078-1166) where his shrine is in Baghdad, and the introduction of this order or tariqa to Kurdistan is attributed to Sheikh Ismail Valiani in the twelfth century. According to some accounts, it is believed that this order has the great number of followers amongst all the other Sufi orders.

Qadiri Sema ceremony was registered at the Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Iran in 2016 through the efforts of cultural activists including Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi.

*

when faced with this ceremony, documentarians and photographers are mostly fascinated by it and at best are curious about it. However, after studying, observing and living with members of " Qadiri order of Solaei-Dolab", the photographer-researcher of the present collection realized that existing documentations lacks a comprehensive social artwork dealing with religious, cultural and social, artistic and aesthetic aspects of the Qadiri Order of Sufism in Kurdistan and Iran.

The current research has tried to find and collect the existing documents from community members of

the Qadiri order of Solaei-Dolab, the honourable Hashemi family as well as the historic headquarter of the Order at Dolab Holy Sanctuary with a history of 300 years; introducing various aspects of this amazing ceremony to the audience through visual photographic imagery.

These five years of relentless efforts to prepare this collection have been a learning journey for me. In addition to Sema, it has been tried to pay greater attention to other socio-religious, cultural and scientific aspects of community life story of wayfarers in Iranian Kurdistan. Community attributes such as customs, costumes, language, social ceremonies, lifestyle, the relationship between Murid-Murad (wayfarer-teacher) and sites of spiritual importance have been considered and presented to the audience by maintaining the ethical codes and standards of social field research.

In this research, in addition to photographs taken by myself at various events, I have used photos taken from personal and family albums of Dervishes of the Kurdistan region in order to have a more profound understanding and greater awareness about Sema heritage; these photos can offer both historical and authentic impression of Sema ceremony.

*

I would like to thank all the honorable members of the Solaei-Dolab Qadiri Order of Sufism and Mr. Dr. Seyyed Sheikh Mukhtar Hashemi for their cooperation in preparing this collection and assistance in preparing the field data. This book collection would not have been possible without the dedicated supports of Mrs. Laimah Hashemi, Mr. Khalifa Salahuddin Gholam Shahbazi, Mr Farhad Soleimani, Mr Saeed Kiaei, Mr. Dr. Iraj Naeemaei .

"سەما" يان "زىكرى بە پىئو" كەشۋەھەۋايەكى پۇڭخانىيە (بە ھىمان گەلى كاتى و شوپىيى ژيانى پۇڭخانىيەۋە) كە دەرويشەكانى رېيازى قادرى بە رىۋپرەسمىكى تايبەت بە پرهەندى پۇڭخانى لە عىرفانى ئىسلامىدا بەرپۇەى دەبەن و ۋەك ھىمايەكى ھونەرى، جوانىناسانە، فەرھەنگى و ئايىنى لە ژيانى خۇياندا لېي دەروانن.

سەما بە دابىن كردنى فەزا و حالّ و ھەۋايەكى دەروونى كە دەرکەۋتەيەكى دەرەكىي لە پەفتارى رپرەو و مورىددا ھەيە، لە كۇبوۋنەۋەى چەند كەس پىك دىت. بە پىي توپژىنەۋە مەيدانىيەكان، دەنگى دل بزوپتى دەف و تەپل ھاوپرئ لە گەل گەرووى مرۇف، پىكەۋە، سەما پىشكەش دەكەن بە دەروپش. سەما دەپتە ھۆى جوولەيەكى (پۇڭخانى) رېتىمىك لە ئەندامانى جەستەى دەروپشدا. كاتى كە دەروپش دەچپتە ئەم حالّتەۋە. لە ناو كائىناتدا بېچگە لە خۋاى مەزن ھىچى دىكە نابىنىت.

رپرەۋانى رېيازى قادرى (دەروپش) برۋايان ۋايە كە "عەشق تى كە لەم جوولە و بزافەى لە بەردەم خۋادا پىك ھاتوۋە، مرۇف دەگەپپىتتە پلە و پىگەيەك كە لەو مەقامە و لەو كاتەدا، ھەموو كەسەكان. بەگشتى لىۋە و سەرگەردانى حالّتى جەزم، ھەيران و تاسەبارى دىدارى خوا دەبن.

سەما، حالّتىكى ناوخۇيى و دەرەكىي لە دەروپشدا تيا بەدى دەكات. ئەۋان بەشى ناوخۇيى بە پاكژ كردنى نەوس، رزگاربوون لە دەماربەرزى و غوروور، رزگاربوون لە كۆت و بەندە كۇمەلآيەتبييەكان و ھتد دادەنپن. لە نەرىتى بەشى دەرەكىشدا دەبى تامازە بكەين بە ھۇكارگەلىكى ۋەك كات، شوپن، سەما و حالّتى جەستە بۇ ئەنجامدانى جوولەكان بە پىي رېتمەكان، مۇسىقا و زىكرە كەلامىيەكان.

رېيازى قادرى سەرەكى ترين و كۆن ترين لقى تەسەۋوف لە كوردستان و پۇژھەلّتى ناويندايە. ئەم رېيازە دەگەرپننەۋە سەر شىخ عەبدولقادرى گەيلانى (۵۶۱-۴۷۱ كۇچى مانگى) كە زيارەتانەكەى لە بەغداد جىنەزرگەى مورىدانيەى. ھاتنى ئەم رېيازە بۇ ناو كوردستان دەبەنەۋە سەر شىخ ئىسماعىل وليانى لە سەدەى دوانزەھەمدا. ھەندئ كەس رايان ۋايە ئەم رېيازە زۇرترين مورىد و دەروپشى بە چاو باقىي رېيازەكان ھەيە.

بە ھەولە بىنۋچانەكانى چالاکانى فەرھەنگى بۇ ۋپنە دوكتۇر سەيىد موختار ھاشمى، رىۋپرەسمى "زىكرى بەپىئو (قيام)" يان "سەما" لە سالى ۱۳۹۵ دا بە ناۋى شوپتەۋارى مىللىي مەعنەۋى و دەرھەست لە پىپرستى ۋەزارەتى مىراتى فەرھەنگى، گەپىدەيى و پىشە دەستبييەكانى ئيراندا تۇمار كراۋە.

*

داكىومپنتاران و ۋپنەگەران لە پروبەپروبوۋنەۋە لەگەلّ ئەم رىۋپرەسمەدا، بەزۇرىنە شەيدای دەبن و كەمتر بە شپۇەى كونجكۇلّنەدا لپى دەكۇلنەۋە. بەلام ۋپنەگەرتوپژەرى ئەم كۇبەرھەمە، دۋاى خوپندنەۋە، دپتن و ژيانى ئەزموون كراۋ لە ناو دەروپشانى قادربىيەى سۇلەى دۇلۇدا، ھەستى بە كەمايەسىي بەرھەمپكى ھونەرى.كۇمەلآبەتى كرد كە لە پرهەندگەلى ئايىنى، فەرھەنگى، كۇمەلآيەتى، ھونەرى و جوانىناسانەۋە برۋانپتە ۋاقىعى بەردەست.

ئەم توپژىنەۋەيە ھەولى داۋە لە چۋارچپۇەى گەران و كۇكردنەۋەى بەلگە بەردەست و ھەبوۋەكانى سلسلەى دەروپشەكانى ئەم رېيازە، بنەمالەى بەرپزى ھاشمى و خانەقاى سەرەكى و دەرگانەى پىرۇزى دۇللو لە ناۋچەى سىروانى سەر بە شارى سنەدژ، بە پىشپنەيەكى ۳۰۰ ساللەۋە، پپەرژپتە سەر ئەم رىۋپرەسمە تا لە رپگەى ۋپنەۋە، بەردەنگەكانى ئەم سكاللا سەرسووپرھپتەرە لەگەلّ لايەنە جۇراوجۇرەكانى ئەم رىۋپرەسمە ئاشنا بكات.

ئەم پپنچ سالّ ھەولە بىنۋچانە بۇ تەياركردنى ئەم كۇبەرھەمە، سەفەرىكى فپرخۋازانە بوو و تا ئەو جپيەى كراۋە ھەولّ دراۋە بېچگە زىكرى سەما، پرهەندگەلىكى دپكەى ۋەكوو بۇنە ئايىنى.كۇمەلآيەتبييەكان و چالاكبييە زانستى و فەرھەنگبييەكانپش بكەۋنە بەر چاو و سەرنج، تا بە شپۇەيەكى وردتر برۋانپتە داستانى ژيانى كۇمەلّەى دەروپشەكانى كوردستان. ھەرۋەھا نەرىتگەلىكى ۋەك پرەسمە جۇراوجۇرەكان، جل و بەرگ، زمان، رىۋپرەسمە دەروپشبييەكان، شپوەى ژيان، پپۋەندىي مورىد و مورادى، شوپتە پىرۇز و گرپنگەكان لە بەر چاۋى توپژەر ون نەبن و لە را دەى توانايىدا، بە سەرنجدان بە كۇدە ئەخلاقبيەكان و ستانداردەكانى توپژىنەۋە كۇمەلآيەتبييە مەيدانىيەكان، بكەۋپتە بەر دەست و بەر پروانگەى بەردەنگەكان.

لەم توپژىنەۋەدا، جيا لە تۇمارى راستەوخۇ و بەبىن ئپونجىي ۋپنە ناۋبراۋەكان، پەرژاۋپشپنپتە سەر ئەلبۇمە تاكەكەسى و بنەمالەبييەكانى دەروپشەكانى ناۋچەى كوردستان كە ھەندپكىيان زياتر لە ۴۰ سالّ پىشپنەيان ھەيە، تا بە شپۇەيەكى وردتر و گشتگىرتر برۋانپنە دەروپشەكان بەگشتى و "سەما" بەتايبەت.

*

سپاسى تايبەت دەكەم لە بەرپز كاك دوكتۇر سەيىد موختار ھاشمى كە بەردەوام لەم كارەدا يارمەتىي داوم، ھەرۋەھا لە دەروپشە بەرپزەكانى رېيازى سۇلەى دۇللو و لە رپزدار خاتوو سەيىدە لامعە ھاشمى بۇ ۋەرگپرانى ئەم بەرھەمە بۇ ئىنگلىسى و بەرپزان خەلىفە سەلاھەددپن غولامشابازى بۇ دابىن كردنى دراۋە (دەپتا) مەپدانبييەكان و بەرپزان فەرھاد سلپمانى، سەعید كيايى و دكتۇر ئىرەج نەعىمايى كە لەم كۇبەرھەمەدا بەردەوام لەگەلم بوون و يارمەتپيان داوم.

CONTENTS

Chapter One – History of Qadiri Order of Sufism

- Part One: The Sheikhs of Solai Dolab 31
Part Two: Spiritual Places (Dolab Holy Sanctuary) 137
Part Three: Enduring Faces of Disciples 149

Chapter Two – The Keeper and Trustee Qadiri Order Sufism

- part One: Spiritual Awakening Journey (Ershadi) 187
Part Two: Social Events 263
Part Three: Scientific Activities 297

Kurdish Translation of Historical Documents

- Kurdish Translation of Historical Documents of the Qadiri Order of Sufism 313

فهرست

فصل یک _ تاریخ تصوف قادریه

- بخش یک: مشایخ سوله دولاب ۳۰
بخش دو: مکان‌های معنوی (آستان دولاب) ۱۳۶
چهره‌های ماندگار دراویش ۱۴۸

فصل دو _ میراث دار تصوف قادریه

- بخش یک: سفر معنوی ارشادی ۱۸۶
بخش دو: مناسبات اجتماعی ۲۶۲
بخش سه: فعالیت‌های علمی ۲۹۶

فصل سه _ ترجمه اسناد کردی و منابع

- ترجمه کردی اسناد تاریخ تصوف قادریه ۳۱۲

CHAPTER ONE (HISTORY OF QADIRI ORDER OF SUFISM)
Part One: The Sheikhs of Solaei Dolab

فصل اول (تاریخ تصوف قادریه)
بخش یک: مشایخ سوله دولاب

The research of this section is the processing of the life of three generations of Solaei-Dolab leaders in the Kurdish regions of Iran, and it has been tried to deal with their socio-cultural lives based on desktop study, historic archives and field research. The Kurdish people traditionally have shown a great faith and trust in the Qadiri Order of Sufism which made famous contemporary Kurdish sheikhs and mystics such as Sheikh Jagir Kurdi and Sheikh Taj al-Arifin Abul-wafa Kurdi to foster spiritual relationship and be companions of Sheikh Abdul Qadir Gilani. Documenting this research on Qadiri Order of Sufism of Solaei-Dolab lasted for five years based on my liaison with the leadership as well as community members of the Order. Also, the documents including old manuscripts and text-based documents which are kept in the Dolab Holy Sanctuary Archive Centre, have been considered. These documents are sometimes related to the period of religious, social, mystical and family activities of Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi in Iran as well as when he resided in England. The documents are in the form of treatises and letters which were exchanged with members of the community as well as well-known government, political, religious and mystical dignitaries. These correspondences are kept by Sheikh Dr. Seyed Mukhtar Hashemi.

پژوهش این بخش، پردازش زندگی سه دوره (نسل) از مشایخ سوله دولاب در مناطق کردنشین ایران است و سعی شده بر اساس مستندات و تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی به زندگی اجتماعی-فرهنگی آن‌ها پرداخته شود. اعتقاد مردم کردستان به طریقه‌ی شیخ عبدالقادر باعث حضور مشایخ و عرفای مشهور و معاصر گرد همانند شیخ جاگیر کُردی و شیخ تاج‌العارفین ابوالوفای کُرد از مصاحبان شیخ عبدالقادر گیلانی شد. لذا با توجه به زمان و ارتباط صورت گرفته با رهبریت و اعضای جامعه اهل طریقت در این پژوهش، مستندسازی طریقت سوله دولاب پنج سال به طول انجامید. هم چنین از اسناد نگهداری شده در آرشیو آستان دولاب که شامل دست‌نوشته‌ها و مدارک قدیمی بوده و متن‌محور است، پرداخته شده است. این اسناد بعضاً مربوط به دوران فعالیت دینی، اجتماعی، عرفانی و خانوادگی شیخ سید محمد هادی هاشمی در ایران و همینطور دوران اقامتشان در انگلستان می‌باشد. مستندات که در قالب رساله و نامه در میان مردم، از افراد جامعه اهل طریقت و عرفان گرفته تا افراد سرشناس دولتی، سیاسی، دینی و عرفانی و مکاتبات بین آن‌ها توسط شیخ دکتر سید مختار هاشمی نگهداری شده است.

دوره قاجار

فرهاد میرزا حاکم کردستان

فرهاد میرزا معتمدالدوله قاجار (۱۱۹۷-۱۲۶۷)، عموی ناصرالدین شاه و حکمران کردستان نامه‌ای (۳۰ مهر ۱۲۴۷) به سید شیخ رسول هاشمی دولت آباد (جد خاندان هاشمی سوله دولاب) ارسال داشته است. متن نامه در خصوص درخواست استخلاص و شفاعت از حبیب الله بیگ باباجانی توسط شیخ رسول هاشمی خانشور می‌باشد. در بخشی از نامه اشاره دارد: «اصلاحی پیام طرفین بدهد که بعد از این غائله در بین نباشد و آن عالیجناب نیز که در آن سرحدات یقین است که اهالی آن صفحات عموماً نصایح آن عالیجناب را قبول و بمدلول فاصلحوا بین اخویکم باید در اطفاء پایان فساد هر قدر بتواند بکوشد، البته آن عالیجناب اوقاتی صرف اینکار بکند و زحمتی بکشد و ریش سفیدان طرفین را در آن سرحد حاضر کند آنچه یزدان بخشی و باباجانی بر یکدیگر ادعا دارند معین نماید و بطور اصلاح و صواب باطلاع عالیجاه علی اکبر خان و ریش سفیدان طرفین قراری بدهد که هم باعث استخلاص حبیب بیگ و هم بعد از این جهت آسودگی و اطمینان برای این دو طایفه حاصل گردد.»

Qajar Era

Farhad Mirza, the Ruler of Kurdistan

Farhad Mirza Motamed al-Doulah Qajar (1818-1888 AD), the uncle of Naser al-Din Shah and the Ruler of Kurdistan, sent a letter dated (21st October 1868) to Seyed Sheikh Rasool Hashemi Daulatabad (the ancestor of the Hashemi family of Solaei Dolab). The letter is a request for Sheikh Rasool Hashemi Khanashoori {Sheikh Rasool's envoy} to ask Habibullah Beg Babajani's forgiveness and intercession. In a part of the letter, he mentions "conflict resolution between the parties so that there will be an end to trouble, and that His Excellency also within those limits as I am certain that the local people generally accept his advice. His Excellency should spend some time and trouble and bring the elders of the parties to the table to ascertain Yazdan Bakshi and Babajani claims against each other, and appropriately inform His Highness Ali Akbar Khan and the elders of the parties to reach an agreement that will lead to the forgiveness of Habib Beig and the achievement of comfort and assurance for these two clans".

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط

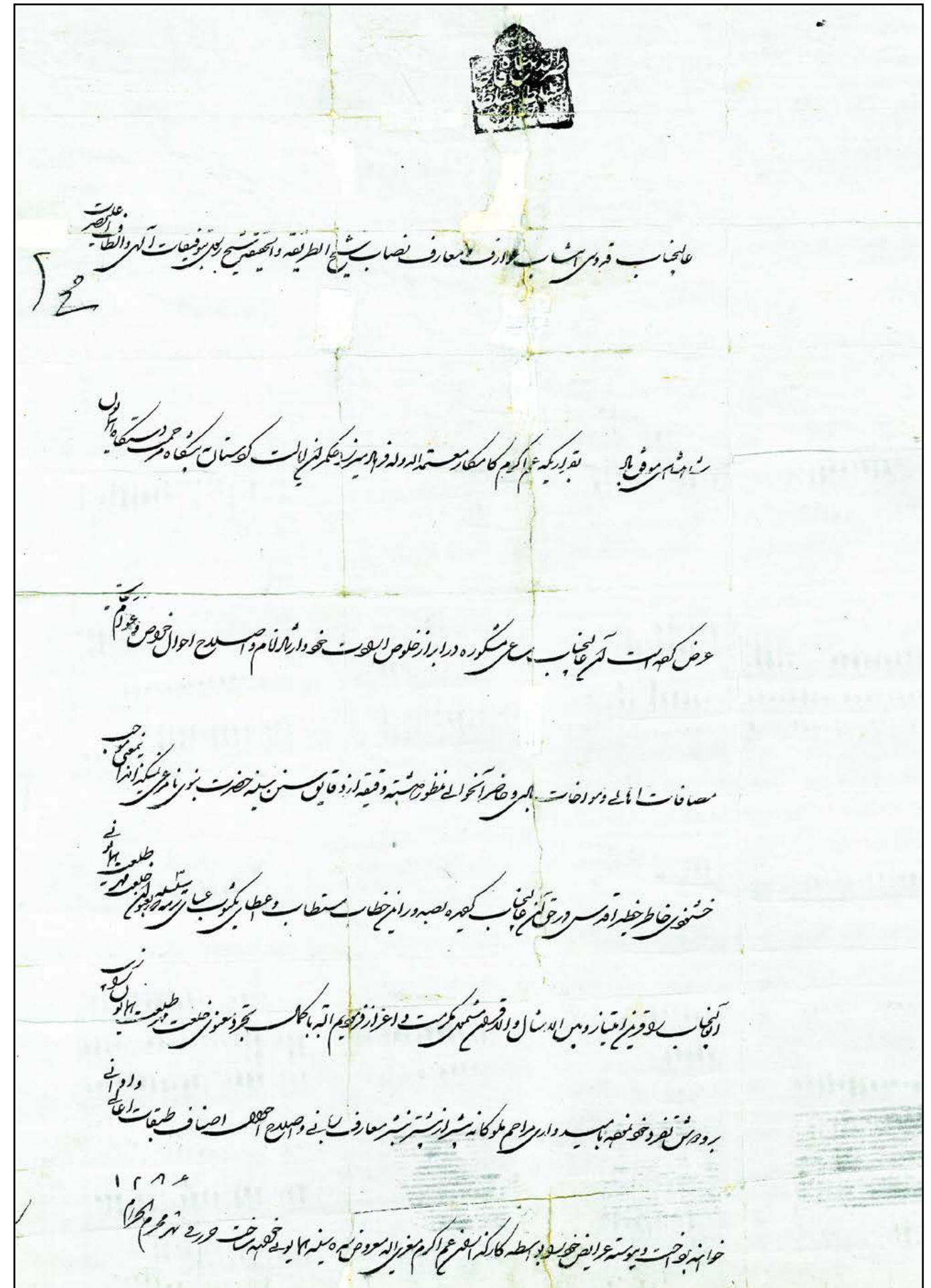
بسم الله الرحمن الرحیم
این پنجاب سیدیه در خط



ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه قاجار به سید شیخ رسول هاشمی دولت آباد (جد خاندان هاشمی سوله‌ای دولاب) به همراه اهدای یک عبای ترمه^۱، نامه‌ای ارسال داشته است. ایشان در بخشی از نامه (۱۲۴۸) اشاره دارد: "بقراری که عم اکرم کامکار معتمد الدوله فرهاد میرزا حکمران ایالت کردستان به پیشگاه مرحمت دستگاه همایون عرض کرده است آن عالیجناب مساعی مشکوره در ابراز خلوص ارادت خود و ارشاد انام و اصلاح احوال خواص و عوام و رعایت مصافات اهالی و موافات بالی و حاضر آن حوالی منظور داشته دقیقه‌ای از دقایق سنن سنیه‌ی حضرت نبوی نامرعی نمی گذارند. این معنی موجب خشنودی خاطر خطیر اقدس در حق آن عالیجناب گردید و بصدور این خطاب مستطاب و اعطای یکتوب عبای ترمه سلسله دوز بعنوان خلعت مهر طلعت همایونی آن عالیجناب را قرین امتیاز و بین الامثال و الاقران مشمول مکرمت و اعزاز فرمودیم. البته با کمال تجرد معنوی خلعت مهر طلعت همایون را زیب بر و دوش تفرد خود نموده با امیدواری به مراسم ملوکانه بیشتر از بیشتر معارف ربانی به اصلاح احوال اصناف و طبقات اعالی و ادانی خواهند پرداخت و پیوسته عرایض خود را بواسطه کارگزاران عم اکرم معزی الیه معروض سنیه همایون خواهند ساخت". شایان ذکر است که به دنبال آن، شیخ رسول عبای ترمه اهدایی شاه ایران را به بینوایی که از وی طلب کمک می کند، اهدا می کند.

۱. ترمه پارچه‌ای با ارزش و زیبا است که در ساخت آن از الیاف بسیار صاف و طبیعی استفاده شده است. ترمه اصیل ایرانی با الیاف ظریف پشمالو، ابریشم و نخ‌های طلایی و نقره‌ای به صورت دست ساز ساخته شده است. ترمه اصیل ایرانی در رنگ‌ها و طرح‌های متنوع بافته می‌شود. در میان همه، طرح نقش‌های قلمکار از اصیل‌ترین نوع این پارچه ظریف به شمار می‌رود.



Naser al-Din Shah

Naser al-Din Shah Qajar (King of Qajar Dynasty) sent a letter to Seyed Sheikh Rasool Hashemi Daulatabad (ancestor of the Hashemi family of Solaei Dolab) in addition to a gift of an authentically patterned Termeh¹ (Cashmere) rob. In a part of the letter (1869), he mentions: "according to our prosperous and benevolent Uncle, Motamed al-Dawlah Farhad Mirza, the Ruler of Kurdistan State, who has expressed to the Courtesy and Mercy [i.e. the attention] of the Imperial 's Administration, to your eminency's thankful efforts and are grateful for expressing the purity of your devotion in guiding and managing the people and improving the conditions and circumstances of both elites and Commons [i.e. various social classes] and those in the surrounding areas, observing sincere friendship among the communities, keeping their mindset loyal and adherence [i.e. make sure they are obliged to peace and rule of law], that they do not omit and leave unnoticed a single tiny subject of the exalted traditions (Sunnah) of the Holy Prophet (i.e. they keep to the teaching of the holy prophet) . In essence, this has caused the pleasure of the virtuous great mind [i.e. the king] towards your excellency on issuing this desirable letter, I present you with an authentically patterned Termeh (Cashmere) rob as shining Imperial seal of affection to your Highness which makes you a privileged partner and you remain our dearest and have honoured you among the likes and equals. Indeed, with the perfection of spiritual abstraction, the Imperial seal of affection (i.e. the Termeh rob) which is beautifully decorated and unique for your individual use; hoping for the Royal Mercy, by using the divine teachings you will improve the conditions of the guilds and the lower and upper classes more than before and will continuously make their petitions through the government civil servants of mentioned prosperous and benevolent Uncle, to the noble attention of His Imperial Majesty". It is worth mentioning that thereafter, Sheikh Rasool offered the Termeh cashmere robe bestowed by the Shah of Iran to a poor person who made a request for assistance.

1. Termeh or cashmere is a valuable and fine cloth in whose fabrication very smooth and natural fibers are used. The original Iranian Termeh is made with fleecy delicate fibers, silk and golden and silver threads in a hand-made fashion. The original Iranian Termeh is woven in various colors and patterns. Among all, the paisley thematic pattern is considered as the most genuine and original type of this fine cloth.

The first generation of Sola-Dolab Sheikhs is Sheikh Seyed Muhammad of Dolab otherwise known as Muhiyaddin (the Revivor of Faith), born in 1887, in the village of Tam Tam in Ravansar, Kermanshah. He is one of the prominent leaders of Solai Qadri Order in Iran and the founder of Solai Dolab Order in Dolab Sanctuary village near Dolab village (Sirvan District of Sanandaj County). Sheikh Muhammad, who was also known as Sheikh Muhammad "Zadnakhor"¹ which means abstinence from food, performed many miracles through his conduct and all kinds of struggle and self-purification. By guiding the people in the Kurdistan region of Iran, he played a significant role in propagating the Qadiri Order under the auspices of his spiritual instructor, Sheikh Sayed Hussein Cherchaqala (1854-1923) custodian of Sola Holy Sanctuary attaining the rank of sainthood, and through his activities, Dolab is better known as a holy place among the people even though Dolab has been recognized as a spiritual centre since the era of his 4th grandfather Sheikh Sayed Rasool of Sola (died in 1776). It is worth noting that Dolab is the main centre of Solaei Order in Iran with 300 years of history.

نسل اول مشایخ سوله دولاب، شیخ سید محمد دولاب ملقب به محی‌الدین (۱۳۰۵-۱۳۵۷ق) می‌باشد که در سال ۱۲۶۶ هجری شمسی در روستای تم تم روانسر کرمانشاه به دنیا آمد. او یکی از بنیانگذاران طریقت سوله دولاب در همجواری روستای دولاب (بخش سیروان شهرستان سنندج) بوده است. شیخ محمد که معروف به شیخ محمد زادنخور^۱ (به معنای پرهیز کردن از خوردن) بود، بر اثر سیر و سلوک و انواع و اقسام مجاهده و تزکیه نفس، دارای کرامت وافر و خوارق بی‌شمار بوده است. او به واسطه ارشاد مردم، نقش به‌سزایی در طریقت قادریه داشته و نزد مرشد سید شیخ حسین چرچه قلا (۱۲۷۰-۱۳۴۲ق) مسند نشین آستان سوله (استان هلبجه، اقلیم کردستان عراق) به مقام والایی از طریقت می‌رسد. از زمان جد چهارم وی سید شیخ رسول سوله (متوفی ۱۱۹۰)، توجه خاصی به دولاب به عنوان مکانی مقدس شده و بین مردم شناخته‌تر شده است. لازم به توضیح است که روستای دولاب، مرکز طریقت قادریه سوله‌یی در کردستان ایران با سابقه قریب به ۳۰۰ سال می‌باشد.

1. i.e. natural ascetics lifestyle or Natural asceticism" involving a lifestyle which reduces material aspects of life to the utmost simplicity and to a minimum including minimal, simple clothing, sleeping on a floor and eating a simple, minimal amount of food.

۱. زادنخور به معنای سبک زندگی زاهدان طبیعی یا زهد طبیعی "شامل سبک زندگی است که جنبه‌های مادی زندگی را به نهایت سادگی و به حداقل ممکن کاهش می‌دهد، از جمله حداقل لباس ساده، خوابیدن روی زمین و خوردن مقداری غذای ساده و کم".



شیخ سید محمد دولاب ملقب به محی الدین (۱۳۰۵-۱۳۵۷ق برابر با ۱۳۱۷شمسی) در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در روستای تم تم روانسر از توابع کرمانشاه (۵۳۸ کیلومتری تهران) به دنیا آمد (۱۳۱۱ هجری شمسی).

Sheikh Seyed Muhammad Dolab (1887-1938), known as Muhyiddin (meaning Reviver of Faith) was born in 1887 in the village of Tam Tam, Ravansar, Kermanshah (538 km from Tehran) (1932).



بعد از فوت شیخ محمد در سال ۱۳۱۷، شیخ سید محمد هادی هاشمی، فرزند شیخ محمد جانشین ایشان می گردد. او که از نوادگان برجسته سید شیخ رسول دولت آباد (۱۲۰۰-۱۲۹۵ ق) روانسر کرمانشاه است، در سنین کودکی نبوغ زیادی از خود نشان می دهد؛ بنابراین مورد توجه پدر، خلفای عالم و وارسته و همچنین مسند نشین سوله بعد از شیخ حسین چرچه قلا، شیخ عبدالقادر قمچی رش (۱۳۱۱-۱۳۶۲ ق) قرار می گیرد. در سن شش سالگی، به توصیه والدش، شیخ محمد هادی روانه بغداد می شود و در سایه نظر کیمیای شیخ عبدالقادر گیلانی، ملقب به سلطان اولیا قرار می گیرد. در بغداد، شیخ که خردسال بود، نزد بزرگانی همچون شیخ محمود ملک کردستان (۱۲۶۰-۱۳۳۵)، که در بغداد تحت نظر دولت بریتانیا اقامت اجباری داشت، فرستاده می شود. بعد از فوت پدر (شیخ محمد) ساختار سیاسی - اجتماعی کشور به هم ریخته بود و شیخ محمد هادی با چالش هایی در نوجوانی روبه رو شد. او در ۱۳ سالگی متأهل شد و نسبت به یادگیری اسب سواری و تیراندازی اقدام کرد تا بتواند در برابر قلدراهای منطقه (حکام محلی)، دزدهای حرفه ای و خوانین ظالم ایستادگی کند و از خود و پیروانش که عموماً مردم روستا و مظلومین بودند حمایت کند. شیخ محمد هادی مراحل سلوک و علوم حوزوی را همچنان نزد علمای بزرگ آموخت و در سنین جوانی عهده دار ارشاد طریقت شد. او به صورت عادی به هیچ مدرسه ای نرفت اما سواد خواندن و نوشتن و علوم ادبی و دینی اولیه را نزد مریدان پدرش یاد گرفت؛ به صورتی که گواهی درجه فتوا و اجتهاد را بر اساس مذهب امام شافعی برای وی در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی صادر کردند.

نه سالگی شیخ سید محمد هادی هاشمی (۱۳۰۹-۱۳۷۷) بعد از فوت پدر در سنندج (۱۳۱۸).

Nine-year-old Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi (1930-1998) after his father's death in Sanandaj (1939).

After the death of Sheikh Muhammad in the year 1938, his son, Sheikh Seyed Muhammad Hadi succeeded him. A distinguished grandson of Sheikh Rasool Dawlat Abad (1786-1878) Ravansar, Kermanshah, in his early childhood, he showed a great deal of ingenuity; thus he received the attention of his father, the learned and pious caliphs, and also the custodian of Sola Holy Sanctuary after Sheikh Hossein Cherchqala, his son Sheikh Abdul Qadir Qamchirash (1893-1943). When he reached 6 years old, his father recommended that Sheikh Muhammad Hadi goes to Baghdad and be placed under the spiritual alchemy of Sheikh Abdul Qadir Gilani which is known as the Sultan of Saints. In Baghdad, the Sheikh, who was a minor, was sent to grand sheikhs such as Sheikh Mahmoud Barzanji (1881-1956), King of Kurdistan, who was under British mandatory home stay in Baghdad. After the death of his father (Sheikh Muhammad) when he was only 9 years old, Sheikh Muhammaed Hadi faced huge challenges due to the deterioration of socio political structure of the country and the resultant social unrest and lawlessness. He got married at the age of 13 and started learning skills such as horse riding and shooting in order to be able to stand against the bullies of the local and tribal warlords (local rulers), professional thieves and tyrannical tribal chiefs (Khans) and be able to defend and support the rights of community members mostly living in rural areas and were usually subjected to harassment and tyranny. Sheikh Muhammad Hadi continued to receive spiritual pathway trainings as well as learning seminary Islamic and Arabic sciences from great scholars and at a young age became responsible for leading the Order. Although he did not attend mainstream schools, nonetheless he learned to read and write, and studied literary and religious sciences from eminent scholars who were disciples of his father until he was issued an authorized certification in 1975 as a Mufti (one who can issue Islamic rulings) and a scholar based on Imam Shafi'i's School of Thought.



نوجوانی شیخ سید محمد هادی هاشمی (۱۳۲۶).

An adolescent Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi (1947).

دوره پهلوی

شیخ محمد مردوخ

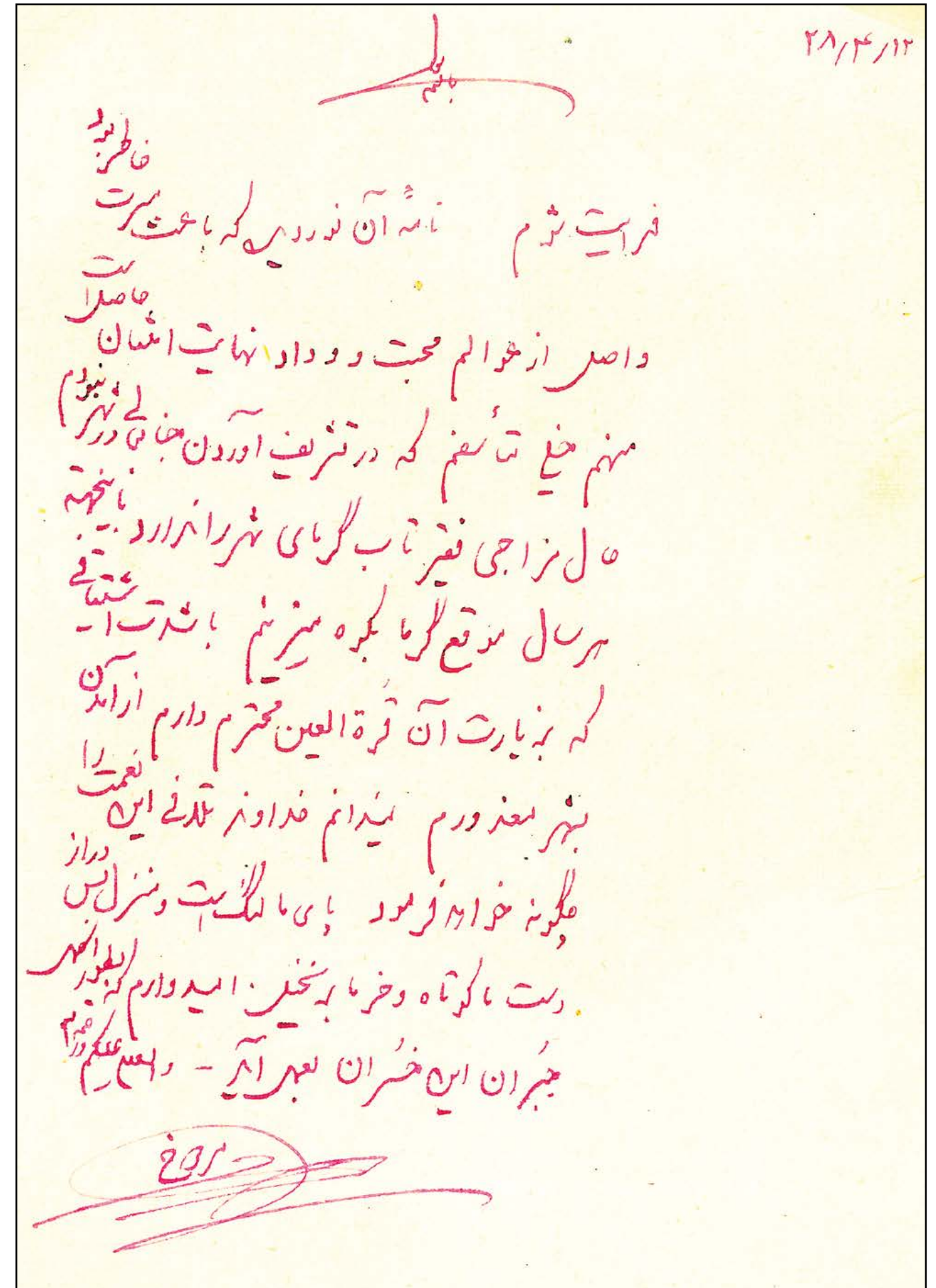
شیخ محمد مردوخ (۱۲۵۶-۱۳۵۴) شهیر به آیت الله مردوخ، شاعر، مورخ، نویسنده و از علمای به نام اهل سنت طی نامه‌ای (۱۳۲۸/۴/۱۲) به شیخ محمدهادی هاشمی که آن زمان ۱۹ سال بوده، ارسال داشته است. ایشان در بخشی از نگارش اشاره دارد: «فدایت شوم نامه آن نور دیده که باعث مسرت خاطر بود واصل... من هم خیلی متاسفم که در تشریف آوردن جنابعالی در شهر نبودم حال مزاجی فقیر تاب گرمای شهر را ندارد باین جهت هر سال موقع گرما به کوه می‌زنیم با شدت اشتیاقی که به زیارت آن قره العین محترم دارم از آمدن به شهر معذورم نمی‌دانم خداوند تلافی این نعمت را چگونه خواهد فرمود. "پای ما لنگ است و منزل بس دراز؛ دست ما کوتاه و خرما بر نخیل" [شعر حافظ (۷۲۷ - ۷۹۲ هجری قمری)]. امیدوارم که بطور السهل جبران این خسران بعمل آید.»

Pahlavi Era

Sheikh Mohammad Mardukh

Sheikh Mohammad Mardukh (1877-1975), famously known as Ayatollah Mardukh, a Sunni poet, historian, writer, and scholar sent a letter (3 July 1949) to Sheikh Mohammad Hadi Hashemi, who was 19 years old at the time. In a part of the letter, he mentions: "I will sacrifice myself for you [or Fedayat shawam is a term of endearment literally meaning I will sacrifice myself for you as you are so dear to me], the letter of one so enlightened was a source of... joy. I am also very sorry that I was not in the city when your Excellency visited, this poor person's [meaning himself] temper cannot withstand the heat of the city and therefore, every year when it is hot, we go to the mountains. Although I have an intense desire to meet this venerable light of my eye, I cannot come to the city. I do not know how God will repay this blessing:

Lame is our foot ; and far distant ,is the stage like Paradise ** Short ,is our hand and on the lofty inaccessible date - tree ,the date. [poem by Hafez (1325-1390 AD)...the house and dates referring to Sheikh Mohamad Hadi Hashemi who was inaccessible to the writer of the letter]. I hope that this loss can be compensated easily."



Dr. Mohammad Mossadegh

Sheikh Mohammad Hadi Hashemi, who was a supporter of the national movement led by Dr. Muhammad Mossadegh (1882-1966), wrote a two-page letter to him dated 30/10/1952. Dr Mossadegh was the prime minister at that time. Transcripts of the letter was sent to Ayatollah Seyyed Abul Qasem Kashani (1875- 1961), a Shia clergy and political activist, and Dr. Karim Sanjani (1904- 1995), a politician, member of the National Council, Professor of Law, the Minister of Culture in the government of Mossadegh and the Foreign Minister of Iran in the government of Mahdi Bazargan (after 1979 Revolution). At the beginning of his writing, he points out: "The heartbreaking scenes of September 1941 have not yet disappeared from Iran's memories and the people are struggling with hunger and poverty, which is the ruinous gift of every disturbance, but the fire of corruption and disturbance is still burning in this system, and murder and looting are part of the normal work of tyrants and oppressors. Of course, these riots are the result of the evil thoughts of people who are the tools of implementing the evil intentions of the colonialists, who want to advance the plan of their masters by disrupting security and preventing internal reforms. Because there is no punishment, hands of the rioters are completely open, and security and peace, without which nothing can be done, have been taken away from the people, and instead of order and security, murder, looting, and harassment have been unleashed, and it is feared that the poor people of these areas will be pushed to the abyss of annihilation and nothingness. Of course, it is security comes before everything else. When security is shaken and unfortunate events happen, there are many obstacles in the way of reforms that are very difficult to overcome; therefore, any reformation is dependent on the establishment of public order. If this is not done, with the provocations of traitorous people, something that is disgraceful and terrifying will occur daily. Therefore, at this time when the Iranian nation is fiercely fighting colonialism with complete courage and bravery, and on the other hand wants to carry out internal reforms, maintaining security and public order is more needed and essential than anything else, and with the utmost care, peace must be established and not allowed to be disturbed by traitors and alienists to implement the colonists' plans on time. I say frankly that the root cause of these misfortunes is the corruption of the judiciary and negligence, embezzlement, and bribery of the officials because they do not do their duty honorably and by creating fake cases, they turn the truth upside down so that instead of the traitor, the poor oppressed is questioned and prosecuted; or they take bribes, forget the matter forever and close the cases."

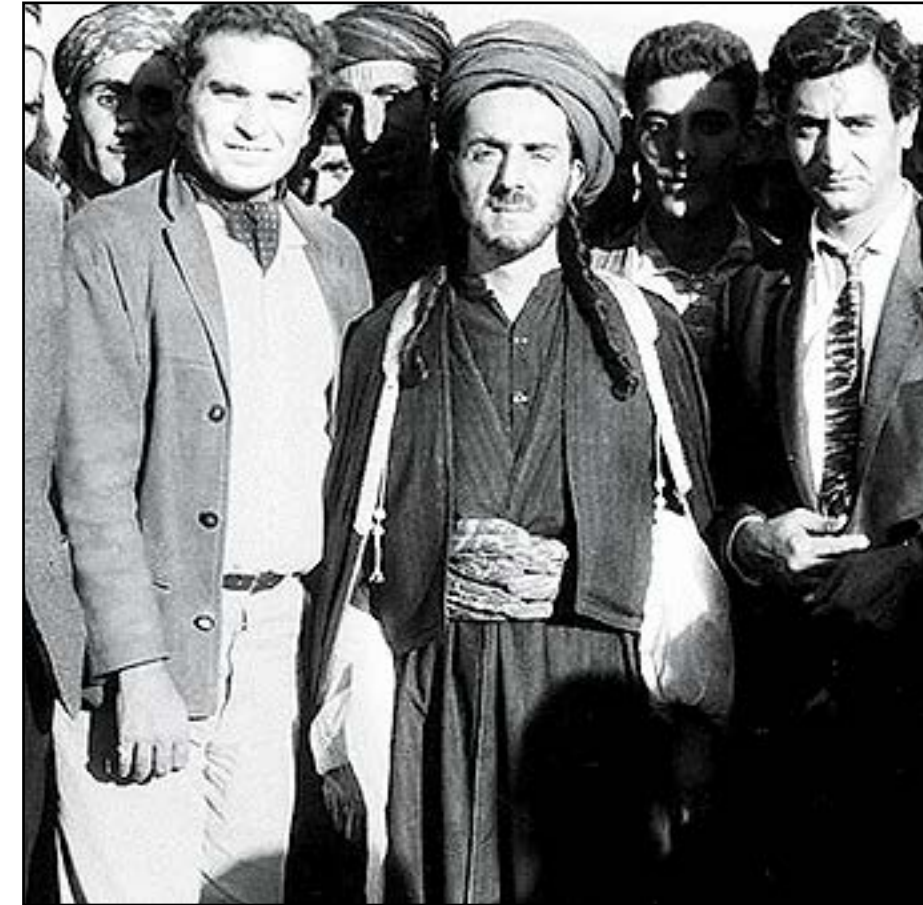
In the conclusion of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi's letter, who believed the plight of the people to be his duty, he points out: "In conclusion, I am proud to announce that I, along with nearly twenty thousand of my followers, are always ready to fight against anti-nationalists and anti-Islamic nation of Iran enemies. And in case of danger, we will definitely go to the battlefield even before soldiers



under the flag and stand until the last drop of blood and sacrifice our lives and property for free as it is easier than anything else to sacrifice one's life for the promotion of Islam and the preservation of the Islamic country of Iran (Awaiting corrective reforms. Long live the Iranian nation. Death to the enemies of Iran)."

دکتر داریوش شایگان (۱۳۱۳-۱۳۹۷) فیلسوف، هندشناس، نویسنده و شاعر ایرانی، و دکتر بهرام فره‌وشی (۱۳۰۴-۱۳۷۱) زبان‌شناس معاصر ایرانی و متخصص زبان‌های ایرانی و فرهنگ ایران باستان، در سال ۱۳۴۰ به خانقاه خانیله روانسر سفر کردند و ضمن اینکه با شیخ محمدهادی دیدار داشتند، در مراسم ذکر و سماع شرکت کردند. به گفته شایگان: «سفر عجیبی که در سال‌های چهل به اتفاق استاد پورداوود [۱۲۶۴-۱۳۴۷] به سنندج، کرمانشاه و بالاخص پاوه کرده بودیم. سفری که بی‌گمان سرآغاز تحولی شگرف بود هم در او هم در من برخورد با دراویش سلسله قادریه و تشریف به مراسم ذکر و ریاضت‌های خیره‌کننده آنان، تجربه‌ای نیست که به آسانی از یاد برود». استاد ابراهیم پورداوود [۱۲۶۴-۱۳۴۷] ایران‌شناس و نخستین اوستاشناس و استاد فرهنگ ایران باستان و زبان اوستایی در دانشگاه تهران بود.

Dr. Dariush Shaygan (1935-2018), an Iranian philosopher, Indologist, writer and poet and Dr. Bahram Farehvoshi (1925-1992 a contemporary Iranian linguist and a specialist in ancient Iranian languages and culture, traveled to Khanila Khaneqa (now Ravansar County) in 1961 while visiting Sheikh Muhammad Hadi, they participated in the zikr and sema ceremony. Shaygan recalls their spiritual experience: "We had a strange journey in the 1960s to Sanandaj, Kermanshah and especially Paveh together with Professor [Ebrahim] Pourdavoud. A trip that was undoubtedly the beginning of a wonderful transformation, both in him and in me, meeting with the dervishes of the Qadiri Order and witnessing their zikr ceremony and their magnificent and stunning disciplines (riyadats) is not an experience that will be easily forgotten". Ebrahim Pourdavoud (1886-1968) was the first Professor of ancient history and ancient Iranian languages, especially the Avestan language at Tehran University and was one of the most formidable scholars of Iran during the 20th century.



سمت چپ، دکتر داریوش شایگان (۱۳۱۳-۱۳۹۷)؛ وسط، شیخ محمد هادی هاشمی و سمت راست، دکتر بهرام فره‌وشی (۱۳۰۴-۱۳۷۱) هستند. بهرام فره‌وشی زبان‌شناس معاصر ایرانی و متخصص زبان‌های ایرانی و فرهنگ ایران باستان بود و داریوش شایگان فیلسوف، هندشناس، نویسنده و شاعر ایرانی بود که آثار او به دو زبان فارسی و فرانسوی موجود است (۱۳۴۰).

From left to right: Dr. Dariush Shaygan (1935-2018), Sheikh Muhammad Hadi Hashemi and Dr. Bahram Farehvoshi (1925-1992). Bahram Farehvoshi was a contemporary Iranian linguist and a specialist in ancient Iranian languages and culture, and Dariush Shaygan was an Iranian philosopher, Indologist, writer and poet whose works are available in both Persian and French languages (1961).



جمعی از علمای دینی و دراویش در خانقاه روستای خانبله (شهرستان روانسر) جمع شده اند (۱۳۴۲).
 A number of Islamic Scholars and Tariqa Community members gathered at Khanila village Khaneqa, Ravansar City (1963)



تابلو متعلق به یکی از دراویش است که از سوی شیخ محمد هادی هاشمی در روستای زالوآباد به ایشان هدیه داده شده است. سمت چپ، شیخ محمد هادی هاشمی؛ وسط، شیخ سید محمد طاهر حسینی سوله ای؛ سمت راست، شیخ سید محمود هاشمی (عموی شیخ سید محمد هادی) تم تم هستند. The photo-frame belongs to one of the members of the community, a gift bestowed on him by Sheikh Muhammad Hadi Hashemi in Zalouabad. From left to right: Sheikh Muhammad Hadi Hashemi, Sheikh Seyed Muhammad Taher Hosseini Solai, and Sheikh Seyed Mahmoud Hashemi (uncle of Sheikh Seyed Muhammad Hadi) of Tam Tam.



همسر اول شیخ محمد هادی هاشمی، مرحومه حاجیه خورشید خانم حبیبی امیری (۱۲۹۰-۱۳۴۷)، از بزرگان طایفه باباجانی در کردستان که فرزند مرحوم محمدتقی بیگ ملقب به امیر عشایر باباجانی است. ایشان در سال ۱۳۲۲ با شیخ محمد هادی ازدواج می کنند. بر اساس تحقیقات میدانی او سوارکار، تیرانداز و سلحشور ماهری بوده و در خانیله در برابر دزدان و متجاوزان یاغی محلی می جنگید (سال عکس دهه ۱۳۴۰ می باشد).

The first wife of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi, the late Hajiya Khurshid Khanum Habibi Amiri (1911-1968), one of the elders of the Babajani tribe in Kurdistan, daughter of the late Muhammad Taqibeg, known as the Amir of Babajani tribes. She married Sheikh Muhammad Hadi in 1943. According to field research, she was a skilled horse-rider, shooter and warrior, and fought against local bandits and robbers in Khanila (date of photo is in 1960s).

شیخ محمد هادی هاشمی که علاقه شدیدی به کشاورزی داشت از طریق کشاورزی و دامداری امرار معاش می کرد تا از هر گونه وابستگی مستقل باشد. او زمین‌های زراعی را مکانیزه کرد و تکنولوژی جدید از جمله ماشین‌آلات کشاورزی را برای بهره‌وری بیشتر و اصلاح و بهبود اراضی، به منطقه آورد. در اواخر دهه ۱۳۳۰ نمونه‌ای از باغ در خانیه ایجاد کرده و تمام درآمد کشاورزی را صرف بازسازی و ساخت بیش از ۵۰ خانقاه و مسجد در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه کرد. در اواخر دهه ۱۳۴۰، مبارزه او با ارباب قدرت و زورگویان محلی و دولتی به اوج خود می‌رسد که نهایتاً به کاشمر در خراسان تبعید می‌شود، اما با دخالت دوستان خود اقامت اجباری را از کاشمر به شهر قروه تغییر می‌دهد.

Like his ancestors, Sheikh Muhammad Hadi Hashemi chose farming profession and earned his livelihood through modern agricultural and animal husbandry to have a viable source of finance and be financially self-reliance and independent. He mechanized the agricultural lands and brought new technology, including agricultural machinery, to the region for greater productivity and improvement of the lands. In the late 1950s, he developed a remarkable and grand orchards garden in Khanila and spent almost all the agricultural income to rebuild existing khaneqas and build more than 50 Khaneqas and mosques in three provinces of West Azerbaijan, Kurdistan and Kermanshah provinces.

At the end of the 1960s, his struggle with the powerful security and local government officials reached its peak, and he was finally exiled to Kashmar in Khorasan, but with the intervention of the political rivals of his opponents, his mandatory exile was changed from Kashmar to the city of Qorveh.



شخصیت‌های محلی، جمعی از سادات سوله‌ای و دراویش همراه با شیخ محمد هادی هاشمی در خانقاه خانیه جمع شده‌اند (۱۳۴۲).

Local dignitaries, family members of Solaei Linage and wayfarers with Sheikh Muhammad Hadi Hashemi gathered in Khanila Khaneqa (1963).

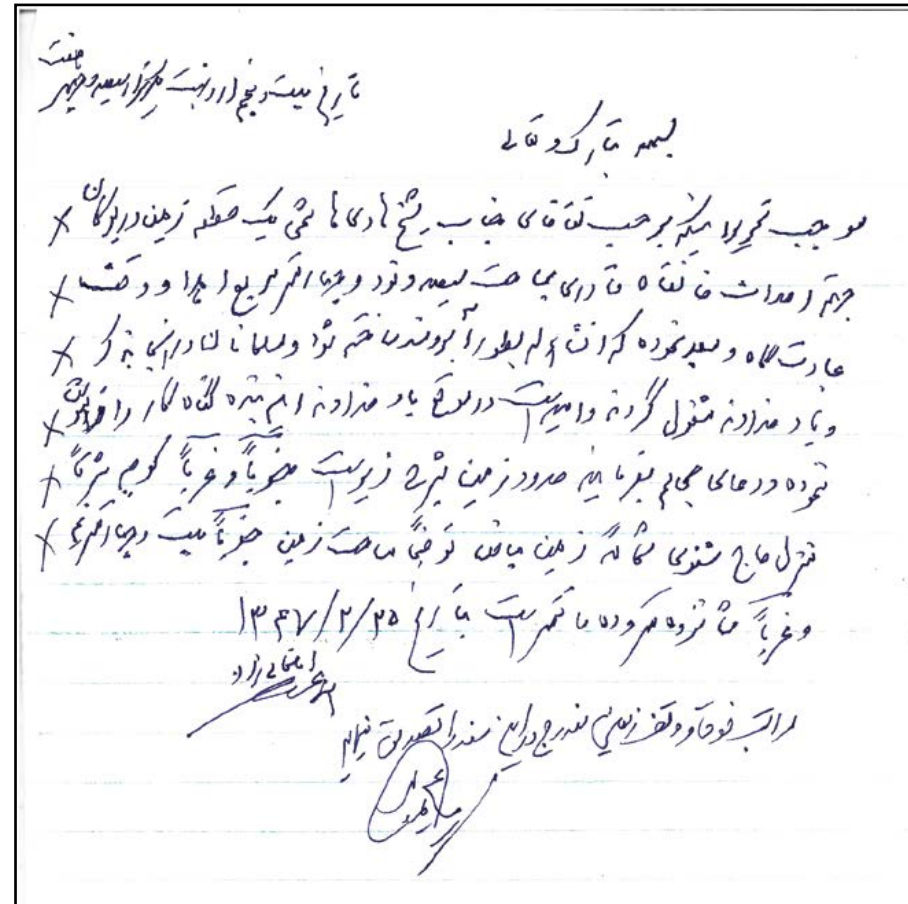


این عکس در سال ۱۳۴۵ در ارشادی شهر سقز ثبت شده است. از چپ، ماموستا^۱ سید برهان هاشمی (پسر عموی شیخ محمد هادی هاشمی)؛ وسط، شیخ محمد هادی و راست، ماموستا سید محمد شیخ الاسلام (۱۳۱۵-۱۳۸۸) هستند. ماموستا شیخ الاسلام، نماینده مردم استان کردستان در خبرگان رهبری بود. او اهل یکی از روستاهای شهرستان بانه از توابع استان کردستان است و آموزه‌های دینی را در حجره علمای دینی کردستان حین تحصیل علوم اسلامی فرا گرفت، تا اینکه در سال ۱۳۳۶ از سوی عالم برجسته و شهیر ماموستا ملا باقر، مدرس مجاز و به عنوان مفتی اعظم مذهب شافعیه در منطقه شناخته شد. در نهایت در سال ۱۳۸۸، مقابل مسجد سید قطب سنندج و در حالی که از مسجد خارج می‌شد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در راه رسیدن به بیمارستان به دلیل شدت جراحات از دنیا رفت.

This photo was taken on Ershadi journey of 1966 To Saqez City. From left to right: Mamosta¹ Seyed Burhan Hashemi (Cousin of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi), Sheikh Muhammad Hadi and Mamosta (Teacher) Seyed Muhammad Sheikhul-Islam. Mamosta Mullah Muhammad was the political representative of the people of Kurdistan Province in the Assembly of Experts of the Leadership. He was born in one of the villages surrounding the city of Baneh (Kurdistan Province). He undertook religious studies in the theological schools (hojra) of religious scholars in Kurdistan while studying Islamic Sciences until he was recognized as the Grand Mufti of the Shafi'i religion in the region in 1957 by Mamosta Mullah Bagher, a prominent and famous scholar. Finally, in 2009, he was shot in front of Seyed Qutb Mosque in Sanandaj while leaving the mosque and died on the way to the hospital due to the severity of his injuries.

۱. ماموستا: این کلمه، واژه‌ای کردی است و به معنای استاد و معلم می‌باشد، اما در مناطق کردنشین به عالمان دینی نیز اطلاق می‌شود.

1. Mamosta is a term used in Kurdish regions to mean "professor", "Master" or "Teacher" but is also applied to religious scholars.

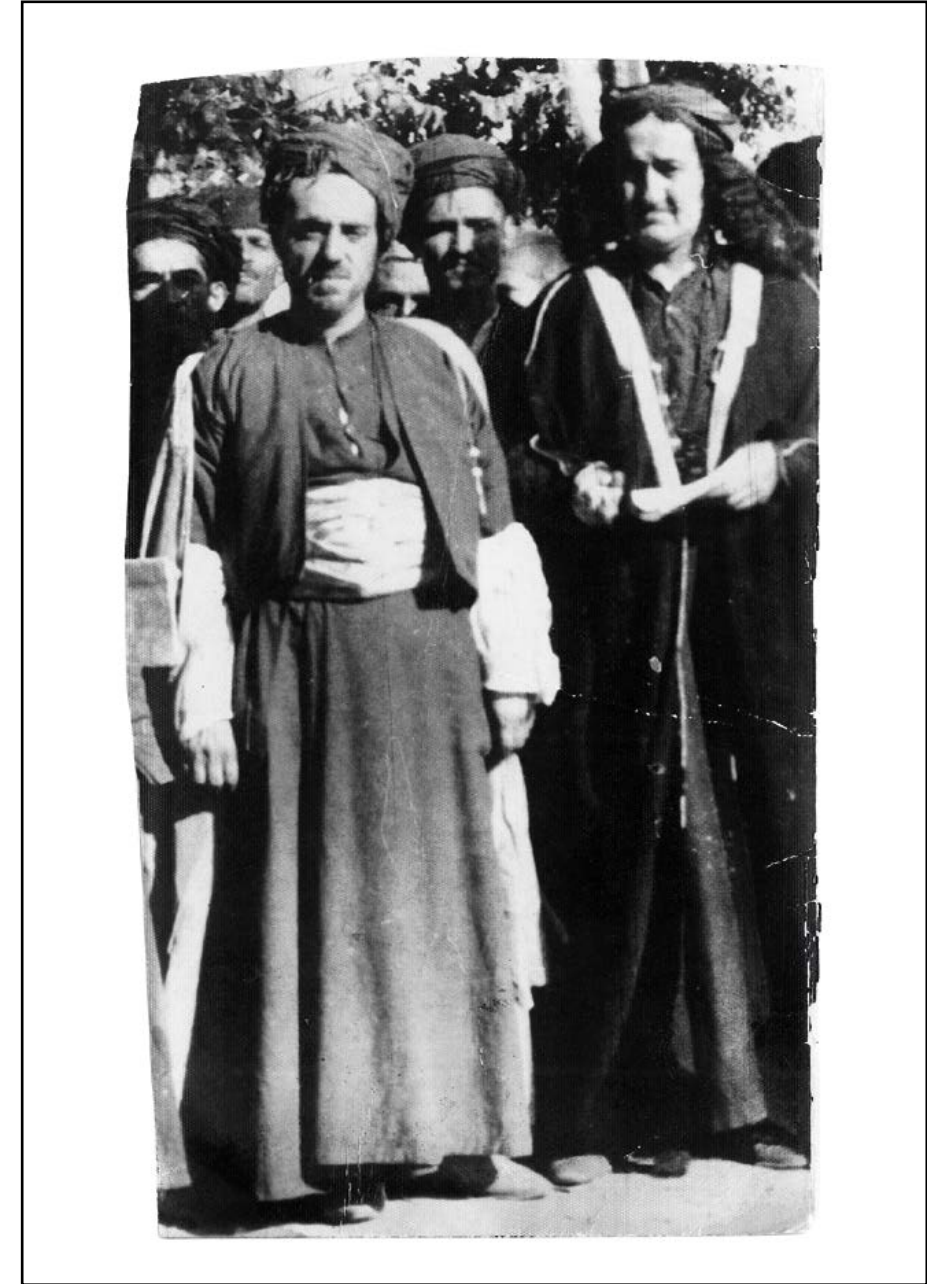


وقف و هبه

براساس تقاضای شیخ محمد هادی هاشمی زمینی در بوکان توسط وزیر «راه و ترابری» کابینه‌ی جمهوری محلی مهاباد، حاج اسماعیل آغای ایلخانی زاده (۱۲۸۱-۱۳۹۵)، وقف و هبه برای ساخت خانقاه شده است. او در نامه (۱۳۴۷/۲/۲۵)، اشاره دارد: «خانقاه قادری به مساحت سیصد و نود و چهار متر مربع اهداء و وقف عبادت گاه و مسجد نموده که انشاء الله به طور آبرومندی ساخته شود و مسلمانان در آنجا به ذکر و یاد خداوند مشغول گردند و امید است در موقع یاد خداوند این بنده گناهکار را فراموش ننموده و دعایی به حالم بفرمایند.»

Endowment and Donation

At the request of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi, a piece of land in Bukan was donated by the Cabinet Minister of Roads and Transport of of Republic of Mahabad, Haji Ismail Aghai Ilkhanizadeh (1902- 2016), for the construction of a Khaneqa. In his letter (15/5/1968), Haji Ismail Aghai Ilkhanizadeh mentions: " An area of 394 square meters has been donated to construct the Qadiri Order Khaneqa, a dedicated a place of worship and a mosque, which, God willing, will be built in a dignified manner and where Muslims can be engaged in the remembrance of God. And it is hoped that they will not forget this sinful servant during their remembrance of God and say a prayer for me."



شیخ هادی با سید محمد طاهر سیدزاده هاشمی در سال ۱۳۴۴ دیدار داشتند. او شاعر، خوشنویس، مورخ، ادیب و محقق متولد سال ۱۳۳۲ هجری قمری در قریه دولت آباد توابع شهرستان روانسر می‌باشد. استاد سید محمد طاهر از توانایی سخن‌پردازی، ادبیات و سرودن شعر را به همراه سیاست ایلی و عشایر برخوردار بود و موفق شد یک دیوان شعر بسراید.

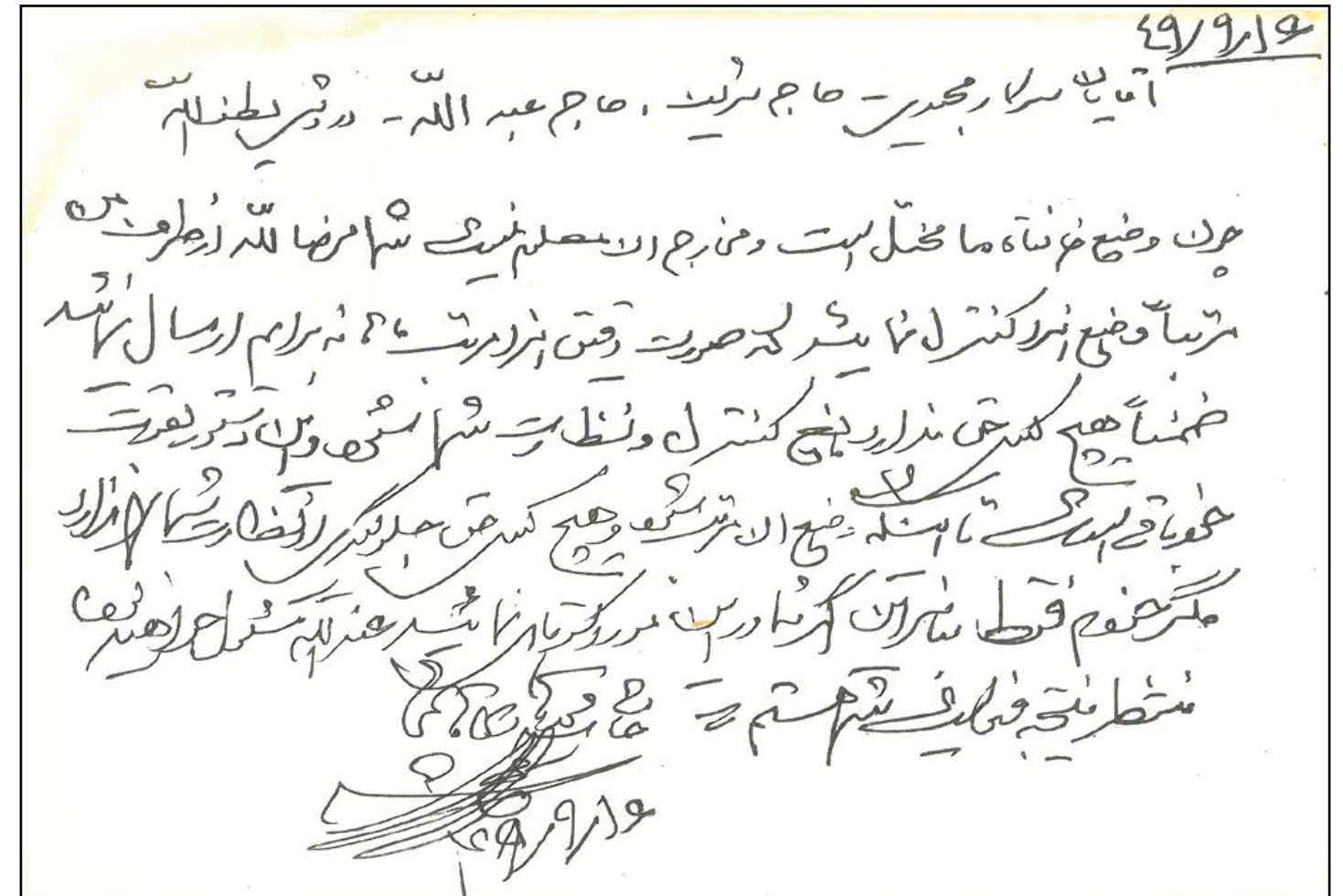
Sheikh Hadi in a meeting with Seyed Mohammad Taher Seyedzadeh Hashemi in 1965. The latter was a poet, calligrapher, historian, writer and researcher born in 1953 in Dolat Abad village of Ravansar town (Kermanshah Province). Master Seyed Mohammad Taher was highly skilled in the art of oratory, literature and composing poetry in addition to tribal and nomadic politics. He succeeded in composing a Divan (collection of poems by one author) of poetry.

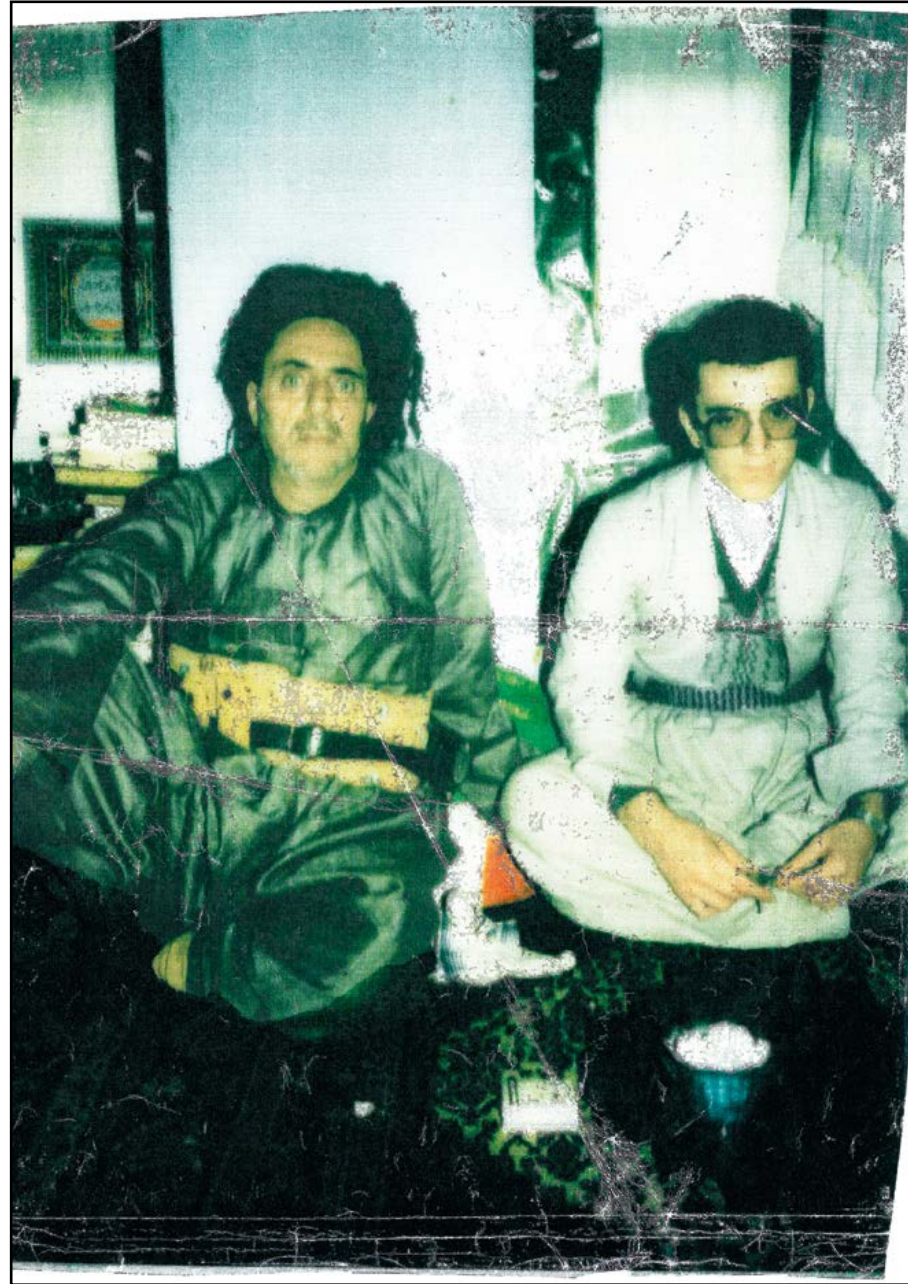
شورای نظارتی خانقاه

شیخ سید محمد هادی هاشمی طی نامه ای (۴۹/۹/۱۶) یک شورای نظارتی متشکل از چند تن از دراویش در خانقاه مرکزی سنندج انتصاب می کند و به وضعیت خانقاه اشاره دارد: « چون وضع خانقاه ما مختل است و مخارج آن معلوم نیست شما مرضا لاه از طرف من مرتباً وضع آنرا کنترل نمایید که صورت دقیق آنرا مرتب ماهانه برایم ارسال نمایید ضمناً هیچ کسی حق ندارد مانع کنترل و نظارت شما شود و این دستور به قدرت خود باقی است تا اینکه وضع آن مرتب شود و هیچ کسی حق جلوگیری از نظارت شما را ندارد مگر خودم فقط بنابراین اگر شما در این مورد کوتاهی نمایید عندالله مسئول خواهید بود منتظر نتیجه فعالیت شما هستم.»

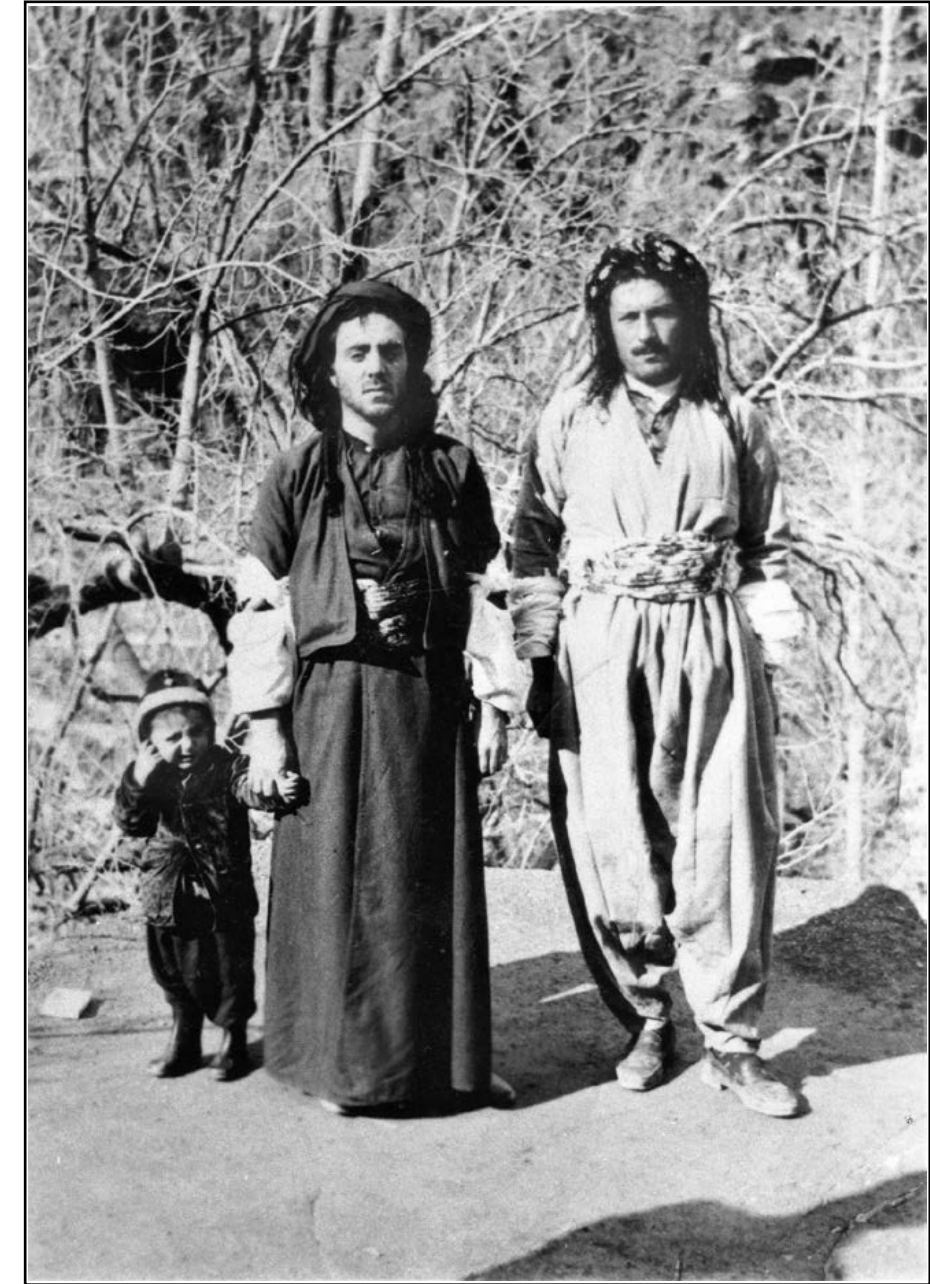
The Supervisory Council of Khaneqa

In a letter (dated 7/12/1970), Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi appoints a Supervisory Council comprising of several disciples in the Central Khaneqa of Sanandaj and refers to its state: "Because the conditions of our Khaneqa is unsettled and its expenses are unknown, please check its conditions on my behalf regularly for God's sake, and send me an exact monthly report. In addition, no one has the right to prevent your auditing and supervision, and this order remains in your power until the conditions are put in order. None except myself has the right to prevent your supervision. If you fail in this matter, you will be held responsible by Allah. I await the outcome of your activities".





عکس یادگاری خانوادگی شیخ محمد هادی هاشمی با فرزند ارشدشان شیخ سید حسین هاشمی می باشد (۱۳۵۹).
 Photograph of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi with his eldest son, Sheikh Seyed Hossein Hashemi (1980).



عکس یادگاری یکی از درویش با شیخ محمد هادی هاشمی در حیاط اصلی آستان دولاب. سمت چپ، مرحوم سید جبار هاشمی (۱۳۳۷-۱۳۴۱) فرزند شیخ سید محمد هادی هاشمی می باشد (۱۳۴۱).

A commemorative photograph of a disciple with Sheikh Muhammad Hadi Hashemi in the main courtyard of Dolab Holy Sanctuary. On the left, the late Seyed Jabar Hashemi (1959-1362), the son of Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi (1962).



دراویش برای دیدار با شیخ محمد هادی هاشمی به اتاق مخصوص ملاقات مردمی آمده اند. نفر وسط عکس، شیخ محمد حسامی (۱۲۸۸-۱۳۷۳)، شیخ طریقت نقشبندیه حسامی سیویه می باشد (۱۳۴۹).

Dervishes have come to meet with Sheikh Muhammad Hadi Hashemi in the public meeting room. The person in the middle of the photograph is Sheikh Muhammad Hesami (1909-1994), Sheikh of Hesami-Siwieh Naqshabadi Order (1970).



شیخ محمد هادی هاشمی در شهر روانسر باحضور مسئولین استان کرمانشاه مطالبات مردمی منطقه را بازگو می کند (حدوداً ۱۳۵۱).

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi recounts the demands of the people of the region in the presence of Kermanshah Officials in the City of Ravansar (circa 1970).



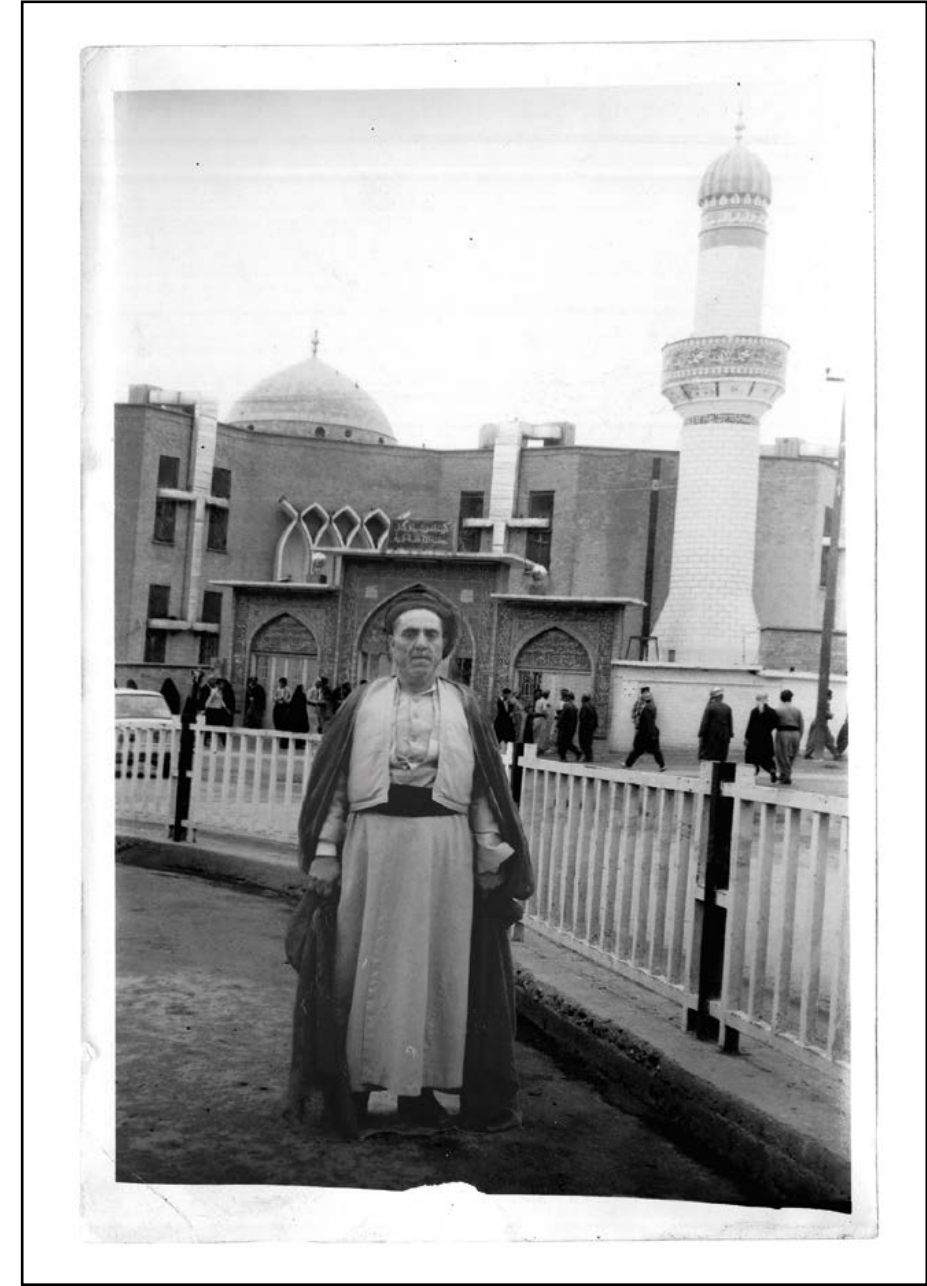
این عکس در سال ۱۳۵۲ ثبت شده است. از چپ به راست ایستاده: ناشناخته، اکرم بزدوده، حاج خلیفه رشید بزدوده (۱۹ سال خادم دولاب بودند)، حاج ماشالله، شیخ محمد هادی و حاج محی الدین. از چپ به راست نشسته: ناشناخته، برادر دینی، شیخ سید مختار، سید یاسین امین منبری و ناشناخته. This photograph was taken in 1973. Standing from left to right: unknown, Akram Bezdodeh, Haj Khalifa Rashid Bezdodeh (19 years as the attendant of Dolab Holy Sanctuary), Haj Mashallah, Sheikh Muhammad Hadi and Haj Mohyiddin. Seated from left to right: unknown, Baradare Dini, Sheikh Sayed Mukhtar, Seyed Yasin Amin Manbari and unknown.



نماز جماعت با اقامه شیخ محمد هادی هاشمی در خانقاه مرکزی سنندج برگزار شد (۱۳۵۰).
Congregational prayers led by Sheikh Muhammad Hadi Hashemi in the Central Khaneqa of Sanandaj (1971).



شیخ مختار و شیخ حسن هاشمی در سنین کودکی (۱۳۵۲).
 Sheikh Mukhtar and Sheikh Hassan Hashemi in childhood (1973).



این عکس در سال ۱۳۶۰ در شهر سلیمانیه، اقلیم کردستان عراق، مقابل مرقد و مسجد و مرکز بزرگ کاک احمد شیخ، فرزند شیخ محمد نودهی برزنجی ثبت شده است. شیخ محمد نودهی نیز شجره‌نامه طریقت سوله دولاب را نگارش کرده است.

This photo was taken in 1981 in the city of Sulaymaniyah, Kurdistan Region of Iraq, in front of the shrine and mosque of Kak Ahmed Sheikh, the son of Sheikh Muhammad Nodehi Barzanji who wrote the genealogy of Solai Dolab Tariqa.

جایگاه علمی

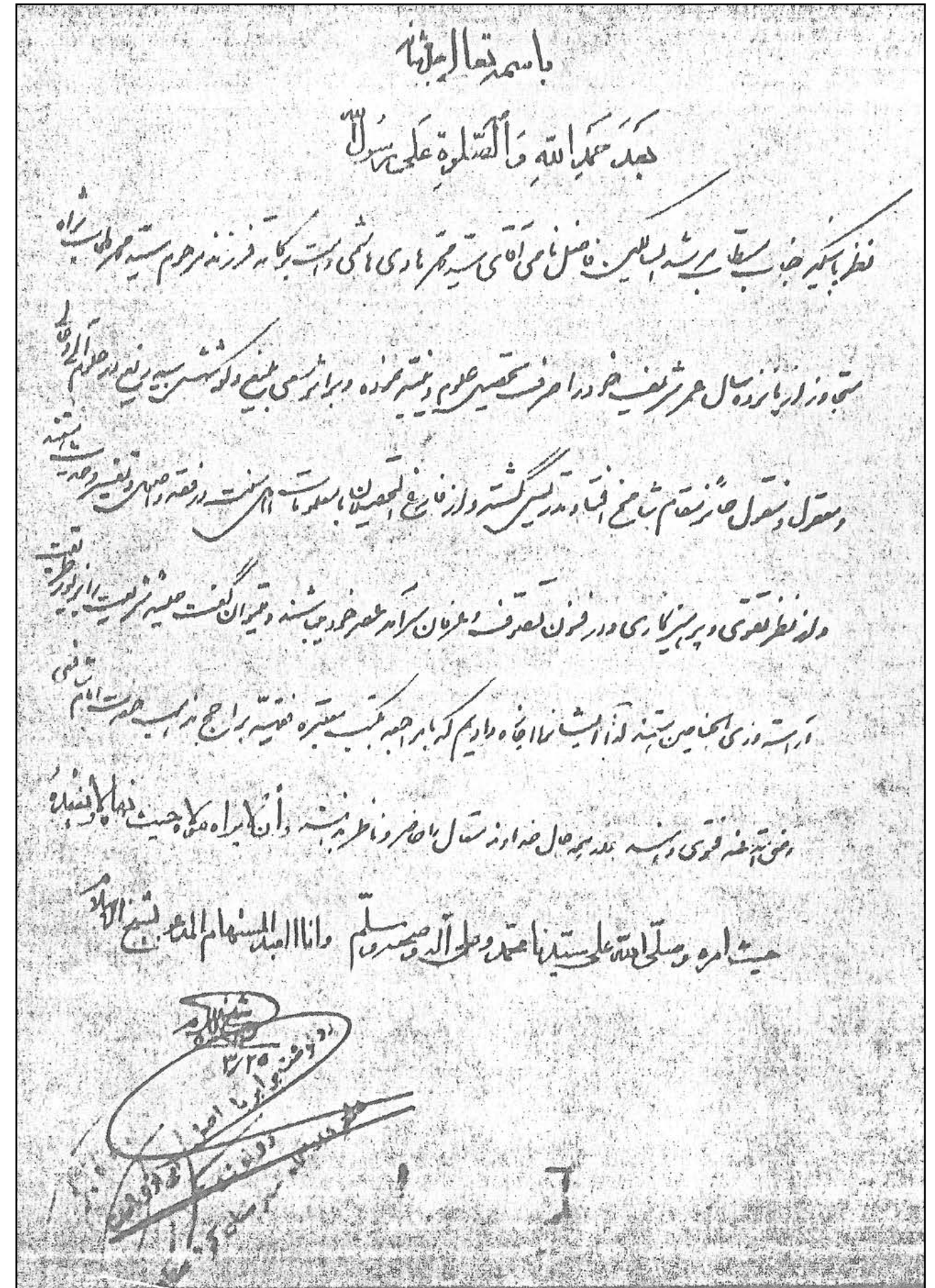
(شیخ سید محمد هادی هاشمی)

شیخ سید محمد هادی هاشمی از طرف دکتر سید محمد شیخ الاسلام کردستانی (۱۲۸۱-۱۳۷۳) استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی و تصدی کرسی فقه شافعی دانشگاه تهران، مجتهد و مفتی بنام اهل سنت، موفق به اخذ اجازه نامه (۱۳۵۴) درجه افتاء و تدریس می شود. سید محمد شیخ الاسلام در نامه اشاره دارد: « نظر باینکه جناب مستطاب مرشد السالکین فاضل نامی آقای سید محمد هادی هاشمی دامت برکاته فرزند مرحوم سید محمد طاب ثراه متجاوز از پانزده سال عمر شریف خود را صرف تحصیل علوم دینی نموده و بر اثر سعی بلیغ و کوشش بیدریغ در علوم آلی و اصالی و معقول و منقول حائز مقام شامخ افتاء و تدریس گشته و از فارغ التحصیلان با معلومات اهل سنت در فقه و اصول و تفسیر و حدیث مستند و از نظر تقوی و پرهیزکاری و در فنون تصوف و عرفان سرآمد عصر خود میباشد و میتوان گفت حلیه شریعت را بزبور طریقت آراسته و ذی الجناحین هستند لذا ایشان را اجازه دادیم که با مراجعه بکتاب معتبره فقیهه براجح مذهب حضرت امام شافعی رضی الله عنه فتوی دهند و در همه حال خداوند متعال را حاضر و ناظر بدانند.»

Scientific Standing

(Sheikh Seyyed Muhammad Hadi Hashemi)

Sheikh Seyyed Mohammad Hadi Hashemi succeeded in obtaining an authorized permit (1975) as a Mufti (one who can issue Islamic rulings) and a teacher scholar from Dr. Muhammad Shaykh al-Islam Kurdistani (1902-1994), a Professor at the Faculty of Theology and Islamic Studies and the Chair of Shafi'i Jurisprudence at the University of Tehran, a renowned Sunni scholar and Mufti. Seyed Muhammad Shaykh al-Islam mentions in the letter: "considering the fact that His Excellency, the virtuous leader of the righteous, named Seyed Muhammad Hadi Hashemi (May his blessings last), the blessed son of the late Seyed Muhammad (May his grave be bleasted with purity), has spent more than fifteen years of his noble life studying religious [Islamic] sciences and due to his eloquence and relentless efforts in applied, pure, rational, and narrative sciences, has the status of a great scholar and professor, and he is one of the graduates with Sunni knowledge in jurisprudence, theology, exegesis and narrating well documented Traditions (hadith). And in terms of devotion and piety and branches of science of Sufism and mysticism, he is the master of his era. He adorns the Sharia (Islamic sciences) with jewels of the Tariqa (Sufi path) and is a two-winged scholar [i.e. complements scientific knowledge with spirituality as two wings of knowledge], and thus allow him to issue religious rulings (fatwas) based on authentic books of jurisprudence and Imam Shafi's School of Thought, may God be pleased with him, and consider the Almighty God as present and watchful in all situations.



دوره بعد از انقلاب ایران آیت الله سید روح الله موسوی خمینی

نامه آیت الله سید روح الله موسوی خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۷) به شیخ سید محمد هادی (۱۳۰۹-۱۳۷۷) ایشان در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ به بوکان و سقز سفرهای ارشادی داشتند و مریدان زیادی را به سلک طریقت رهنمود شدند، که منجر به گسترش دایره طریقت شد. بیش از ۵۰ خانقاه و مسجد در استان های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه توسط وی احداث شد. به گفته درویش شهر قروه با توجه به اینکه شیخ سید محمد هادی هاشمی اهل علم و مطالعه بودند کتابخانه ای در خانقاه و مسجد قادریه که شامل ۱۴ هزار جلد توسط ایشان گرد آوری و تاسیس شد (۱۳۵۰). سال ۱۳۵۷ توسط فتنه گران، آشوبی در قروه بر پا شد که منجر به تخریب و آتش زدن مسجد و خانقاه و کتابخانه قادریه گردید که بعدا به دستور امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی ایران، بازسازی شد و اکنون مسجد (جامع النبی ص) اهل سنت این شهر می باشد. ایشان طی نامه ای به مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ به فتنه گران اشاره داشته که در صحیفه نور جلد ۷، ص ۲۸۲ نیز به چاپ رسیده است.

در بخشی از نامه که توسط آقای آیت الله شیخ حسین کرمانی (۱۳۰۹-۱۴۰۰) نماینده ی ویژه امام خمینی در غرب به شیخ محمد هادی هاشمی وصول شده می فرمایند: «البته بر جنابعالی مخفی نیست که دست های ناپاکی برای تفرقه بین برادران اسلامی در کوشش و توطئه هستند و مسلمین باید با دید اسلامی و با هوشیاری توطئه ها را خنثی نمایند. از اینکه جنابعالی توجه به این امور دارید و اعلام همبستگی خود و طایفه معظمه خودتان را با عموم ملت نمودید کمال تشکر را می نمایم.» شیخ سید محمد هادی به سبب پاره ای از مسایل و فتنه در سال ۱۳۵۹ از ایران به کردستان عراق (سلیمانیه) و سپس در سال ۱۳۶۴ به انگلستان (لندن) مهاجرت کرد. ایشان پس از اقامت در لندن مشغول دعوت و ارشاد مریدان خود به واسطه خلیفه های شان در ایران شدند.

۱۷ مهر سنه ۹۹

بیول

میرت فایک سید بهدست، سر سینه مهر ایچر است
 برادر ارادتمندم بحسب مرقع شریف ما که در سندت مزایای مهم و فایده مند
 از جانب تربیت جلاله علیه السلام که در کمال دهر و دوحه کبر آورده
 اینجانب کوشش دارم که بکلم قرآن کریم اخذت برین برادران بهدستی را
 که موجب تجرید و انصاف نمیشود بهدستی است حفظ در هر کلمه
 برادران بهدستی را بر این حفظ صانع عالم به سلام آمان که همان دارنده حفظ
 دارم برین بر فایده مند است که دستها را ناپاک بر این فتنه بین برادران
 بهدستی در کوشش و توطئه هستند مسلمین باید با دید بهدستی و با دستهای
 قوی از راضی نمانند از اینکه جنابعالی توجیه باجمعه امردارید و بهدستی است خود
 در طایفه مسلمة خدای را با علمت مستند که همان کلمه را تمام بهدستی
 است به علم بهدستی همین آرزوی من در هر کلمه کلمه و کلمه
 چنانکه مال کرامت شود جناب کرامت با حق است
 چنانکه می آید از جناب بهدستی در هر کلمه کلمه و کلمه
 در علم کلام

Post-Iranian Revolution Era

Ayatollah Seyed Ruhollah Mousavi Khomeini

Letter of Ayatollah Seyed Ruhollah Mousavi Khomeini (1902– 1988) to Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi (1930–1998).

In the years 1966 to 1968, he made Ershadi trips to Bukan and Saqqez and guided many disciples to the path of tariqa (Sufi path), which led to the expansion of the circle of tariqa. He built more than 50 Khaneqas and mosques in the provinces of West Azerbaijan, Kurdistan and Kermanshah. According to disciples of Qorveh City, taking into consideration that Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi was a man of knowledge and study, he established a library at the Qorwa Khanqah and Qadiri Mosque, which included 14 thousand volumes (1371). In 1979, seditionists started a riot in Qorveh, which led to the destruction and burning of the mosque, the Khaneqa and the library. The mosque was later rebuilt by the order of Ayatollah Khomeini, the leader of the Islamic Revolution of Iran, and is currently a Sunni's Central Mosque.

In a letter dated May 14, 1979 and published in Sahifa Noor, volume 7, page 282, he refers to the seditionists.

In a part of the letter, which was sent through Ayatollah Sheikh Hossein Kermani (1930–2021), the special representative of Imam Khomeini in the west of Iran, to Sheikh Mohammad Hadi Hashemi, he stated: "Of course, it is not a secret from your Excellency that dirty hands are trying to divide the Islamic brothers. And they are conspiracies, and Muslims must neutralize conspiracies with Islamic vision and vigilance. I thank you very much for paying attention to these matters and declaring your solidarity with the entire nation."

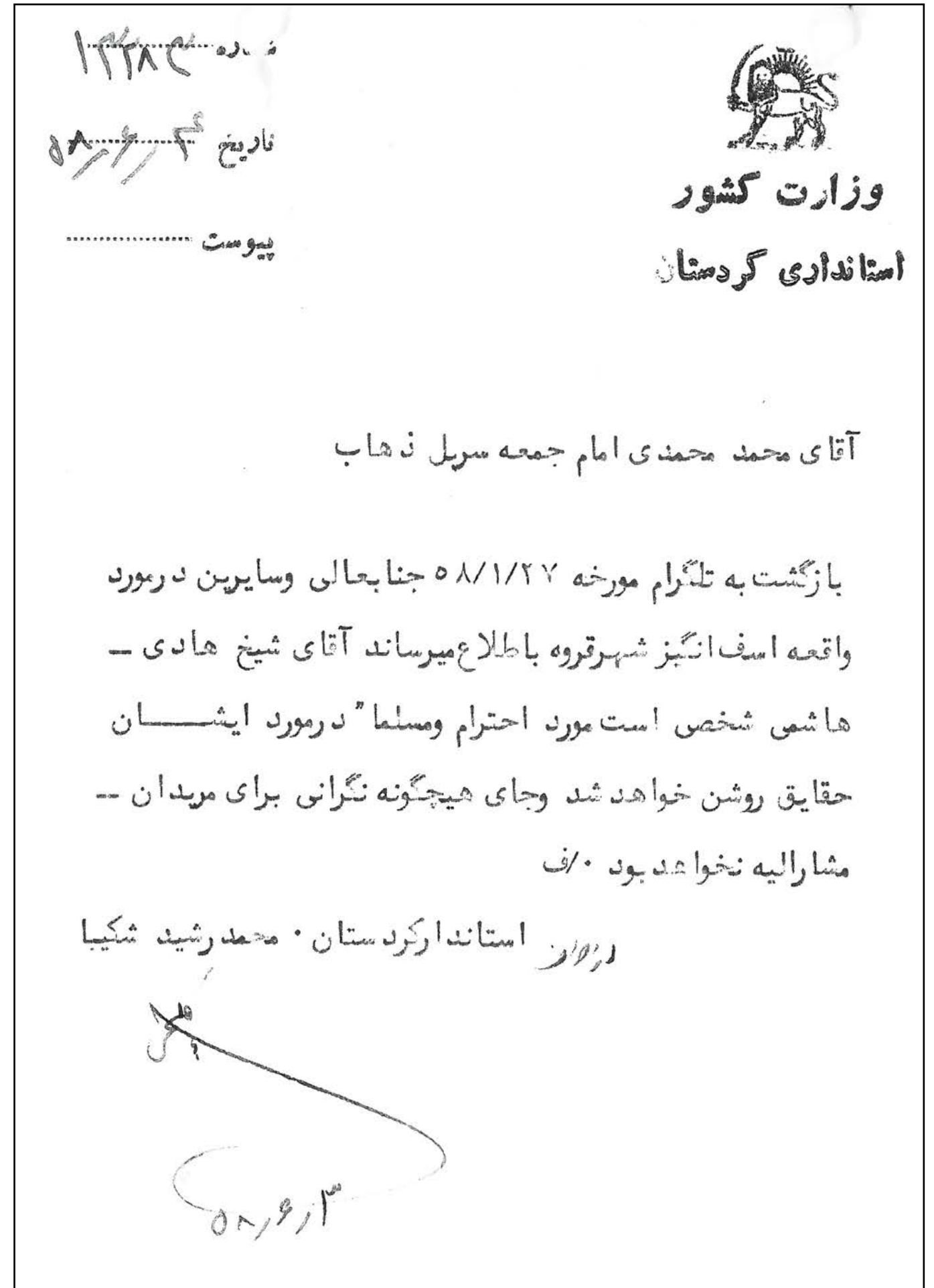
Sheikh Seyed Muhammad Hadi immigrated from Iran to Iraqi Kurdistan (Sulaimaniyah) in 1980 due to some problems and sedition and then to England (London) in 1986. After staying in London, he started propagating Qadiri Order of Sufism and guiding his followers through his representatives (Khalifa's) in Iran.

استانداری کردستان

اوایل انقلاب سال ۱۳۵۸ استاندار کردستان نامه ای به امام جمعه سرپل ذهاب در خصوص شیخ سید محمد هادی هاشمی ارسال داشته است: «بازگشت به تلگرام مورخه ۵۸/۱/۲۷ جنابعالی و سایرین در مورد واقعه اسف انگیز شهر قروه با اطلاع می رساند آقای شیخ هادی هاشمی شخصی است مورد احترام و مسلما در مورد ایشان حقایق روشن خواهد شد و جای هیچگونه نگرانی برای مریدان مشارالیه نخواهد بود. /ف»

Kurdistan Governorate

At the beginning of the 1979 Iranian Revolution, the Governor of Kurdistan Province sent a letter to the Friday Congregation Imam of Sarpol Zahab regarding Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi: "In response to your telegram dated 16/04/1979 and those of others, regarding the pitiful incident in the city of Qorveh, I would like to inform your Excellency that Sheikh Hadi Hashemi is a respected person and all facts related to him will surely be clarified and there will be no need for any concerns of the disciples of the aforementioned.



ماموستا ملا عبدالمجید ندری مدرس

شیخ محمد هادی هاشمی در بخشی از نامه (زمستان ۱۳۵۸) به دانشمند برجسته اهل سنت، ماموستا ملا عبدالمجید ندری (۱۲۸۳-۱۳۸۷) مدرس حوزه علمیه دولت آباد روانسر (کرمانشاه) و از علمای بنام اهل سنت ایران در خصوص کتابی، اشاره دارد: « کتابی داشتم بنام اتمام الدرایه بشرح النقایه تألیف علامه کبیر سیوطی رحمه الله متضمن چهارده علم در حاشیه مفتاح العلوم سکاکی بود اکنون احتیاج به آن دارم که دوباره حفظ شود انشاءالله چنین در کتابخانه های سندج و غیره پیدا نمیشود استدعا دارم اگر در خدمت هست به رسم امانت بفرستید نهایت درجه متشکرم.»

Mamosta Mullah Abdul Majid Nedri Modarres

Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi refers to a book in a part of his letter (winter 1979) to prominent Sunni scholar Mullah Abdul Majid Nedri Modarres (1904-2008), teacher at Daulat Abad Theological School near Ravansar (Kermanshah): "I had a book entitled Completion of Knowledge through Purity authored by the Great Scholar Siyuti, may God have mercy on him, which included fourteen sciences in the margin of Sakaki's Key to Science. Now I need it to be memorized, God willing. It cannot be found in the bookshops of Sanandaj or outside. I beg you, if it is available, send it on loan to me and I will be exceedingly thankful".

آلا لا الاله الا الله

دانشمند محترم
جناب شیخ علامه عبدالمجید مدرس داماد علم

من عرض سلام و تحیات و کسوف رحمت و سعادت از اوقات لطف و رحمت بزرگوار دارم

تقریباً ماه الطاف خداوند بر لایزال که بزرگوار است به خدمت بزرگوار رسیدم

در صورتی که بزرگواران در هر حال که به اینهاست به رحمت و مفاصله در وقت ما

دارم در هر حال که بزرگواران به این صورت که بزرگواران در هر حال که بزرگواران

فقط از هر تعدادی که به بزرگواران رسید و در هر حال که بزرگواران در هر حال که

به مطالعه میفرمایم - در زمانی که محفوظات زمان که بزرگواران در هر حال که بزرگواران

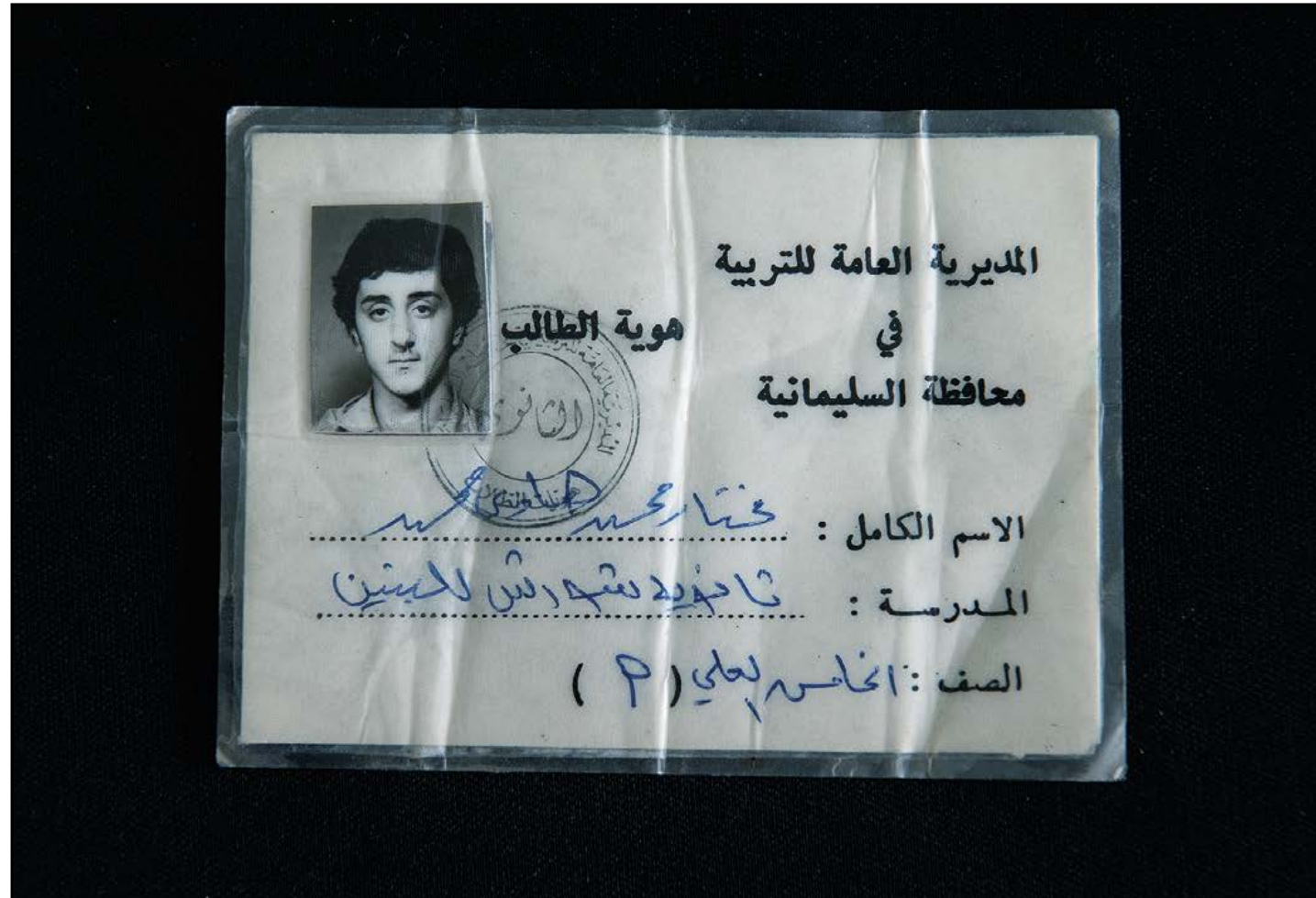
و عازت آن گمانه و کتابت در هر حال که بزرگواران در هر حال که بزرگواران

ما در هر حال که بزرگواران در هر حال که بزرگواران در هر حال که بزرگواران

شرح النقایه تألیف علامه کبیر سیوطی رحمه الله مصنف بزرگوار علم در هر حال که بزرگواران

تقدیر کند که بزرگواران در هر حال که بزرگواران در هر حال که بزرگواران

بزرگواران در هر حال که بزرگواران در هر حال که بزرگواران در هر حال که بزرگواران



کارت تحصیلی شیخ مختار هاشمی، متعلق به دوره تحصیل پنجم دبیرستان در سلیمانیه (اقلیم کردستان عراق)، (۱۳۶۴).
 Sheikh Mukhtar Hashemi's fifth year high school academic records card in Sulaymaniyah, Kurdistan Region of Iraq (1985).



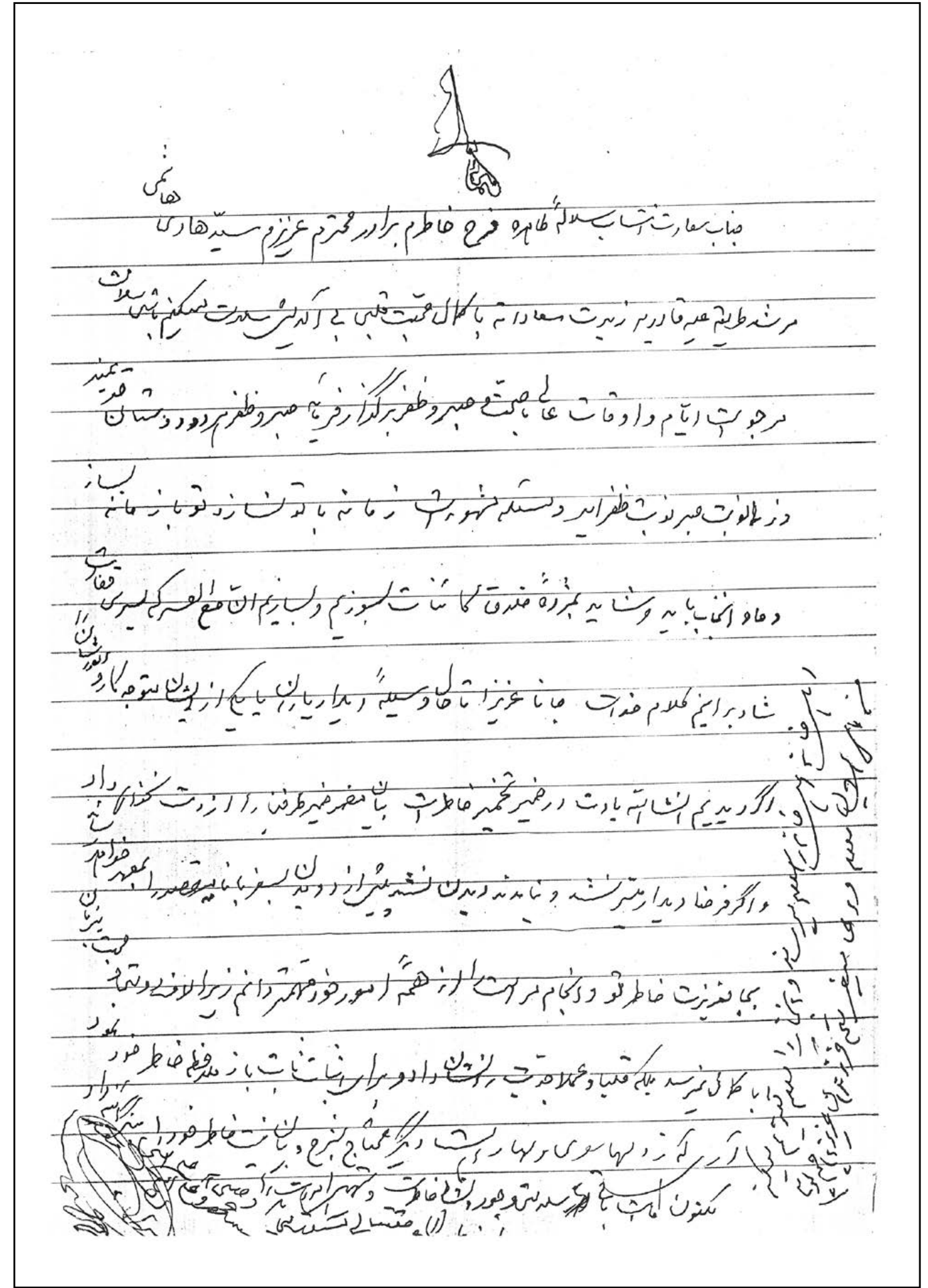
نوجوانی شیخ مختار هاشمی، سمت راست شیخ حسن هاشمی در آستان دولاب (۱۳۵۸).
 Sheikh Mukhtar Hashemi as a youth on the right side of Sheikh Hassan Hashemi in Dolab Holy Sanctuary (1979).

شیخ محمد عثمان نقشبندی

شیخ محمد عثمان نقشبندی (۱۲۷۵-۱۳۷۵) یکی از مرشدهای معاصر طریقت نقشبندی طی نامه‌ای (حدوداً ۱۳۶۰) به شیخ سید محمد هادی هاشمی ارسال داشته است. ایشان در بخشی از نگارش اشاره دارد: «جناب سعادت انتساب سلاله طاهره فرح خاطر محترم برادر محترم عزیزم سیدهادی هاشمی مرشد طریقه قادریه زیدت سعاداته باکمال محبت قلبی بی آنکه در سبب تسکین باشد می‌کنم. باشی؟ سلامت مرجو است ایام و اوقات عالی با صحبت و صبر و ظفر برگزار فرماید صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند وز نوبت صبر نوبت ظفر آید و مسئله مشهور است زمانه با تو نسازد تو با زمانه بساز و ما و آنجناب باید و شاید بمژده خلاق کاینات بسوزیم و بسازیم ان مع العسر که یسری قفا است. شاد بر اینم کلام خداست.»

Sheikh Muhammad Osman Naqshbandi

Sheikh Muhammad Osman Naqshbandi (1896- 1996), a contemporary Sheikh of the Naqshbandi Order, sent a letter (circa 1981) to Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi. In a part of his writing, he mentions: "Dear one to whom happiness is attributed, is of pure lineage to the blessed House of Prophet, in my happiest memories and my dear brother, Seyed Hadi Hashemi, the Guide (Leader) of the Qadiri Order, I greet you with the love of an untainted heart. May you be blessed with good health, may you celebrate the great days and times with companionship, patience and victory. Patience and victory are both old friends, and when the turn of patience comes, it is the turn of victory. And it is a well-known issue that if time is not in your favour, you have to work with time, and you and I must and should with the glad tidings of the Creator of the universe, we have to "grin and bear it" that which with difficulty is ease [referring to Sura Al Sharh, verses 5 and 6 in the Holy Quran: 'With difficulty, there is ease']. This brings me joy and happiness as that is the word of God [i.e. His promise]".



حاج خلیفه احمد امینی معروف به حاجی کاکا

شیخ محمد هادی هاشمی در بخشی از نامه (۱۳۶۶/۱۱/۷) به حاج خلیفه احمد امینی (۱۳۲۷-۱۴۰۱) معروف به حاجی کاکا (یکی از خلفای برجسته ی طریقت) در مورد سفر ارشادی، اشاره دارد: « انتظار دارم در غیاب من بیش از پیش در راه خدمت به آیین جاویدان اسلام (شریعت و طریقت) کوشا باشند و هیچگاه در انجام وظایف طریقتی کوتاهی نورزند. از برنامه ارشادی شما خوشحال شدم خداوند بفضل و کرم خود همه شما را در اتباع طریقه مبارکه موفق و کامیاب بدارد والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.»

Haj Khalifa Ahmad Amini, otherwise known as Haji Kaki

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi, in a part of his letter (27/01/1988) to Haj Khalifa Ahmad Amini (1948-2022), otherwise known as Haji Kaki (one of prominent khalifas), refers to the Ershadi journey: "I expect that in my absence, you will be more diligent in serving the eternal religion of Islam (Islamic Sharia and Tariqa) and never fail in performing Tariqa (Sufi path) duties. I was pleased with your program. May Allah, by His Grace and Mercy, make all of you successful in following the blessed path of Tariqa. Peace be upon you, may Allah's Mercy and Blessings be upon you."

بسم الله الرحمن الرحیم

عزیز الرحمن خلیفه قادریه (دعوت کاکا) حفظه الله

نامت محبت منبت و دریافت دستم از خدمت یارها بجزیره سرور و استیلا و جوار کعبه

زیربگاه خداوند لایزال تمنا دارم در عهد شما همراهی است ثابت و باد در برابر

مویز کلمه و ارعیه خیره مراد حضرت عموم مسکن طریقتی سرشت و خوره بزرگوار

انتظار دارم در غیاب من بجزیره سرور در راه خدمت به آیین جاویدان اسلام و طریقت

کوشا باشند و هیچگاه در انجام وظایف طریقتی کوتاهی نورزند. از برنامه ارشادی

شما خوشحال شدم خداوند بفضل و کرم خود همه شما را در اتباع طریقه مبارکه موفق

و کامیاب بدارد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته. و بر طریقت قادریه

۶۹/۱۱/۷

ماموستا شیخ عبدالسلام شیخ حسنی توریوری

ماموستا شیخ عبدالسلام شیخ حسنی توریوری (۱۳۰۴-۱۳۸۰) از علمای بنام اهل سنت، شاعر و خوشنویس در بخشی از نامه (هفدهم تیرماه ۱۳۶۶) به شیخ محمدهادی هاشمی در لندن، اشاره به نگارش تذکره علمای کردستان دارد که ایشان درخواست نموده که برایشان ارسال کند: « بعد از تقدیم وظایف ارادتمندی و دستبوسی و مراتب آرزو تاسه خواری و اشتیاقمندی فیض حضور خاطر شریف را مستحضر میدارم مکتوب مرغوب محبت سلوب جبهه شفا قلوب مخلصان مجذوب رسید حیات تازه و فرخ و بسط بی اندازه بجان بخشید راجع بشرح حال و تذکره علماء صلاکوه فرموده بودید نعم المرام در این خدمت بجامعه اسلامی موفق باشند.»

Mamosta Sheikh Abdul Salam Sheikh Hassani Toriwari

Mamosta Sheikh Abdul Salam Sheikh Hassani Toriwari (1925-2002), a Sunni scholar, poet and calligrapher, in a part of his letter (July 8, 1987) to Sheikh Muhammad Hadi Hashemi in London, refers to his request about writing about Biography of of Kurdistan Scholars and sending it to him: "After offering my obligation of devotion and kissing of your hands and with desire and enthusiasm, I recall the grace of your noble presence, I received your excellent letter, ornamented with love and affection , a healing for the hearts of the faithful, has bestowed upon me the new life and has given my soul endless joy and prosperity. In regards the current situation and biography of scholars and the righteous in Kurdistan that you made mention of , what an excellent aspiration [the idea of writing a Kurdish Scholars' biography is], may the blessed [scholars] be successful in their service to the Islamic community".

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۷/۷
بشرف محضر فضیلت اثر هنر در نشر گستر طریقت ربیب حضرت اقا شیخ محمد هادی هاشمی
دارم مجد میرسم بعد از تقدیم وظایف ارادتمندی دستبوسی و مراتب آرزو تاسه خواری و اشتیاقمندی
فیض حضور خاطر شریف را مستحضر میدارم مکتوب مرغوب محبت سلوب جبهه شفا قلوب مخلصان مجذوب
رسید حیات تازه و فرخ و بسط بی اندازه بجان بخشید راجع بشرح حال و تذکره علماء صلاکوه
فرموده بودید نعم المرام در این خدمت بجامعه اسلامی موفق باشند لکن تقیر بفرز نام های این
گروه سعادت سگوه خیر از شرح حال شریف در دست دارم در این است محضر امتثال ابرسار
عده اعدادی را با مختصری از مورگان بنویسند و تقدیم داشتم در نامه قبلی که ممکن است
بجاست برسد باشد تقاضای در نظر سنی و طبع قلب نفع بجامه که در صورت امکان از دیگر هادق
و بزرگ هادق در یافت در ایام ارسال فرمید بلکه از برتر لطف ضلالت در دست است که بکفایت
حد صحت شود در این ارادت نامه هم در نظر دگر بر میسر نام یک عکس عتیقه آن با سعادت
درم پارچه اندن بر بار قب و سلطه نفع ابرامندم بهمان کبر از قدم سعادت لزوم دعوت
باین شان بر فوق حضرت بجا استقامت نام : از فرستادن به دل غمیت : عمره بابر جابر نور
در راستش از ز تو باسد دیدار کون من و دل و دل و لطفه الله العظیم
عبدالکریم و السلام غیر اشقام المخلص عبدالسلام شیخ توریوری



عکس یادگاری در لندن مربوط به نوجوانی ایشان در منزل شخصی پدر (۱۳۶۶).
A photograph taken in London in his father's house related in his youth (1988).



شیخ مختار هاشمی به همراه سید فرید هاشمی (خواهرزاده) به بازدید از موزه مادام توسات در لندن رفته‌اند. عکس با مجسمه نخست وزیر وقت انگلستان، جون میجر ثبت شده است (۱۳۷۱).

Sheikh Mukhtar Hashemi with Seyed Farid Hashemi (nephew) on a visit to Madame Tussauds Museum in London. The photo was taken with the statue of the then Prime Minister of England, John Major (1992).



عکس یادگاری با همکلاسی در روز فارغ التحصیلی در کنار ساختمان مرکزی دانشگاه نیوکاسل (۱۳۷۴).

A commemorative photo taken with a classmate on graduation day next to the central building of Newcastle University (1995).



عکس گرفته شده در ورودی منزل شخصی شیخ محمدهادی هاشمی در خیابان نورفولک هاوس لندن (۱۳۶۷)

A photograph taken in London outside Sheikh Muhammad Hadi Hashemi's residence at Norfolk House Road (1988).





عکس یادگاری در کنار قلعه لیدز در کنت، اطراف لندن (۱۳۷۸).
Leeds Castle in Kent (near London, in 1999).



عکس یادگاری در لندن در روز جشن فارغ التحصیلی مقطع کارشناسی دکتر شیخ سید مختار هاشمی، با همراهی مادر و برادر و خواهران شان (تیر ماه ۱۳۷۳).

Photograph taken in London on Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi's graduation ceremony with his mother and siblings (July, 1994).

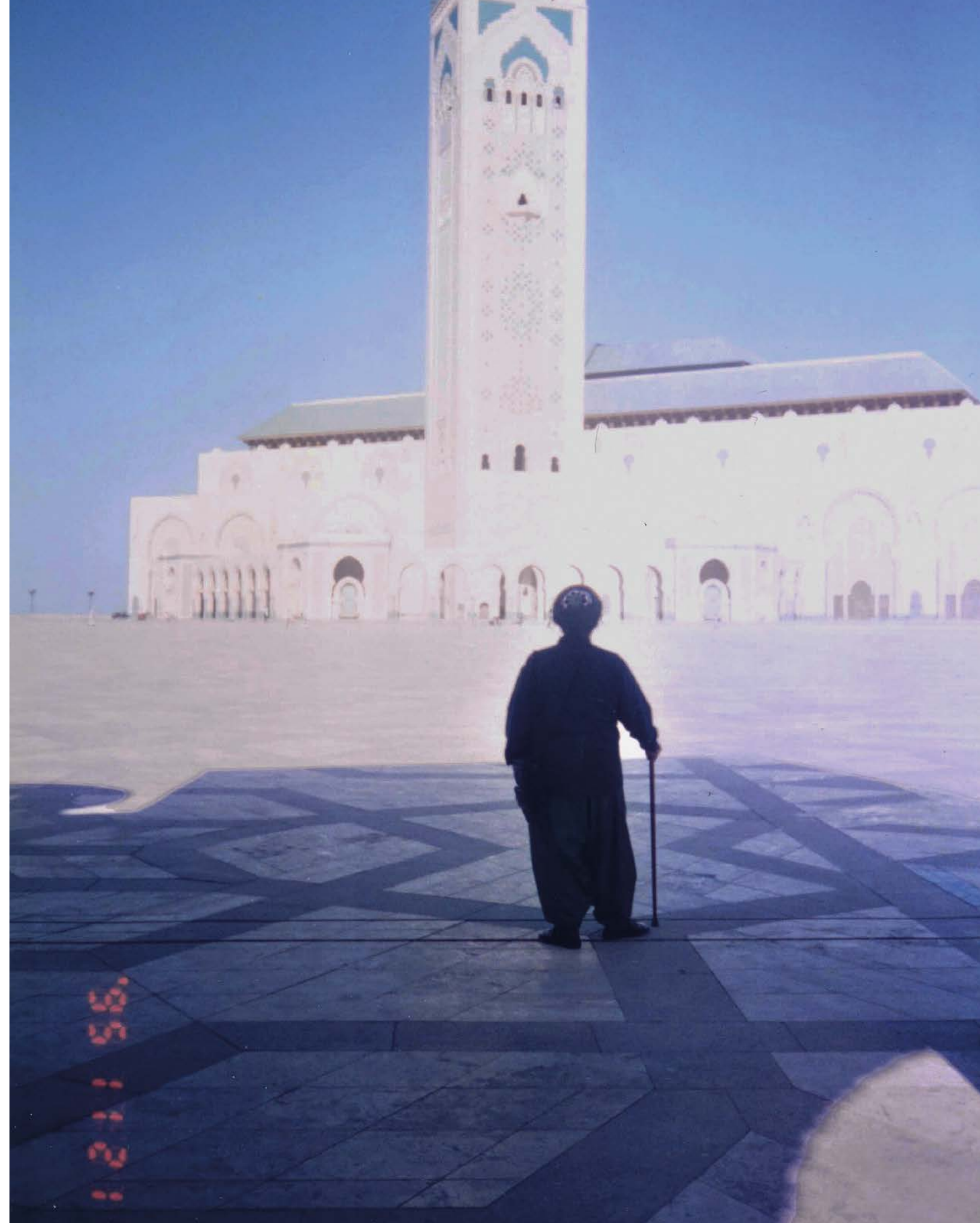
► عکس یادگاری در لندن مربوط به مراسم ازدواج به همراه برادر دکتر شیخ سید حسن هاشمی و دوستان ایشان (۱۳۶۷).
A wedding party photograph with his brother, Dr. Sheikh Seyed Hasan Hashemi and friends (June, 1997).



شیخ مختار هاشمی موفق به اخذ مدرک کارشناسی از کالج کوین مری، دانشگاه لندن، انگلستان می‌گردد (۱۰ تیرماه ۱۳۷۳).
 Sheikh Mukhtar Hashemi successfully obtaining a bachelor's degree from Queen Mary College, University of London England (July 1, 1994).

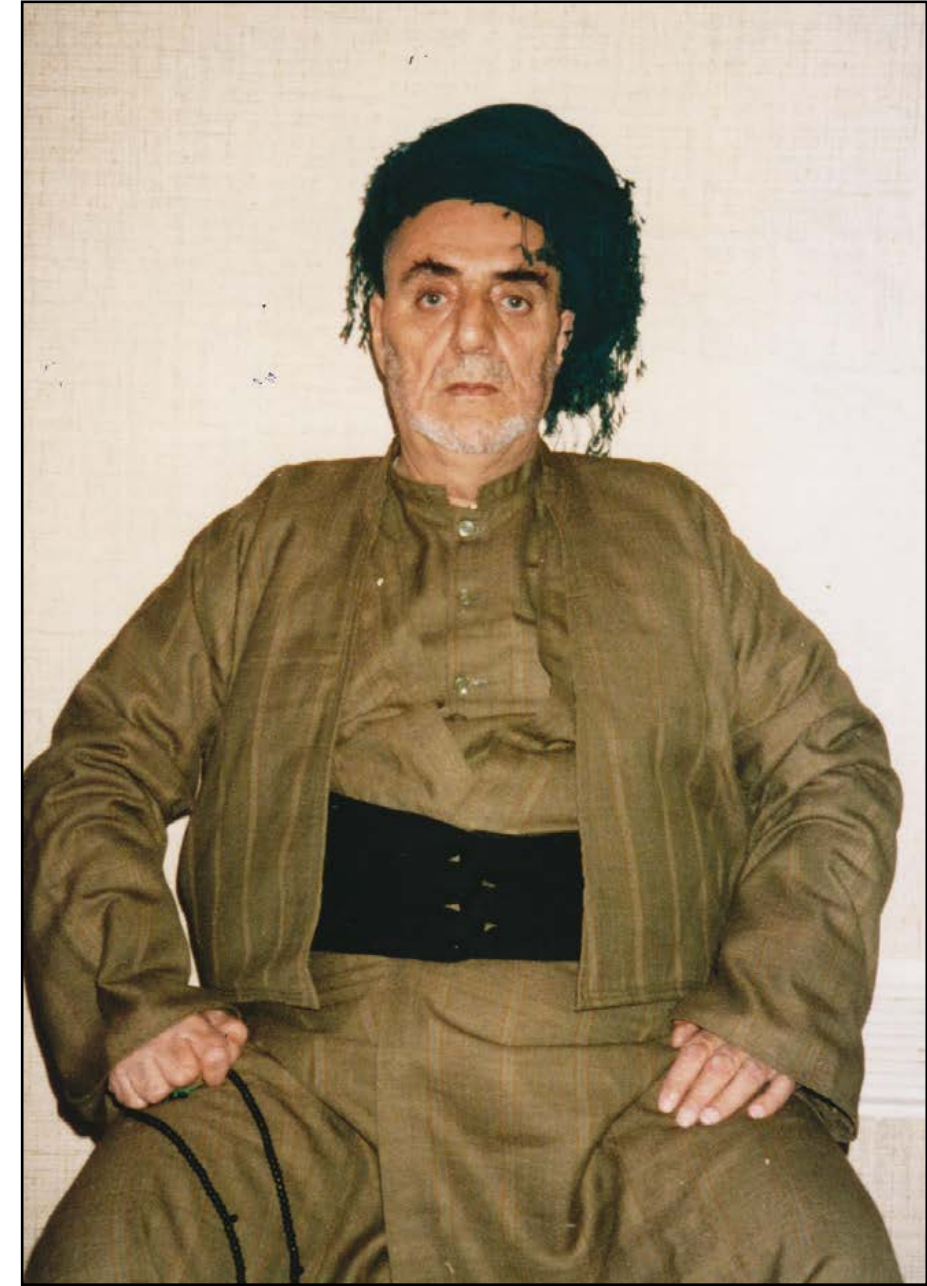


عکس یادگاری خانوادگی با شیخ سید حسن هاشمی تم‌تم در بندر لارناکا واقع در قبرس (اردیبهشت ماه ۱۳۷۶).
 Family photograph with Sheikh Seyed Hasan Hashemi of Tam Tam (brother-in-law) in Larnaca Port, Cyprus (May, 1997).



شیخ محمد هادی هاشمی که به کازیلانکا سفر کرده است، به مسجد حسن دوم می‌رود. عکاس این عکس شیخ مختار هاشمی می‌باشد و بعضی از تصاویر این بخش را ایشان ثبت کرده‌اند (۱۳۷۴).

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi, on a trip to Casablanca, visiting the Hassan II Mosque. The photographer was Sheikh Mukhtar Hashemi and some of the photographs in this section were taken by him (1995).



شیخ محمد هادی هاشمی با پروفسور جمال نیز در لندن در حاشیه اجلاس کنفرانس ملی کردستان در حال گفتگو است. جمال نیز متخصص زبان‌شناسی کردی، سیاستمدار، ریاضیدان، نویسنده و مترجم می‌باشد (۹ شهریور ۱۳۷۰).

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi talking with Professor Jamal Nabz (1933–2018) in London at the Kurdistan National Conference. Jamal Nabz was a Kurdish linguist, mathematician, politician, author, translator and writer (August 31, 1991).



شیخ محمد هادی هاشمی در مراسم جشن میلاد حضرت محمد (ص) شرکت می‌کند (۲۵ مرداد ۱۳۷۵).

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi participating in the celebration of the birth of Prophet Muhammad (PBUH) (August 15, 1996).



شیخ محمد هادی هاشمی در مراسم نماز عید فطر در پارک توتین بیک لندن شرکت می‌کند (۱۳۶۹).

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi participating in the Eid al-Fitr prayer in Tooting Bec Park, London (1990).



عکس یادگاری خانوادگی شیخ محمد هادی هاشمی به همراه همسر و یکی از دخترانشان در لندن ثبت شده است (۱۳۷۵).
Family photograph of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi with his wife and one of their daughters taken in London (1996).



عکس یادگاری خانوادگی از پشت بام قلعه نیوکاسل ثبت شده است (۱۳۷۴).
Family photograph taken on Newcastle Castle rooftop (1995).



عکس یادگاری خانوادگی در شهر بریستول انگلستان شده است (۱۳۷۴).
Family photograph taken in the city of Bristol, England (1995).



شیخ محمد هادی هاشمی و فرزندشان (شیخ مختار) به مراکش سفر می کنند (۱۳۷۴).
Sheikh Muhammad Hadi Hashemi and son (Sheikh Mukhtar) on trip to Morocco (1995).

نامه به مریدان (پنج صفحه)

شیخ سید محمد هادی هاشمی نامه ای (اول فروردین ۱۳۷۳) در پنج صفحه به درویش و مریدان شان تنظیم و منتشر شد. ایشان در ابتداء نامه به طریقت اشاره داشته و آن را عبارت از "بر پا داشتن آئین بندگی در طول سفری ممتد از جانب خلق به سوی حق عزوجل، بر اساس قران مجید و سنت نبوی علیه الصلاة والسلام استوار می باشد"، نگارش کرده است. در صفحه های بعد نیز در مورد توبه و شرایط و ارکان پنج گانه توبه اشاره شده است. اما در بخشی از نامه (صفحه چهارم) به مریدان و درویش، اشاره دارد: «وظائف و اوراد ۱- باید درویش بر تمام واجبات دینی مواظبت نماید و بکوشد که از نوافل و مستحبات محروم نماند ۲- از همه گناهان (کبیره و صغیره) بپرهیزد، باشد که از شبهات نیز اجتناب کند ۳- اخوت و برادری و برابری را رعایت کند ۴- در جلسات ذکر و تهلیل هفتگی در جای که معلوم داشته شرکت جوید ۵- بکوشد که دیگران را به بیعت و قبول طریقه مبارکه وادارد ۶- در تربیت و پرورش افراد خانواده خود بر اساس تعالیم عالیه اسلام (شریعت و طریقت) در بیغ نوزد ۷- در فراگیری دانش دینی کوشا باشد البته به قصد عمل به مقضای آن زیرا که علم بی عمل عقیم و عمل بی علم سقیم بود، از عمل زهد و تقوا است. اگر درویش ظاهر خود را به مصقله زهد و پرهیزکاری صورت حقائق ایمانی در او متجلی نخواهد شد ۸- قران مجید منبع نور و هدی است هر درویشی باید اداب قرائت قران پیروز را فرا گیرد تا با شیوه درست به تلاوت آن پردازد و حد اقل در شبانه روز نیم جزء از قران را بخواند ۹- بر درویش است که از صمیم قلب خیر خواه مسلمانان راستین و خواستار وحدت اسلامی باشد و از گردش به سوی ستمگران و دوستی با دشمنان پلید شریعت و طریقت دوری گزیند.»

ورقه چلوم

ارادتهای سید محمد هادی هاشمی

و ظانف و اوراد ۱ باید درویش بر تمام واجبات دینی مواظبت نماید و بکوشد که از نوافل و مستحبات محروم نماند از همه گناهان کبیره و صغیره بپرهیزد
 و متوسل باشد که از شبهات نیز اجتناب کند ۳ اخوت و برادری و برابری را رعایت کند ۴ در جلسات ذکر و تهلیل هفتگی در جای که معلوم داشته شرکت جوید ۵ بکوشد که دیگران را به بیعت و قبول طریقه مبارکه وادارد ۶ در تربیت و پرورش افراد خانواده خود بر اساس تعالیم عالیه اسلام (شریعت و طریقت) در بیغ نوزد ۷ در فراگیری دانش دینی کوشا باشد البته به قصد عمل به مقضای آن زیرا که علم بی عمل عقیم و عمل بی علم سقیم بود، مراد از عمل زهد و تقوا است. اگر درویش ظاهر خود را به مصقله زهد و پرهیزکاری نزداید صورت حقائق ایمانی در او متجلی نخواهد شد ۸ قران مجید منبع نور و هدی است هر درویشی باید اداب قرائت قران پیروز را فرا گیرد تا با شیوه درست به تلاوت آن پردازد و حد اقل در شبانه روز نیم جزء از قران را بخواند ۹ بر درویش است که از صمیم قلب خیر خواه مسلمانان راستین و خواستار وحدت اسلامی باشد و از گردش به سوی ستمگران و دوستی با دشمنان پلید شریعت و طریقت دوری گزیند - اوراد انفرادی: بر سر و طریقت است که هر شب در منزل خف با طهارت کامل روبرو قبله نشسته به تهلیل و تسبیح و تحمید و استغفار بپوزد از انفرادی: ذکر لاله الا الله - سه صد بار ذکر: الله - سه صد بار یا حی یا قیوم - پنجاه بار سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم استغفر الله صد بار در وقت حضرت رسول اکرم ص بار: اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم - تذکر: بیگانه
 ذکر باید دل از غیر خدا پاک باشد که زبان و دل هر دو به یاد پروردگار به همناهند پس در کمال خلوص دست به دعا بردارد و مغفرت و رحمت را بر او خود و سایر مسلمانان حیوان از پیشگاه اقدس خداوند توانا و مهربان بخواند و به شاخ سلسله مبارکه توسل و تشفع نماید شاید که رعایش به هدف اجابت اصابت کند در توضیح آنکه ممکن است که مرشد با توجه به احوال مرید اوراد انفرادی را از لحاظ کمی و کیفی بجهت در ورقه پنجم

Letter to Disciples (five pages)

Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi wrote a five-page letter to dervishes and disciples dated March 21, 1994. At the beginning of the letter, he mentioned the main aim of Tariqa and that it “consists of maintaining the ritual of servitude during a continuous journey on behalf of the people towards the Almighty, based on the Glorious Qur'an and the Sunnah of the Prophet, peace and blessings be upon him”. On the following pages he refers to repentance, its conditions as well as the five pillars of repentance. However, in a part of the letter (page 4), he addresses the disciples and dervishes "obligations and performance of regular litany: 1- A disciple must take care of all religious obligations and try not to be deprived of goodness. 2- Avoid all sins (major and minor) and similarly avoid doubtful activities (Shubuhah). 3- Respect brotherhood and equality. 4- Participate in weekly zikr sessions at the appointed place (Khaneqa). 5- Attempt to bring others to pledge allegiance to this holy path (Sufi path). 6- Should not hesitate to educate family members based on the high teachings of Islam (Sharia and Tariqa). 7- A disciple should be diligent in learning religious knowledge, of course, with the intention of acting on it because knowledge without action is sterile and action without knowledge is weak. It is an act of asceticism and piety. If the dervish shows an appearance of asceticism and piety, the truths of faith will not be manifested in him. 8- The Glorious Qur'an is a source of light and guidance. Every disciple must learn the etiquette of reciting the Qur'an in order to recite it in the correct manner and should recite a half section [juz] daily [the Quran is divided into 30 equal parts called juz]. 9- It is the duty of a disciple to be a true well-wisher of Muslims and seek Islamic unity from the bottom of his heart, and to avoid being with oppressors and making friends with the enemies of the Shari'a [Islamic law] and Tariqa [Sufi path]".

به گفته اقوام و خانواده ایشان، شیخ محمدهادی تا اواخر عمرشان مشغول مناجات و دعوت مردم به دین و ذکر بودند. ایشان در ۱۵ آذر ۱۳۷۷ در بیمارستان کالج پادشاهی لندن دار فانی را وداع گفت. بنا بر وصیت ایشان، با همکاری مسئولین وقت، پیکرشان به ایران بازگشت و مراسم خاکسپاری با حضور دهها هزار نفر از مردم کردستان در آستان دولاب انجام شد. بعد از فوت ایشان دو نفر از فرزندانشان: سید مختار (دکترای مهندسی عمران-منابع آب از دانشگاه نیوکاسل) و سید حسن (دندانپزشکی از مدرسه دندانپزشکی بیمارسان سلطنتی لندن، دانشگاه لندن) در مسند ارشاد قرار گرفتند و تاکنون فعالیت دارند.

Recalling recollections of his relatives and family, Sheikh Muhammad Hadi was engaged in prayers, supplications and inviting people to the path of religion and spirituality until the end of his life. He passed away on 6th of December 1998 at King's College Hospital in London. According to his will, with the cooperation of the relevant Iranian authorities, his body was returned to Iran and the funeral ceremony was held in the presence of tens of thousands of people in Dolab Holy Sanctuary. After his death, upon his recommendation two of his sons: Seyed Mukhtar (Ph.D. in civil engineering-water resources from Newcastle University) and Seyed Hassan (dentist from Dental School of Royal London Hospital, University of London) were become the custodians of Qadiri Order of Sufism of Solaei Dolab and both are still actively performing their obligations.



عکس یادگاری شیخ حسن و شیخ مختار هاشمی در لندن (۱۳۷۶).

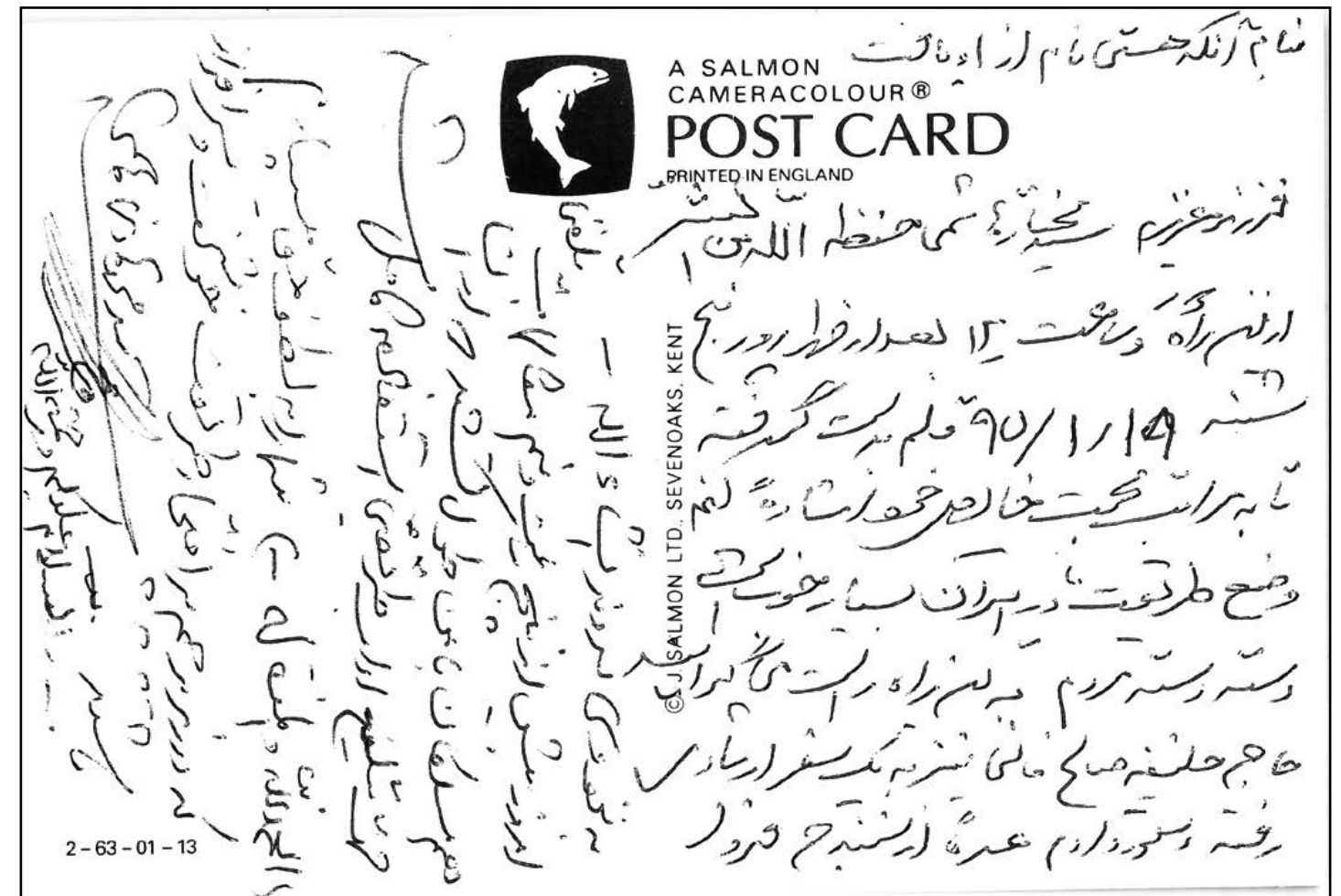
A commemorative photo of Sheikh Hassan and Sheikh Mukhtar Hashemi in London (1995).

نامه به فرزند (کارت پستال)

شیخ محمدهادی هاشمی در نگارشی که در پشت کارت پستالی به شیخ سید مختار که در شهر نیوکاسل اقامت داشته است ، می نویسد: «فرزند عزیزم، از این راه {دور یعنی شهر لندن} و ساعت ۱۲ بعداز ظهر روز پنج شنبه ۱۹۹۵/۱/۱۹ قلم به دست گرفته تا به مراتب محبت خالص خود اشاره کنم وضع طریقت در ایران بسیار خوب است دسته دسته مردم به این راه راست می گرایند ، حاج خلیفه صالح فانی (۱۳۱۶-۱۳۹۶) نیز به یک سفر ارشادی رفته، دستور دادم عده ای از سندج فردا به نزد وی بروند انشاءالله. امروز بیش از پنج ساعت و نیم مکالمات تلفنی هم مسلکان با من طول کشید که از آن جهت تبلیغ آداب طریقتی استفاده کامل شد {الحمدلله و المنه له} شما را به لطف حق می سپارم که در زیر پرچم پرافتخار طریقت خوشبخت و سرافراز باشید.»

Letter to Son (postcard)

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi on the back of a postcard to his son, Sheikh Seyed Mukhtar when he was in Newcastle Upon Tyne, wrote: "My dear son, from this far distance [i.e. from London] and at 12:00 PM on Thursday 19 Jan 1995, I have a pen in my hand to express my pure love for you. The situation of the Tariqa in Iran is very good, and people are flocking to this right path. In addition, Haj Khalifa Saleh Fani [1937- 2017] has gone on an Ershadi tour and I have instructed some people from Sanandaj to join him tomorrow, God willing. Today, I spent more than five and a half hours of phone conversations with members of our community, which were completely used for the purpose of propagating the ways of the tariqa (praise be to Allah and indebted to Him). I leave you to the Grace of Allah so that you be happy and successful under the proud flag of Tariqa".

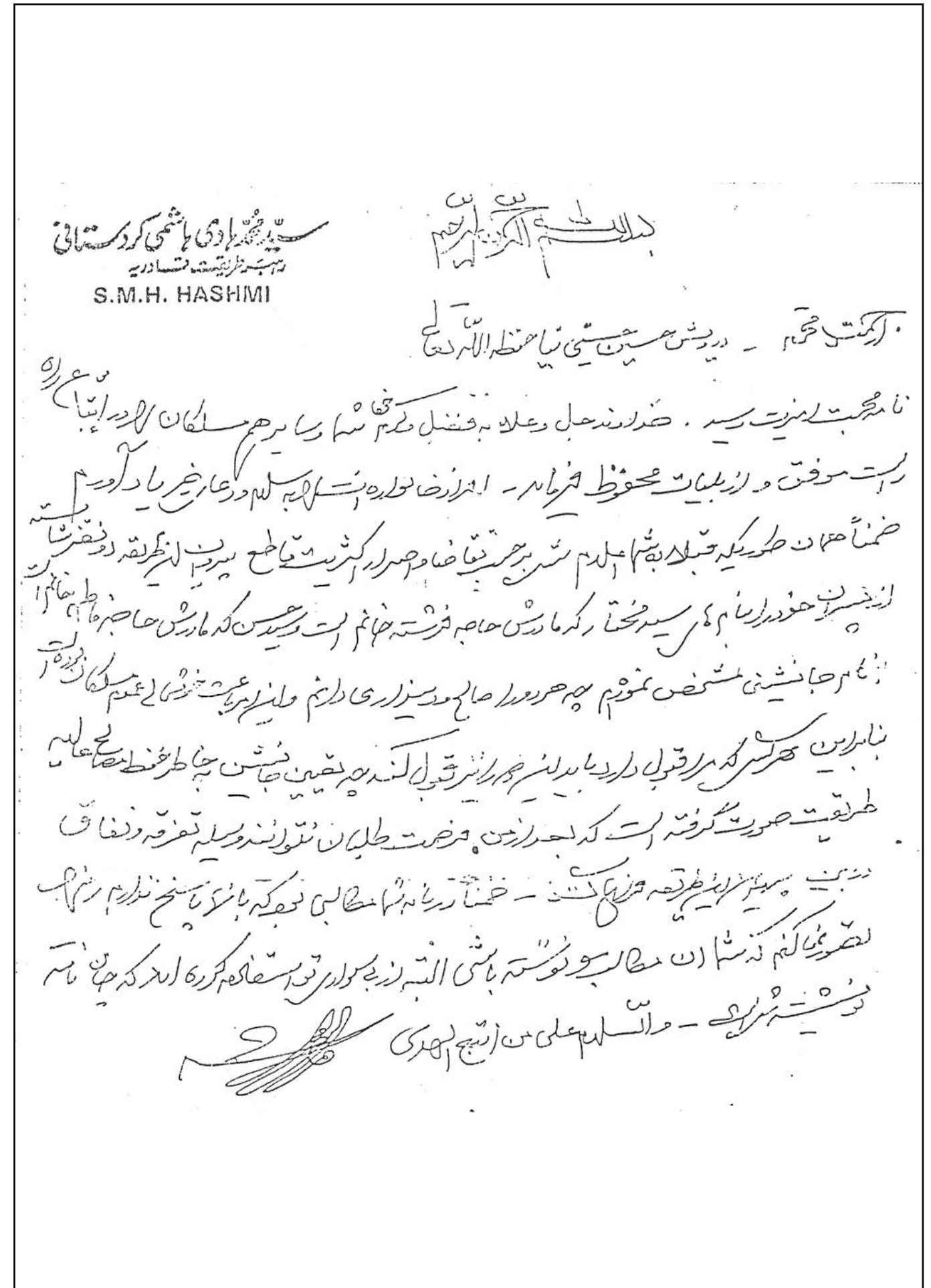


جانشین شیخ سید محمدهادی هاشمی

شیخ محمدهادی هاشمی طی نامه‌ای (حدوداً ۱۳۷۳) خطاب به درویش حسین حسینی نیا (یکی از پیروان طریقت که بعداً خلیفه شهر کامیاران شد) در مورد تعیین جانشین، اشاره دارد: «نامه محبت آمیزت رسید. خداوند جل و علاء به فضل و کرم خود شما و سایر هم مسلکان را در اتباع راه راست موفق و از بلیات محفوظ فرماید، افراد خانواده‌ات را به سلام و دعای خیر یاد آورم، ضمناً همان طوریکه قبلاً به شما اعلام شد برحسب تقاضا و اصرار اکثریت قاطع پیروان این طریقه دو نفر شایسته از پسران خود را بنام سید مختار که مادرش حاجیه فرشته خانم است و سید حسن که مادرش حاجیه فاطمه خانم است به نام جانشینی مشخص نمودم چه هر دو را صالح و دیندار می دانم و این امر باعث خوشحالی عموم مسلکان بوده است بنابراین هر کسی که مرا قبول دارد باید این دو را نیز قبول کند چه تعیین جانشین به خاطر حفظ مصالح عالیه طریقت صورت گرفته است که بعد از من فرصت طلبان نتوانند وسیله تفرقه و نفاق در بین پیروان این طریقه فراهم کنند...»

Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi's Successor

Sheikh Muhammad Hadi Hashemi in a letter (circa 1994) addressed to Dervish Hossein Hosseini-Nia (one of his disciples who later became khalifa of Kamiran City) regarding the appointment of a successor(s), mentions: "Your kind letter has arrived. May Allah Almighty Bless you and other disciples with success in following the right path and protect you from calamities. I send greetings and good prayers to your family members. As previously announced to you and as per the request and insistence of the overwhelming majority of the followers of this path, I have named two of my sons, Seyed Mukhtar, son of Hajiya Fereshta Khanum, and Seyed Hasan, son of Hajiya Fatemeh Khanum, as worthy of succession as I believe them both to be righteous and religious, making members of our community happy. Thus, if anyone accepts me, they must also accept these two. The appointment of a successor has been made for the sake of preserving the great interests of the Tariqa, so that after me, opportunists cannot provide a means of division and hypocrisy among the followers of this path..."





نسل سوم از مشایخ دولاب دکتر شیخ سید مختار هاشمی است. به گفته ایشان از سن ۱۱ سالگی مورد توجه شیخ سید محمد هادی هاشمی (پدر) جهت فراگیری علوم عربی، فارسی، کردی، دینی و عرفانی قرار داشتند، ۱۸ سال داشته‌اند که نزد پدر اخذ طریقت و تعلیم و تربیت عرفانی را آموخته است. فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی شیخ مختار در انگلستان از دوران کالج و دبیرستان (ساوث تیمز کالج، در پاتنی لندن) شروع و در انجمن‌های دانش آموزی فعال بوده‌اند. با توجه باینکه ایشان به آثار فرهنگی تاریخی علاقه‌مند بوده است نسبت به جمع آوری آثار و مستندات پدر و اجداد شان و حفظ آنها، همانند: تسییح کمند سیدعلی (متوفی ۱۲۲۵) فرزند شیخ رسول سوله شیخ بزرگ مدفون در دولاب (سیدعلی)، دستمال قرمز اهدایی شیخ حسین چرچه قلا و دست نوشته‌ها و شجره‌نامه و... اقدام و همت گمارده است. با حضور در ایران، دکتر شیخ سید مختار هاشمی بعد از جانشینی مدیریت مجموعه آستان دولاب و خانیه و خانقاه‌های منطقه کردستان را به عنوان میراث خانوادگی و طریقتی به عهده دارد.

Generation of Dolab Sheikhs is Dr. Sheikh Syed Mukhtar Hashemi. According to him, he was under the auspices of his father since the age of 11, going through a learning process as his father, Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi, started educating and training him on both literary (Arabic, Farsi and Kurdish) and religious and mystical sciences. At 18, he received and taken oath to become a wayfarer. Sheikh Mukhtar's cultural and Islamic activities in England started when he attended South Thames College, Putney, London and was an active member of various student societies. Considering the fact that he is interested in cultural and historical works, a great deal of efforts have been taken to collect and document the historical archives and artifacts of his father and ancestors and preserving them, such as: the rosary wooden prayer beads of Seyed Ali (died 1810) son of Sheikh Rasool of Sola, the Grand Sheikh at Dolab Holy Sancturay, the red handkerchiefs donated by Sheikh Hossein Charchaqala to his grandfathers, manuscripts and letters as well as genealogy family tree drawn on thick paper and so on. Being in Iran, Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi is in charge of managing both main centres at Dolab and Khanila as well as Khanaqas throughout the western provinces of West Azerbaijan, Kurdistan and Kermanshah and acts as a custodian and leader of Solaei-Dolab Order.

شیخ مختار هاشمی در منزل شخصی پدرشان در لندن مشغول مطالعه دروس دینی می‌باشند (۱۳۷۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi studying religious subjects in his father's house in London (1998).

شیخ سید مختار هاشمی

شیخ سید مختار هاشمی بعد از جانشینی به مریدان و درویش قادریه سوله دولاب نامه‌ای (پنجم اسفندماه ۱۳۷۷) از لندن ارسال داشته است. ایشان در بخشی از نگارش اشاره دارد: «جناب آقای درویش عطا الله جباری را به عنوان نماینده اینجانب در سقز و اطراف و حومه تعیین نموده و حق دارند که در حالی که طالبان تمسک به طریقت درخواست کردند و در غیاب مرشد به نمایندگی من مراسم تلقین را انجام دهند.»

همچنین در بخشی خانمی از درویش را به عنوان سر ذاکر حلقه زنان انتخاب می نماید: «خواهر گرامی خانم درویش عایشه را بعنوان سر ذاکر حلقه زنان و خواهران هم مسلک در سقز و حومه تعیین نموده.»
"لازم به توضیح است زنان همانند مردان تمامی مراحل و موارد ذکر سماع را در ساعت مشخص در خانقاه انجام می دهند و مردان اجازه حضور در این مراسم را ندارند."

Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi

Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi sent a letter (dated February 24, 1999) from London to his disciples of the Solaei Qadiri Order of Dolab after his succession. He mentions in a part of the letter: "Dervish Attaullah Jabari is to be appointed as my representative in Saqqez, surrounding areas and the suburbs; he has the right to perform indoctrination ceremonies on my behalf in the event that seekers of Tariqa make a request in the absence of the Leader (Murshid)".

Furthermore, in another part of the letter, a female disciple is chosen as the head of the women's circle: "Our dear sister, Dervish Ayesha is appointed as the head of the women's circle in Saqqez and the suburbs."

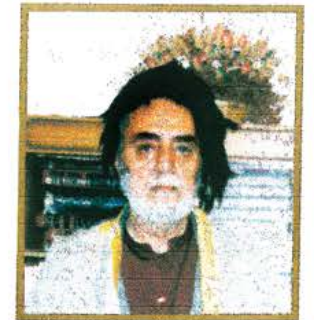
"It is necessary to explain that women, like men, perform all the steps and aspects of Zikr and Sema at the appointed time in the Khaneqa (a Sufi dwelling place), and men are not permitted to attend their ceremony."

سید مختار هاشمی

S. Mukhtar Hashemi
Tel: 0044-181- 766 7630 London

۱۵ اسفندماه ۱۳۷۷

یا هو

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام
على أشرف خلقه محمد الأمين صلى الله عليه وسلم
وعلى آله الأطهار وأصحابه الأخيار

مرشد و رهبر فقید حضرت پیر

قطب العارفین حاج شیخ سید محمد هادی هاشمی

خدمت محرم هم مسلک گرامی در سقز و حومه و اطراف حفظاً لله تعالی

با عرض سلام و ادب خیریه، از خداوند عزوجل تمنا دارم که به فضل و کرم خود سربراه
پرست ثابت و از لغزش و سایر بلیات محفوظ نگه دارد

انتظار دارم که با عرض اندیشی به مطالب زیر توجه فرمائید

(۱) جناب آقای درویش عطا الله جباری را بعنوان نماینده اینجانب در سقز و اطراف
و حومه تعیین نموده و حق دارند که در حالی که طالبان تمسک به طریقت
درخواست کردند و در غیاب مرشد، بنا به نمایندگی من مراسم تلقین را انجام دهند.
این اجازه نامه باید بر طبق دستورات و ارشادات و تقالیم حضرت پیر و مرشد صورت بگیرد
و نمایندگی هم با همان وظایف که حضرت پیر دستور داده اجازه فعالیت در امور تلقین دارند.

(۲) بر طبق دستورات و ارشادات و تقالیم حضرت پیر، شورای تلقین سقز عبارتند از:
آلف: جناب درویش علی طاهری، باء: جناب درویش استاد احمد نظیری، تاء: جناب درویش
خاله نقاحی، دال: جناب درویش حسن طه زاده.

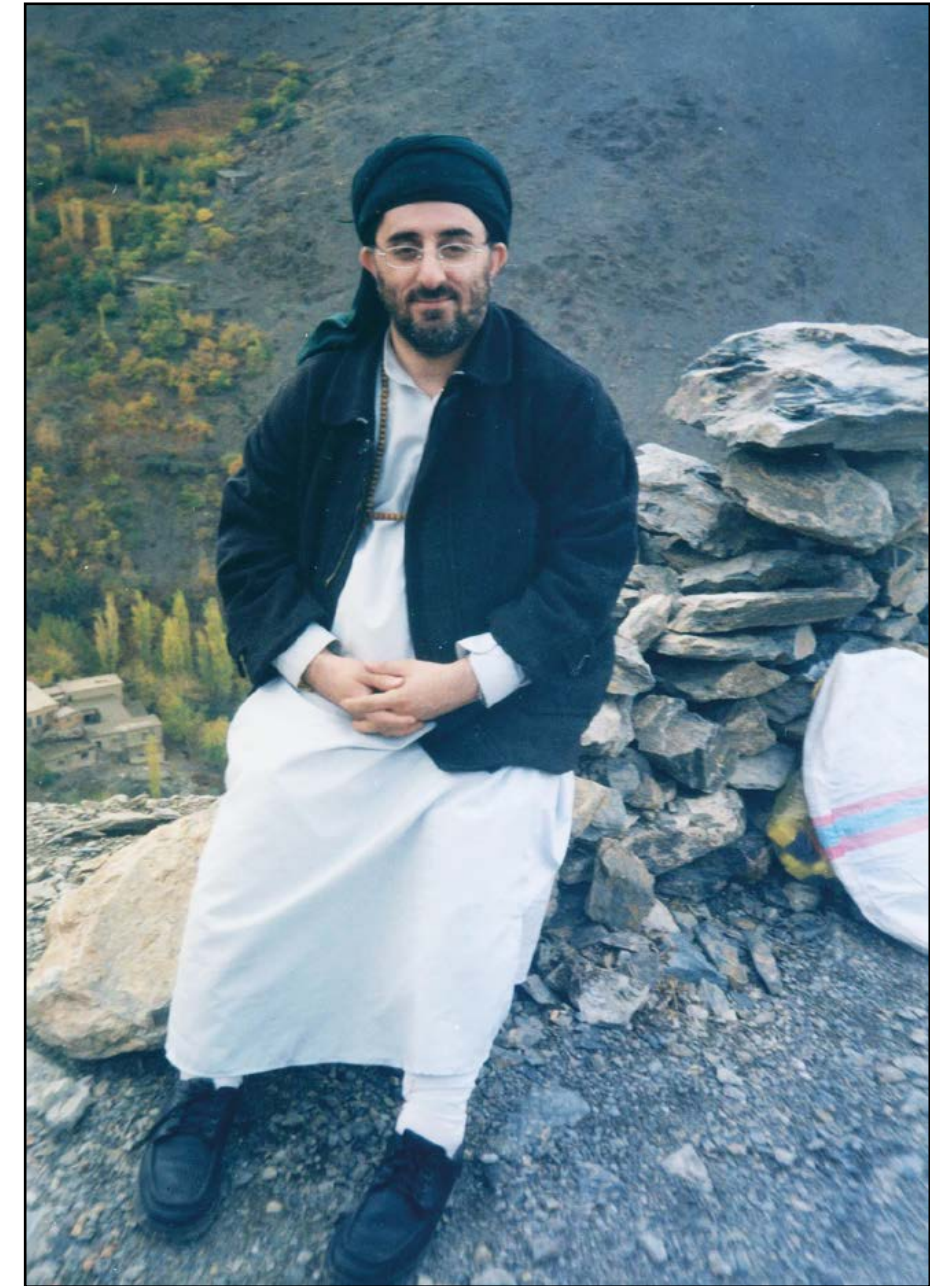
(۳) خواهر گرامی خانم درویش عایشه را بعنوان سر ذاکر حلقه زنان و خواهران هم مسلک
در سقز و حومه تعیین نموده.

(۴) مراسم ذکر و تهلیل در منزل جناب درویش صدیق انجام میگردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
”إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ
فَأَنَّا يَنْكَثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَنَّا أَصْدَقُ
فَأَجْرًا عَظِيمًا“ صدق الله العظيم

در پناه همگی شما را به الطاف الهی میسپارم. اللهم ارزنا صدق اليقين واحشرنا مع سيد
الرسولين وصل على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سید مختار هاشمی



دکتر شیخ سید مختار هاشمی بعد از اخذ مدارک تحصیلی در تاریخ ۱۳۷۸ به ایران بازمی‌گردند. ایشان ابتدا آستان دولاب را برای زندگی خود انتخاب می‌کنند.

Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi returns to Iran after receiving his academic degrees in 1999. His first chosen residence was in Dolab Holy Sanctuary (1999).

شیخ مختار هاشمی به همراه مادرشان برای بازسازی خانقاه خانیله آمده‌اند (۱۳۷۹).

Sheikh Mukhtar Hashemi along with his mother during the reconstruction of Khanila Khaneqa (2000).



عکس یادگاری در خانیه (حدوداً ۱۳۸۲).
Commemorative photographs of Khanila (circa 2003).



شیخ مختار هاشمی با دعوت درویشی که ساکن سقز است منزل ایشان رفته است (۱۳۸۰).
Sheikh Mukhtar Hashemi at a dervish's house in Saqqez by invitation (2001).



برای مراسمی در دولاب به دیدار دکتر شیخ سید مختار هاشمی رفتم و بعد از مراسم در محوطه آستان دولاب از ایشان درخواست کردم که این عکس را ثبت کنم (۲۱ مرداد ۱۳۹۸).

On my visit to Dolab Holy Sanctuary for a ceremony, I met Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi, after which I asked for his permission to take this photograph (August 12, 2019).

CHAPTER ONE (HISTORY OF QADIRI ORDER SUFISM)
Part Two: Spiritual Places (Dolab Holy Sanctuary)

فصل اول (تاریخ تصوف قادریه)
بخش دو: مکان های معنوی (آستان دولاب)



مکان های معنوی (آستان دولاب)

آستان دولاب شامل خانقاه و مراقد مشایخ طریقت قادریه است که در قلب منطقه هورامان زاوه رود قرار دارد، یکی از شاخه های اصلی طریقت قادری سوله ای که در سه استان غربی کشور، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی فعالیت دارند. شایان ذکر است که طریقت قادریه سوله ای به رهبری تعدادی از مشایخ در کردستان عراق و مناطق عرب نشین بغداد و فلوجه، رمادیه و دیاله مشغول به فعالیت هستند. خانقاه دولاب در ۴۵ کیلومتری جنوب شهر سنندج در دامنه کوه معروف «اولان»، مابین شهر سنندج و کامیاران، از توابع بخش سیروان شهرستان سنندج، منطقه ی اورامان زاوه رود شرقی واقع شده است (قدمت روستای دولاب به چند هزار سال پیش می رسد).

خانقاه، مکانی برای سکونت و عبادت عارفان مقیم و مسافر است که در آنجا به تعلیم مبانی دین و اصول طریقت، ریاضت، مراقبت و تهذیب نفس، و اخذ مبانی تصوف از حدیث و تفسیر و کلمات مشایخ می پرداختند. در واقع مسافرخانه ای رایگان بود که غذا و مکان رایگان در اختیار مسافران، غریبان و صوفیان قرار می داد و در آنجا از آنان پذیرایی می شد. مشهور است که شیخ ابوالحسن خرقانی (۳۵۲-۴۲۵ ق)، عارف بزرگ ایرانی، بر سر در خانقاه خویش نوشته بود: «هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید؛ چه آن کس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان ابوالحسن به نان ارزد». مجموعه خانقاه دولاب در میان دره دولاب و در مسیر تلاقی چند آبراهه و رودخانه فصلی قرار دارد. با توجه به توپوگرافی اطراف سایت و شکل پله پله ای مناطق مسکونی غرب، ابتدا باید از چشمه های آب و فضاها ی سبز جهت رسیدن به خانقاه عبور کرد. این مجموعه متشکل از چند بخش، شامل مجموعه مذهبی (شامل تکیه، اتاق شیخ، حجره، حجره مدرسه علوم دینی، مرقد، نانویی، انباری ها و اتاق های زنانه)، محل اقامت سرپرست خانقاه، آپارتمان خانوادگی شیخ، آسیاب و گورستان است. سالن هایی برای اعمال گروهی نماز، سماع و نیایش و اتاق های استراحت زائرین (آقایان و خانم ها) می باشد. وجود درختان مترکم در اعماق دره و ایجاد حالت معنوی این مکان، زمینه ایجاد خانقاه را فراهم آورده است. خانقاه در کنار گورستان تاریخی با سابقه چند صد سال که تعدادی از اولیا و مشایخ در آن دفن شده اند، ساخته. حضور متداوم عبادت کنندگان (دراویش) از نقاط مختلف در خانقاه و ماندگاری آن ها به نوبه خود زمینه پدید آمدن بخش های خدماتی، رفاهی همچون آسیاب را فراهم آورده است. شکل کلی خانقاه به صورت مکعبات دیاگراماتیک نامنظم و تودرتو با تغییرات ارتفاعی چشم نوازی نسبت به سلسله مراتب عرفانی، اتصال (ورودی سایت و باغ و حیاط)، انتظار (خانقاه و مراکز آموزشی و تمسک مریدان) و انفصال (مراقد مشایخ طریقت) شکل گرفته است.

خانقاه آستان دولاب در جهت نور می باشد، دیوارها از جنس گچ و سقف آن نیز از چوب های قطور تشکیل شده است؛ محرابی در سمت جنوب و وسط خانقاه واقع شده است و با توجه به کثرت زائرین، از فضای خانقاه هم به عنوان فضایی جهت اطعام استفاده می گردد و هم به عنوان فضایی جهت سماع.

معماری چله خانه (خانه عاشقان)

خلوت، عبادت و مجاهدت چهل روزه، از مستحسبات صوفیه است و این خلوت نشینی را صوفیان و "طالبان دین از بهر سلامت صوامع و خلوات اختیار کردند" (کاشانی، ۱۶۰: ۱۳۷۶). بر اساس تحقیقات میدانی، با توجه به این که چهل عدد کاملی است و در حدیث قدسی آمده: «حَمَرْتُ طِينَهَ آدَمَ بِيَدَيَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا». مرید یا درویش در آنجا به مدت ۴۰ روز

و فقط با ۴۰ عدد خرما و کمی آب زندگی می‌کند و در این روزها نسبت به عبادت و نیایش اقدام خواهد کرد. به این امر چله کشیدن می‌گویند که می‌بایست با هماهنگی و امر مرشد یا شیخ صورت پذیرد.

هسته‌های اصلی هر خانقاهی اتاق چله‌خانه است؛ چله‌خانه خانقاه دولاب، در محیطی بسته و مشترک با مراقد مشایخ شکل گرفته است، که نمای بیرونی آن از آجر و به وسیله سه پله با دری چوبی به سمت پایین هدایت می‌شود؛ اتاقی کاملاً تاریک و بی‌آلایش و بدون رنگ و لعاب که دارای حس و حال معنوی است و به شکل مکعب و با مساحت نه متر مربع ساخته شده است.

لازم به توضیح است؛ آستان دولاب در منطقه‌ای به نام هورامان واقع شده است. هورامان، شامل مناطقی در استان کردستان، استان کرمانشاه و همچنین در اقلیم کردستان عراق در استان‌های سلیمانیه (شهرستان پنجوین) و هلبجه قرار گرفته است. تمدن هورامان از دوران پارینه سنگی تا عصر حاضر بیش از ۴۰ هزار سال قدمت دارد. بافت سکونت و معماری منحصر به فرد روستاهای منطقه دارای هفت ویژگی می‌باشد از جمله ساختار تعاملی واحدهای همسایگی و ایجاد بافت یکپارچه، ایجاد ساختمان‌هایی با حداقل فضا و حداکثر عملکرد، اهمیت دید و منظر، دره نشینی و هوارنشینی. سیستم کهن اجتماعی زراعت، دامپروری مردم هورامان نیروی محرک کلیدی برای شکل‌گیری منظر فرهنگی هورامان در امتداد هزاره‌های تاریخی بوده است. منظر فرهنگی هورامان به عنوان سایت میراث جهانی با پیگیری فعالان فرهنگی هورامان از جمله دکتر شیخ سید مختار هاشمی در سال ۱۴۰۰ ثبت جهانی یونسکو گردید. روستا و آستان دولاب بخشی از عرصه‌ی منظر فرهنگی هورامان در فهرست آثار میراث جهانی است.

Spiritual Places (Dolab Holy Sanctuary)

Dolab Holy Sanctuary which is located in the heart of the Zhavehrood part of Hawaman region, includes the Khaneqa and shrines of the Sheikhs of the main branch of the Solaei Qadiri Order of Sufism operating in a geographical scope covering the three western provinces of Kurdistan, Kermanshah and West Azerbaijan. It is worth noting that this Order is also led by a number of sheikhs who are active in Iraqi Kurdistan and the Arab-populated areas of Baghdad, Fallujah, Ramadiya, and Diyala. Dolab Khaneqa is located 45 kilometers south of Sanandaj city, on the slopes of the famous "Avalan" mountain, between Sanandaj city and Kamiyaran, in Sirvan District, Hawraman region of Eastern Zhavehrood (Dolab village is several thousand years old).

Khaneqa is a place for resident and traveling Sufis to live and worship, where they are taught the basics of religion and the principles of Sufism, disciplines (riyadats), care and refinement of the soul, and learn the principles of Sufism from prophetic traditions (hadiths) and Quarnic interpretations and the words of Sufi masters. Khaneqa offers a welcoming spiritual space and provides free food and accommodation to anyone i.e. travelers, strangers and Sufis without any discriminations. It is narrated that Sheikh Abu al-Hassan al-Kharaqani (936-1033), a great Iranian mystic, wrote on the door of his Khaneqa: "Whoever enters this place, feed them without asking about their faith. Because if they were favor by God Almighty who saw them worthy of the gift of life, then they are certainly worthy of being feed at the house of Abul-Hassan".

The Dolab Khaneqa complex is located in the middle of the Dolab valley and at the intersection of several waterways and the seasonal river. Considering the topography around the site and the stepped shape of the western residential areas, one must first pass through water springs and green spaces to reach the Khaneqa. This complex consists of several parts, including the religious complex (including Khaneqa, the sheikh's room, the theological School chamber, the shrine, the bakery, storerooms and women's rooms and central kitchen), caretaker's residence the Sheikh's family apartment (residence), the watermill and the cemetery. There are halls for group prayer, Sema and invocations and rest rooms for pilgrims (men and women). The presence of dense trees in the depths of the valley and the creation of the spiritual space of this place have provided the foundation for the establishment of Dolab Khaneqa. The khaneqa was established beside the historic cemetery which includes the burials of many saints dating back to several centuries ago. Welfare services such as watermills have emerged as wayfarers continuously come from different regions and stay for a period of time in the Khaneqa. The general form of the Khaneqa is shaped as irregular and nested diagrammatic cubes with eye-catching height changes in relation to the spiritual and mystical



hierarchy, connection (entrance to the site, garden and yard), waiting and anticipation (Khaneqa, educational centers and the pledge of allegiance by the disciples) and disconnection (the shrines of the Sheikh of the Order).

Dolab Holy Sanctuary is built in the direction of light, the walls are made of plaster and the roof is made of thick wood. An altar is located on the south side and in the middle of the Khaneqa, and due to the attendance of large number of pilgrims, the space of the Khaneqa is used both for Sema and serving food.

Architecture of Chillakhana (House of retreat)

Spiritual retreat (Solitude), worship and a solitary retreat for forty days is recommended by Sufis. This seclusion is chosen to attain the peace and prosperity of the faith in Khaneqas and Houses of Retreat. According to field research, due to the fact that 40 is a perfect number and it is stated in a Qudsi tradition (hadith): “He fermented the clay from which Adam was made in His hand for forty mornings”. A disciple or a dervish will stay in Chillakhana for a period of 40 days with only 40 dates and a little water, and during these days he will worship and pray. This is called chilla, which should be done with the coordination and order of a Sufi Master or Sheikh.

The main core of every Khaneqa is the chilla room; The chillakhana of the Dolab Khaneqa was formed in a closed environment shared with the shrines of the Sheikhs, whose exterior is made of brick and is led down by three stairs with a wooden door. A completely dark and spotless room with no paint or glaze, which has a spiritual feeling and is made in the shape of a cube with an area of nine square meters.

It is necessary to explain: Dolab Holy Sanctuary is located in Hawraman region. Hawraman includes areas in Kurdistan province, Kermanshah province and also in Kurdistan region of Iraq in Sulaymaniyah (Panjvin city) and Halabjah provinces. Hawraman has an ancient civilization of more than 40 thousand years old from the Paleolithic era to the present day. The unique residential structure and architecture of the villages in the region has seven characteristics, including the interactive structure of neighborhood units and the creation of a unified texture, the creation of buildings with minimum space and maximum performance, the importance of views and scenery, valley dwelling and air dwelling. The ancient social system of agriculture and animal husbandry of Hawraman people has been the key driving force for the formation of the cultural landscape of



Hawraman along the historical millennia. The cultural landscape of Hawraman was registered as a world heritage site by UNESCO in 2021, following the efforts of cultural activists of Hawraman, including Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi. The village and Dolab Sanctuary are within the property of Hawraman cultural landscape as world heritage site.



آستان بارگاه دولاب؛ بخش ورودی دوم که شامل سه مقبره می باشد. مقبره سمت چپ مرحوم سیدعلی دولاب (متوفی ۱۲۲۵)، مقبره وسط مرحوم شیخ سیدمحمد زانخور (شیخ محمد دولاب ملقب به محی الدین) و سمت راست مرحوم شیخ سید محمد هادی هاشمی دفن شده اند.

Dolab Holy Sanctuary: the second chamber includes three tombs. Tombs from left to right belong to the late Seyed Ali Dolab (died in 1810), the late Sheikh Seyed Muhammad Zanakhor (Sheikh Muhammad Dolab known as Mohiuddin or Reviver of Faith) and Sheikh Seyed Muhammad Hadi Hashemi.

آستان بارگاه دولاب؛ بخش ورودی اول که شامل چله خانه (که درب آن بسته است) و مقبره می باشد. در میان چله خانه مقبره ها مرحوم سید عبدالجبار (۱۳۳۷-۱۳۴۱) دفن شده است. در مقبره سمت چپ مرحوم سیده بهجت (۱۳۳۸-۱۳۴۱) و سمت راست سید عادل خانم (وفات ۱۳۲۲) مادر شیخ محمد هادی هاشمی دفن شده است.

Dolab Holy Sanctuary: the entrance chamber includes three graves and a closed Chelekhaneh on the left (a place of a 40-day retreat for Sufis and ascetics; chele meaning 40 and khaneh meaning house). The late Seyed Abdul Jabbar (1958-1962) is buried in the middle grave while his sister, the late Sayedda Behjat (1959-1962) is buried on the left. On the right, Seyeda Adila Khanum (who died in 1943), the mother of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi is buried.

CHAPTER ONE (HISTORY OF QADIRI ORDER OF SUFISM)
Part Three: Enduring Faces of Disciples

فصل اول (تاریخ تصوف قادریه)
بخش سه: چهره‌های ماندگار دراویش



چهره‌های ماندگار دراویش

تصاویر این قسمت بخشی از آلبوم‌های شخصی خانوادگی شیخ مختار هاشمی و دراویش فقید قادریه سوله دولاب در منطقه کردستان (سنندج، قروه، کامیاران، کرمانشاه، سقز، آذربایجان غربی و روستاهای تابع این شهرها) است. عکس‌های پیش رو حاصل سفر به مناطق ذکرشده و مراجعه به فرزندان و اقوام دراویش قادریه است. بیشتر عکس‌ها مخدوش شده یا در دسترس نیستند، از بین ۳۶۵۰ فریم عکس گردآوری شده، تعداد کمی در کل پروژه براساس موضوع و محتوای کتاب انتخاب شده است. اغلب این افراد از طبقات مختلف جامعه، مانند کشاورز، کارمند، بازاری و ... بوده‌اند.

والتر بنیامین^۱ معتقد است با از میان رفتن عنصر اصیل هنر یعنی «هاله»، اثر هنری به جای تکیه بر مهمترین کارکردی که تاکنون داشته است، یعنی کارکرد آیینی به عامل دیگری چون سیاست وابسته می‌شود. سیاسی شدن زیبایی‌شناسی، منش گریزناپذیر دوران باز تولید و تکثیر مکانیکی است. اصطلاح «هاله» توسط والتر بنیامین در مقاله تاثیرگذار خود در سال ۱۹۳۶ اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی^۲ استفاده شد. بنیامین معتقد است که حتی «کامل‌ترین بازتولید یک اثر هنری فاقد یک عنصر است: حضور آن در زمان و مکان، وجود منحصر به فرد آن در مکانی که اتفاقاً در آن قرار دارد (بنیامین، ۱۹۶۸: ۲۲۰)». بنا بر این هاله اثر هنری به اصالت آن ارتباط پیدا می‌کند و در عصر دیجیتال و مدرنیته، از اصالت آثار بازتولید شده می‌کاهد. عکس به عنوان بازتاب دهنده‌ی جهان محدودیت دارد و ما را در گذشته نگه می‌دارد اما عکس‌ها گذشته را به لحظه‌ی حال می‌آورند و ما را با گذر زمان و سکون آنچه رفته است رو در رو می‌کنند. طبق دیدگاه بنیامین، عکس هستی مادی و جهان اجتماعی را سوژه‌ی خود می‌کند تا با هشیاری به موشکافی آن‌ها پرداخته و هاله‌ی تقدس و رویاگون بودن آن‌ها را بزدايد. قدرت سیاسی عکاسی، در قامت یک باز تولید مکانیکی، آن است که هنر را در اختیار توده‌های مردم قرار می‌دهد. بنیامین به ما می‌گوید: «با عکس در ارتباط باشیم.»

عکس شناسنامه خلیفه غریب از آلبوم نوه دختری‌شان (کرووش ظفری) است.

A photograph of Khalifa Gharib's birth certificate from the personal album of his grandson (Kuroosh Zafari).

۱. والتر بنیامین که در برلین به دنیا آمده است یکی از دانشمندان سده بیستم می‌باشد. او منتقد ادبی با رویکرد فلسفی داشت و دارای چندین کتاب و ایده‌هایی را در قالب رساله، مقاله و نقد ادبی مطرح کرد که تا به امروز نیز در عرصه‌های مختلف علوم انسانی تاثیر گذار بوده است.

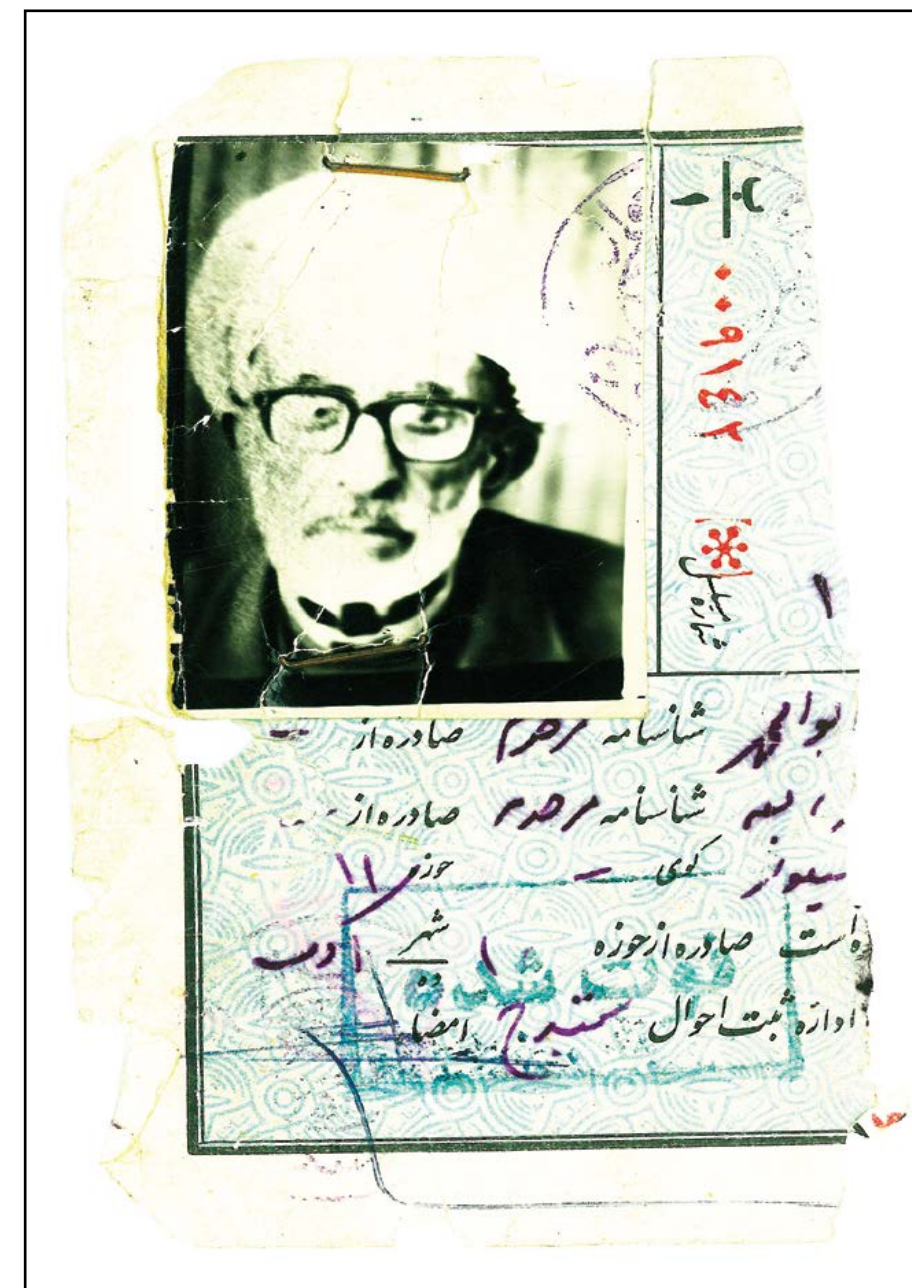
Everlasting Faces of Dervishes

The photos in this section are part of the personal family albums of Sheikh Mukhtar Hashemi and the late disciples of Qadiri Order of Solaei Dolab in Iranian Kurdistan region (Sanandaj, Qorwa, Kamiyaran, Kermanshah, Saqqez, West Azerbaijan and their surrounding villages). The photos were obtained after traveling to the mentioned areas from the children and relatives of the disciples. Most of the photos are damaged or unavailable, and of the 3,650 photo photos collected, only a few were selected to include in this book based on the subject matter and content. Most of these people were from different classes of society: farmers, civil servants, and business men.

Walter Benjamin¹ (1892–1940) believes that with the disappearance of the original element of art i.e. the "Aura", works of art become dependent on other factors such as politics, instead of relying on the most important function it has which is the ritual function. The term "Aura" was used by Walter Benjamin in his influential 1936 essay 'The Work of Art in the Age of Mechanical Reproduction'. Benjamin asserts that "Even the most perfect reproduction of a work of art is lacking in one element: its presence in time and space, its unique existence at the place where it happens to be (Benjamin, 1968: 220)". On this bases, The aura of a work is having a certain history (time and space) and by reproducing it in the digital age will cause its authenticity to be degraded. The politicization of aesthetics is the inevitable characteristic of the era of mechanical reproduction and replication. As a reflection of the world, photographs have limitations and keep us in the past, but photographs bring the past to the present moment and confront us with the passage of time and the stillness of what is gone. According to Benjamin's point of view, the photo takes the material existence and the social world as its subject in order to consciously scrutinize them and remove the aura of their sanctity and dreaminess. The political power of photography, in the form of a mechanical reproduction, is what makes art available to the masses. Benjamin tells us: "to communicate and interrelate with the photo."

(Walter Benjamin, who was born in Berlin, was one of the scientists of the 20th century. He was a literary critic with a philosophical approach, and wrote several books and ideas in the form of treatises, articles and literary criticism, which are still influential in various fields of humanities today).

1. Benjamin, Walter. (1968). *The Storyteller: Reflections on the Works of Nikolai Leskov*. Illuminations. Ed. Hannah Arendt. New York: Schocken Books, 1968: 83–109.



عکس از آلبوم درویش محمد یوسفی اهل روستای الک (کامیارن) است.

A photograph from the personal album of dervish Muhammad Yousefi from Alk village (Kamyaran).

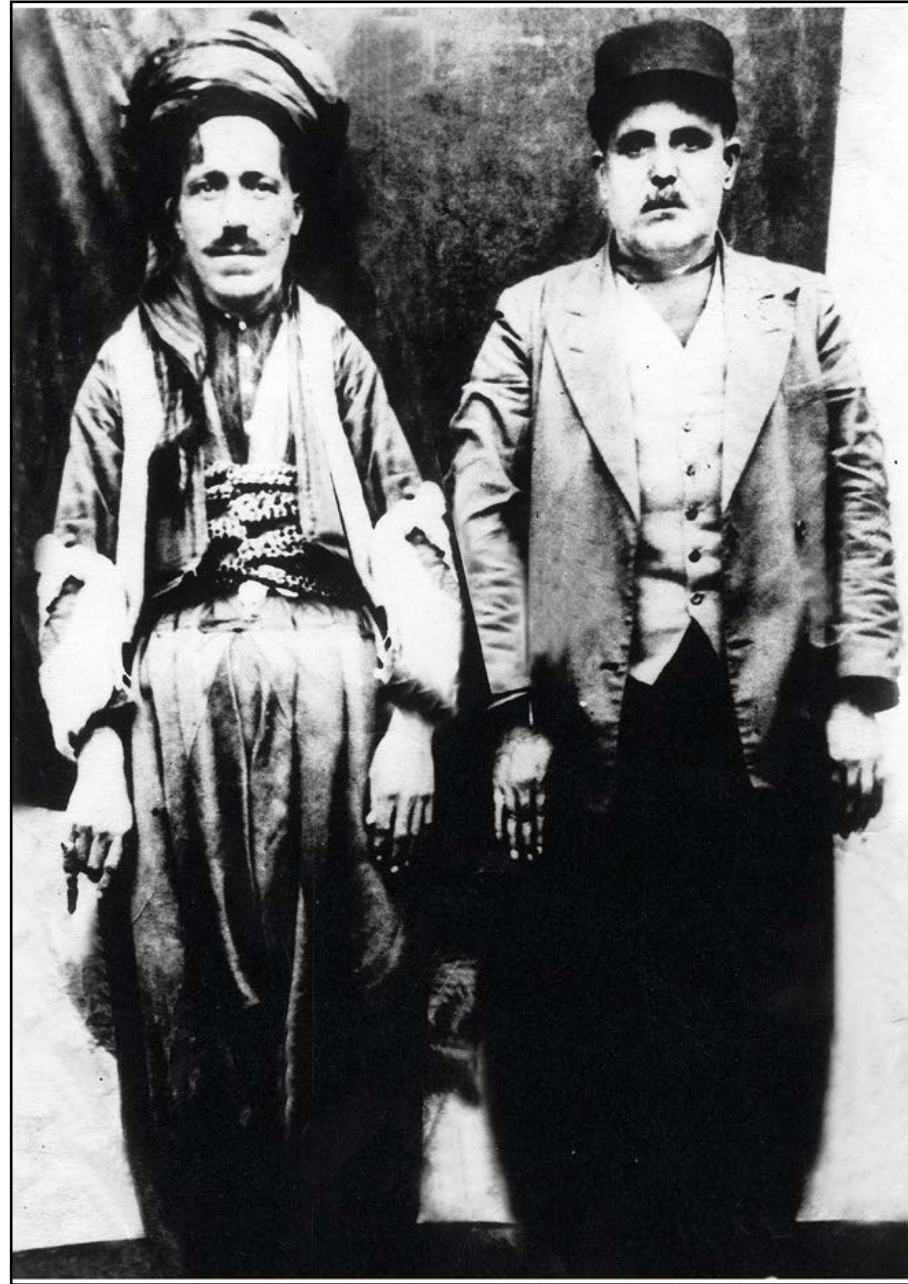


شیخ محمدعلی باقر
شیخ محمدآقا

شیخ محمدعلی باقر
شیخ محمدآقا

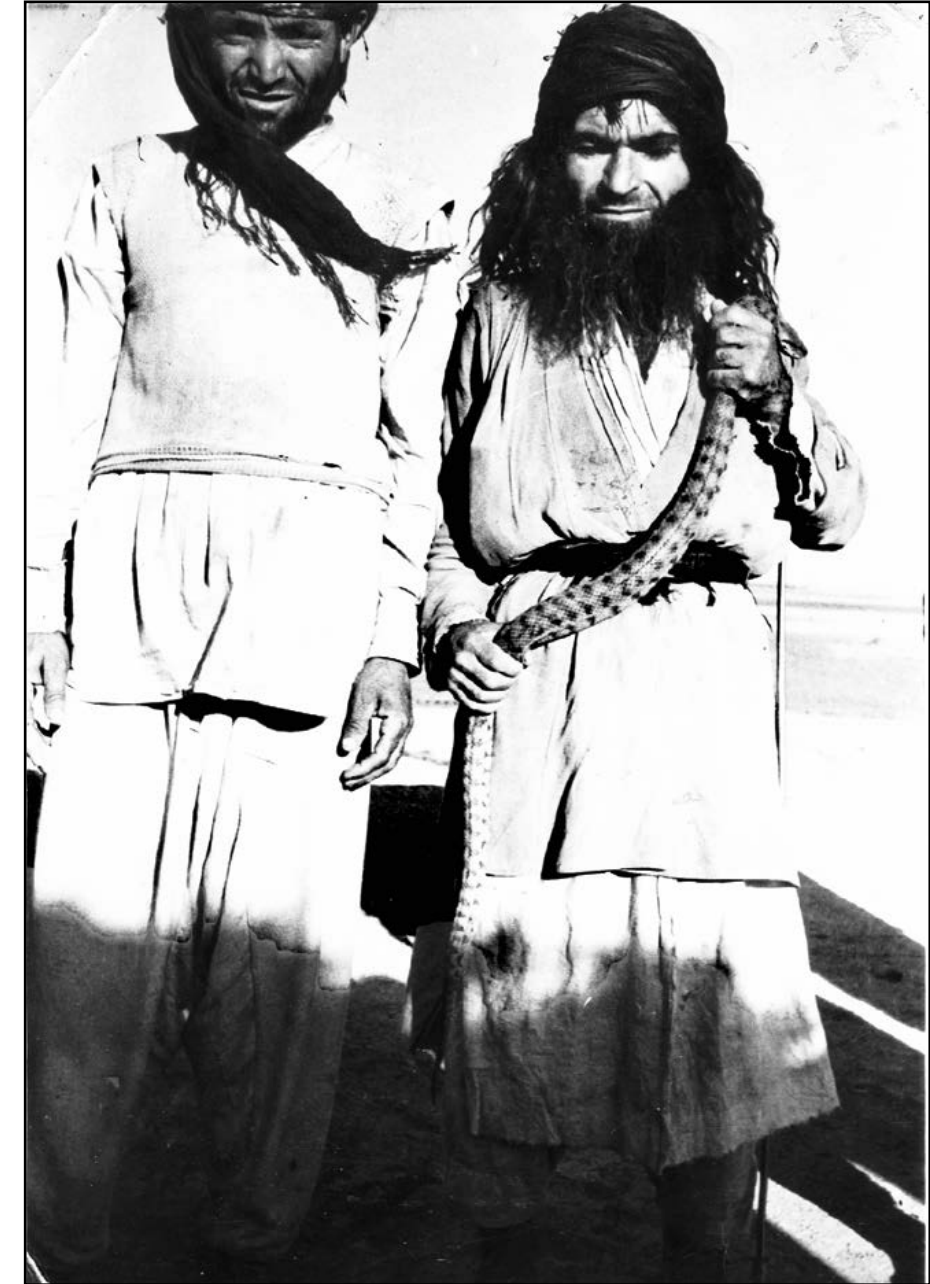
شیخ محمدعلی باقر

شیخ محمدعلی باقر
شیخ محمدآقا



عکس از آلبوم درویش خلیفه نعمت محمدی مربوط به پدربزرگشان است. میرزا رحمت محمدی مرید شیخ سید محمد هاشمی (محبی الدین) اهل روستای نیر است.

A photograph from the personal album of Khalifa Nemat Muhammadi's of his grandfather, Mirza Rahmat Muhammadi, who was a disciple of Sheikh Seyed Muhammad Hashemi (Muhyiddin) from the village of Niyar.

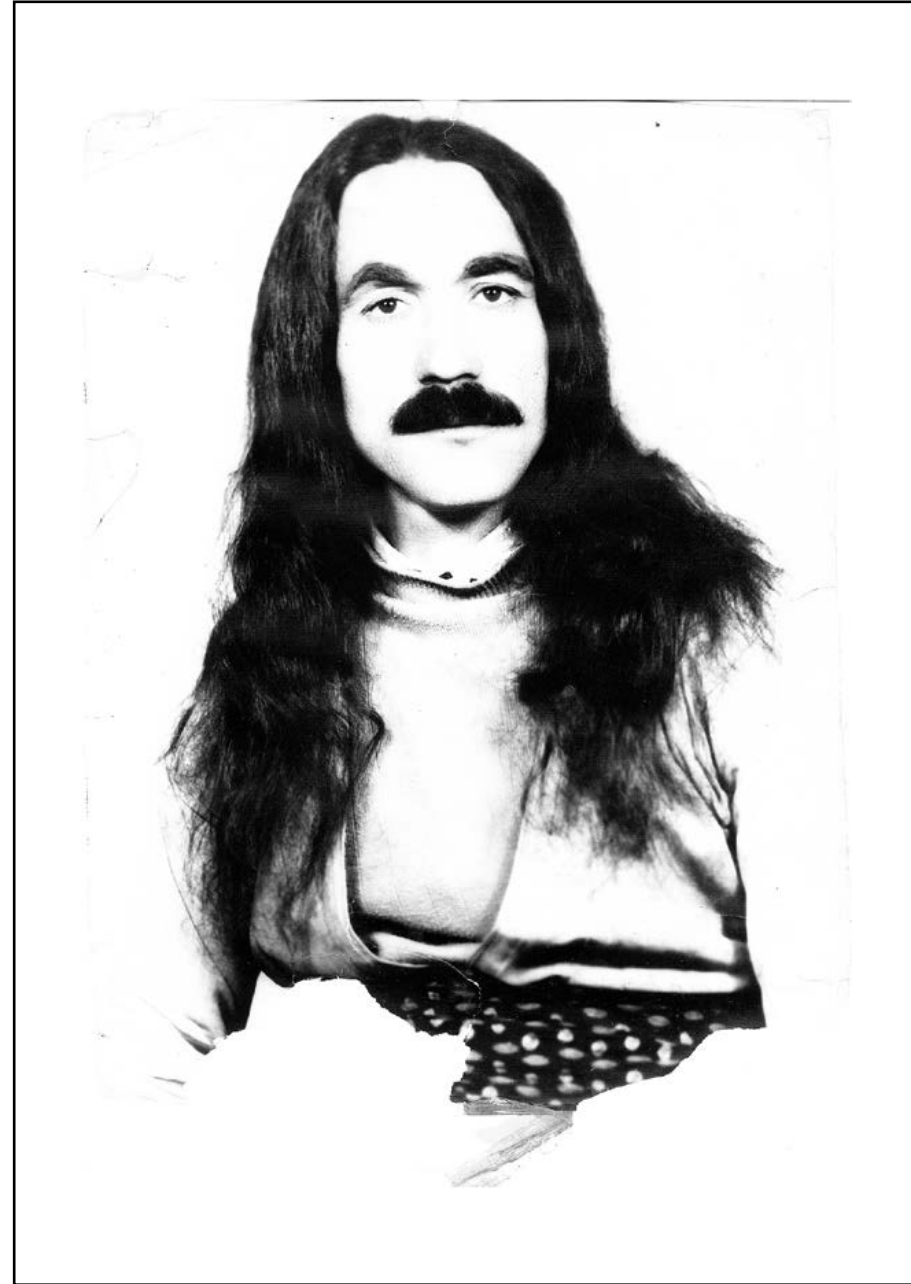


عکس از آلبوم سید فرید هاشمی نوه دختری شیخ محمد هادی اهل کرمانشاه از دو درویش معروف قادریه سوله دولاب، یکی درویش برای (برادر) دینی و دیگری درویش عنایت است.

A photograph from the personal album of Seyed Farid Hashemi, granddaughter of Sheikh Muhammad Hadi from Kermanshah of two well-known dervishes of the Solai Dolab Qadiri Order: Baradar Dini and Inayat.

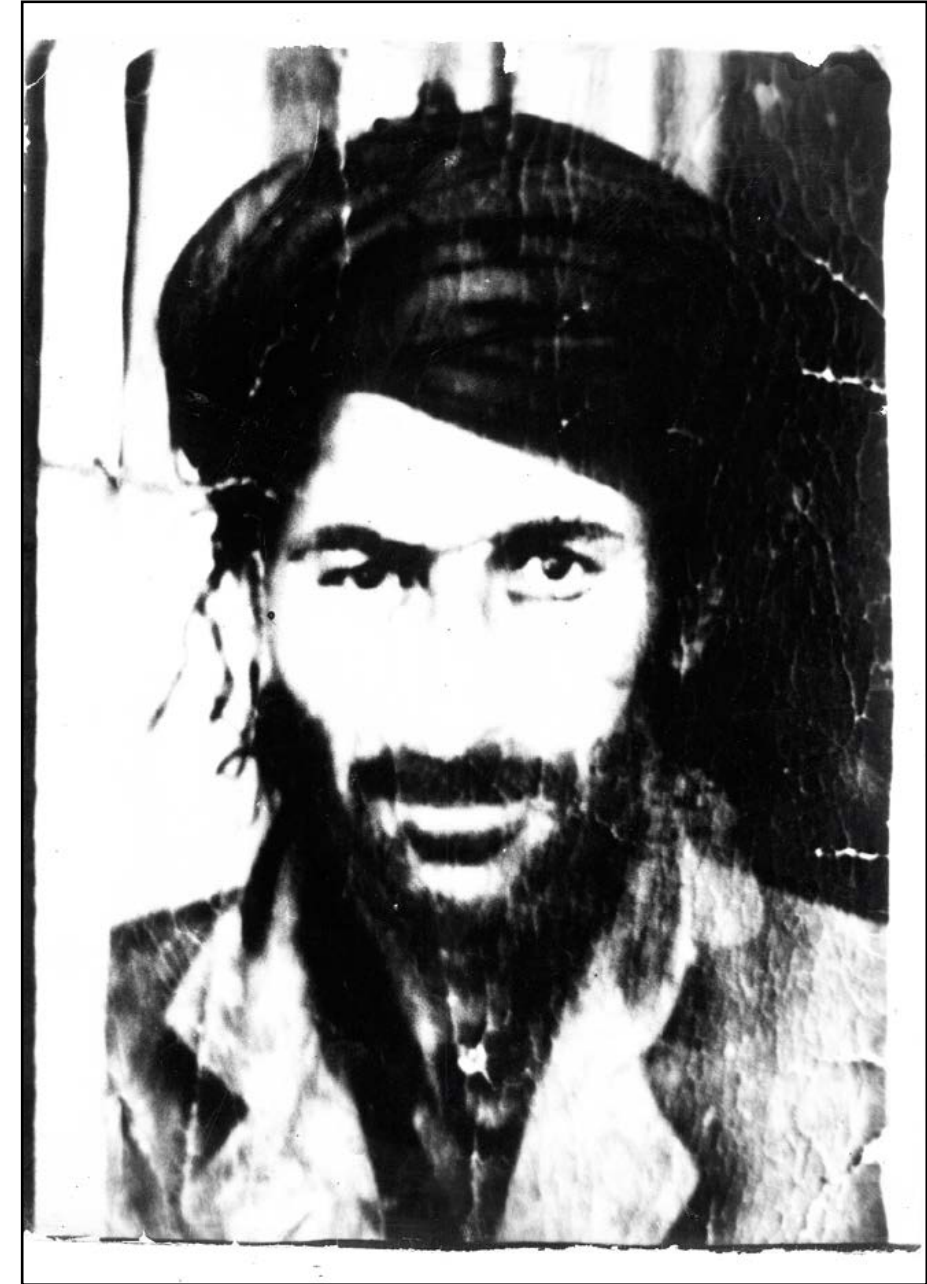
عکس دسته جمعی: عکس از آلبوم درویش اقبال فرزند حاج خلیفه رحمان خاور، اهل سقز، است (حدوداً ۶۰ سال پیش).

A group photograph: photos from the album of dervish Iqbal son of Khalifa Rahman Khavar, from Saqqez (of approximately 60 years ago).



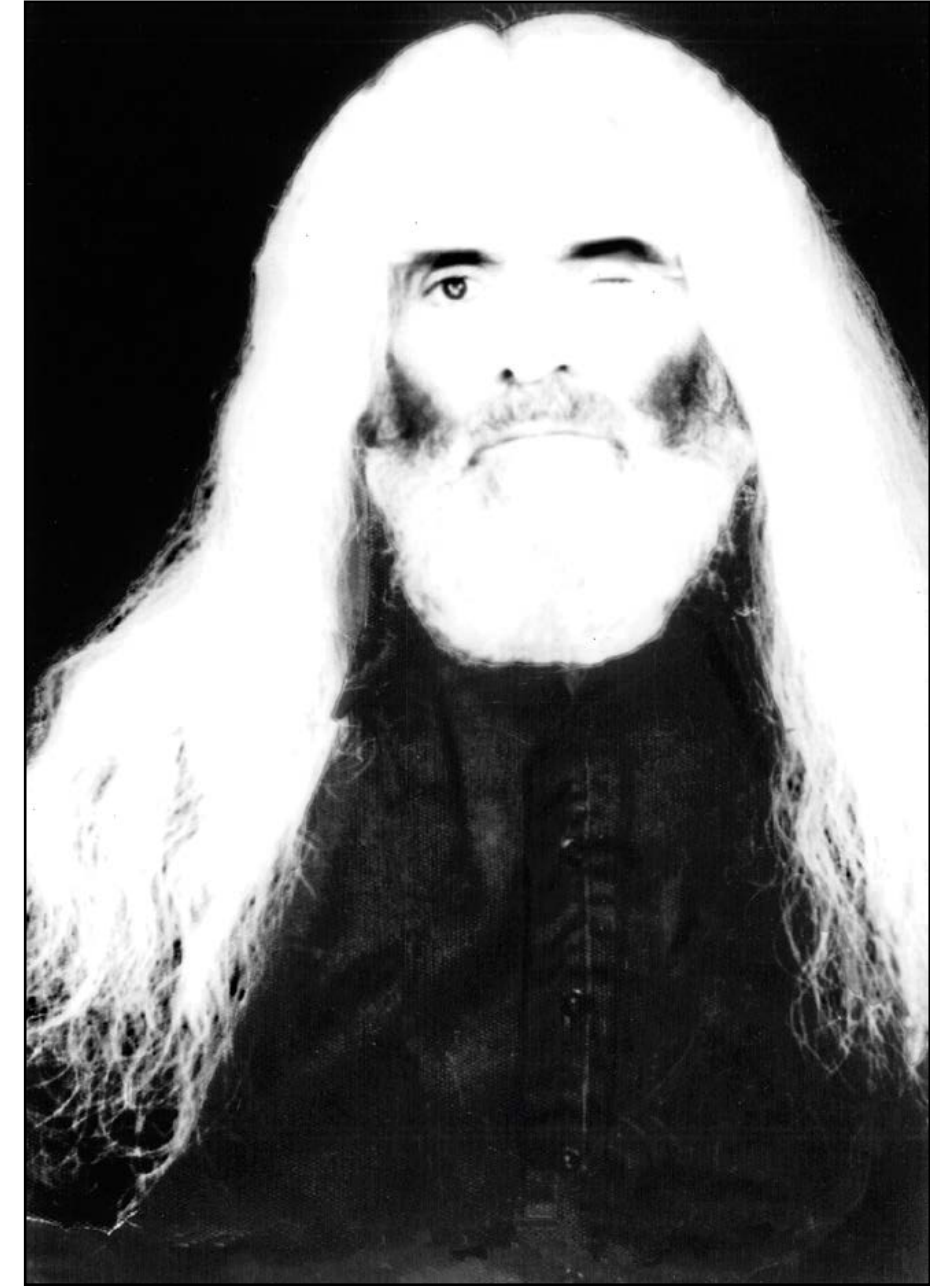
عکس درویش علی اکبر صحرائی (زلیخا) اهل روستای توبره ریز (کامیاران) است.

Photograph of dervish Ali Akbar Sahrai (Zulikha) from the village of Tobra Riz (Kamyaran).



عکس از آلبوم درویش حبیب پرویزی اهل روستای الک است.

A photograph from the personal album of dervish Habib Parvizi of Alk village (Kamyaran).

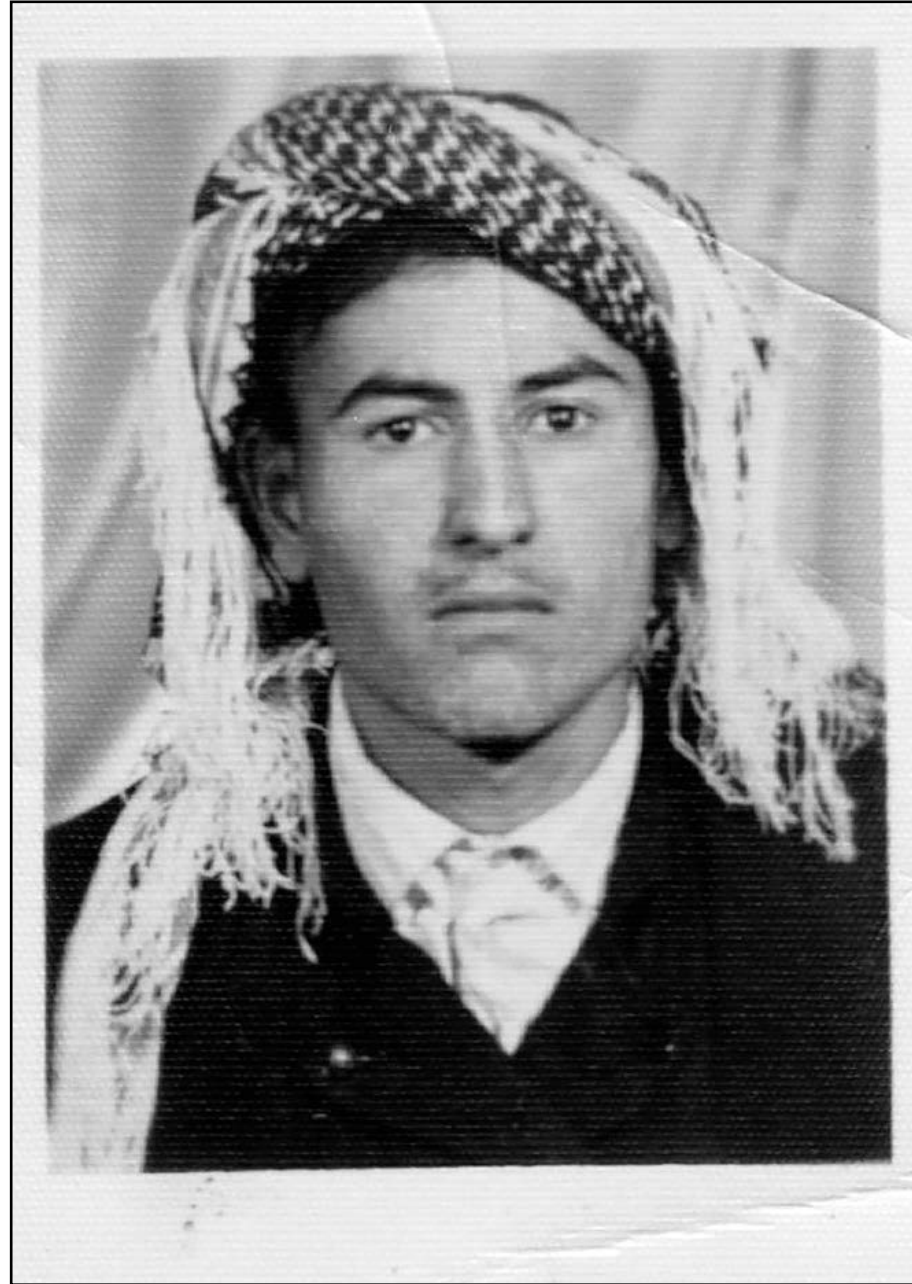


عکس از آلبوم خلیفه صلاح غلام شهبازی مربوط به پدرشان است. خلیفه محمد باقر غلام شهبازی اهل سنندج از خلفای قدیمی شیخ محمد هادی هاشمی که در نوجوانی که خود درویش شیخ محمد زانخور بودند.

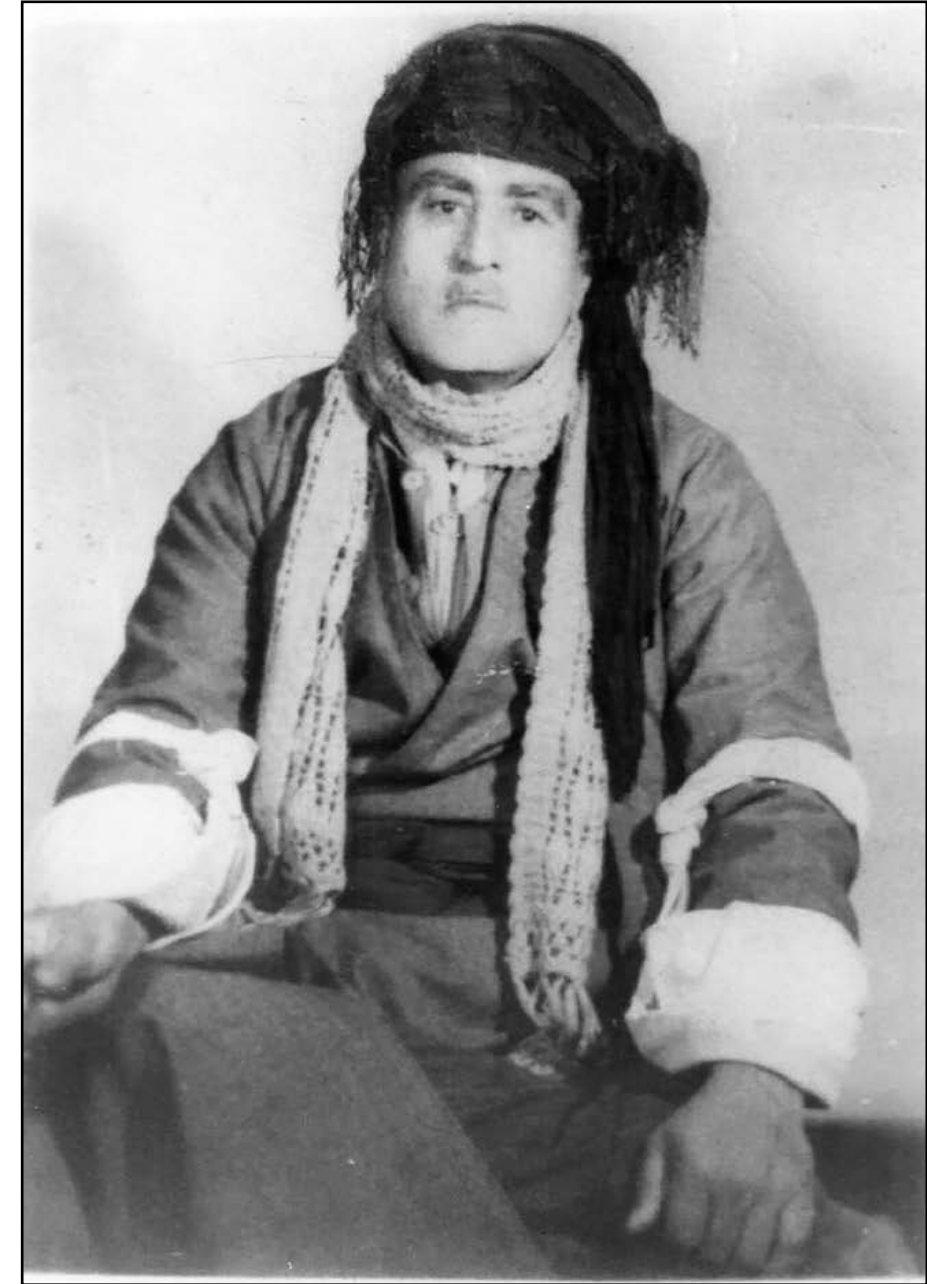
A photograph obtained from dervish Salah Gholam Shahbazi's album of his late father, Khalifa Muhammad Baqir Ghulam Shahbazi from Sanandaj who was an appointed Khalifa of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi and a disciple of Sheikh Muhammad Zadnakhor in his youth.

عکس از آلبوم خلیفه عباس صادقی اهل روستایی شانوره از توابع قروه است.

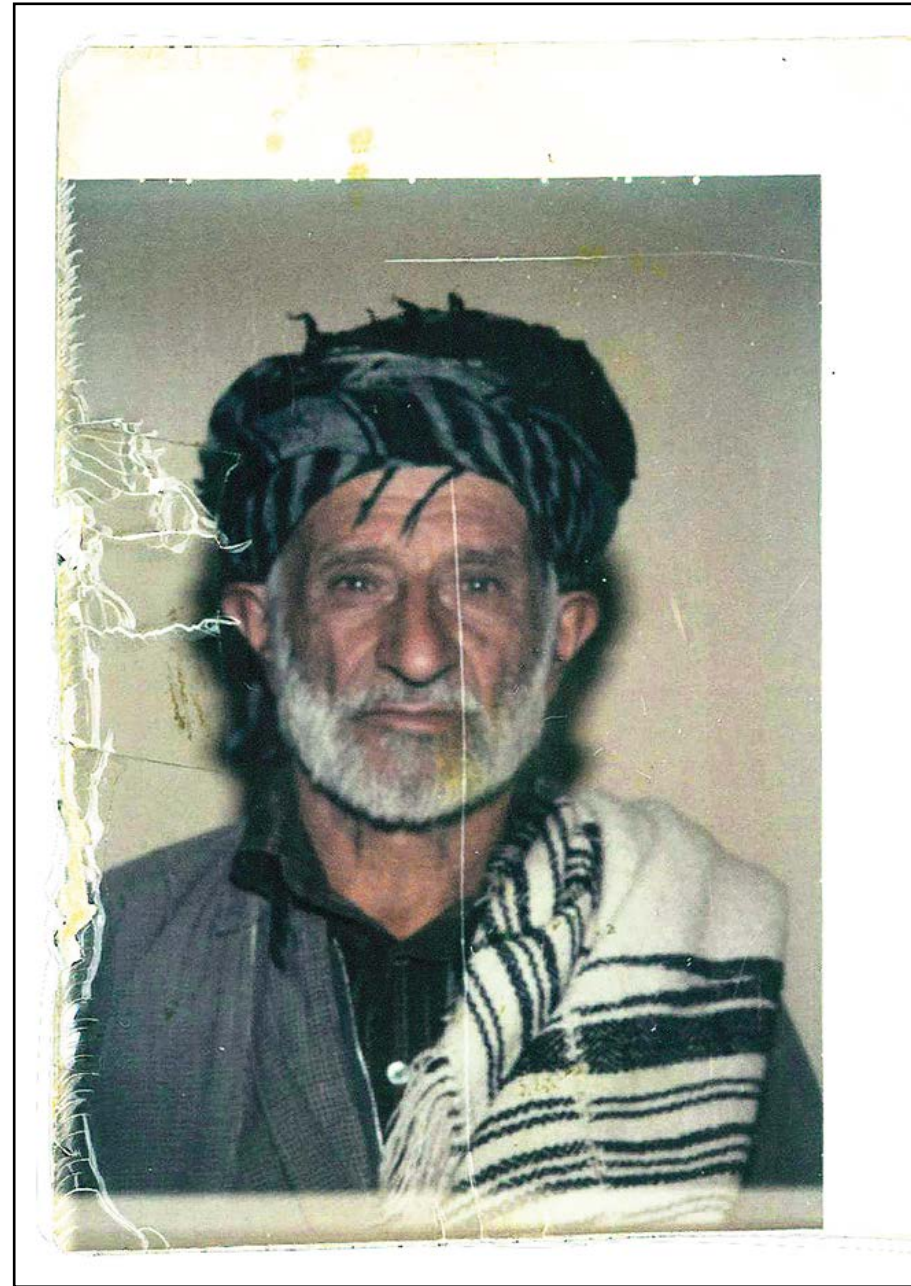
A photograph from the personal album of Khalifa Abbas Sadeghi from Shanavareh village in Qorwa.



عکس از درویش قدیمی که اطلاعاتی از او یافته نشد.
A photograph of an old dervish whose information could not be obtained.

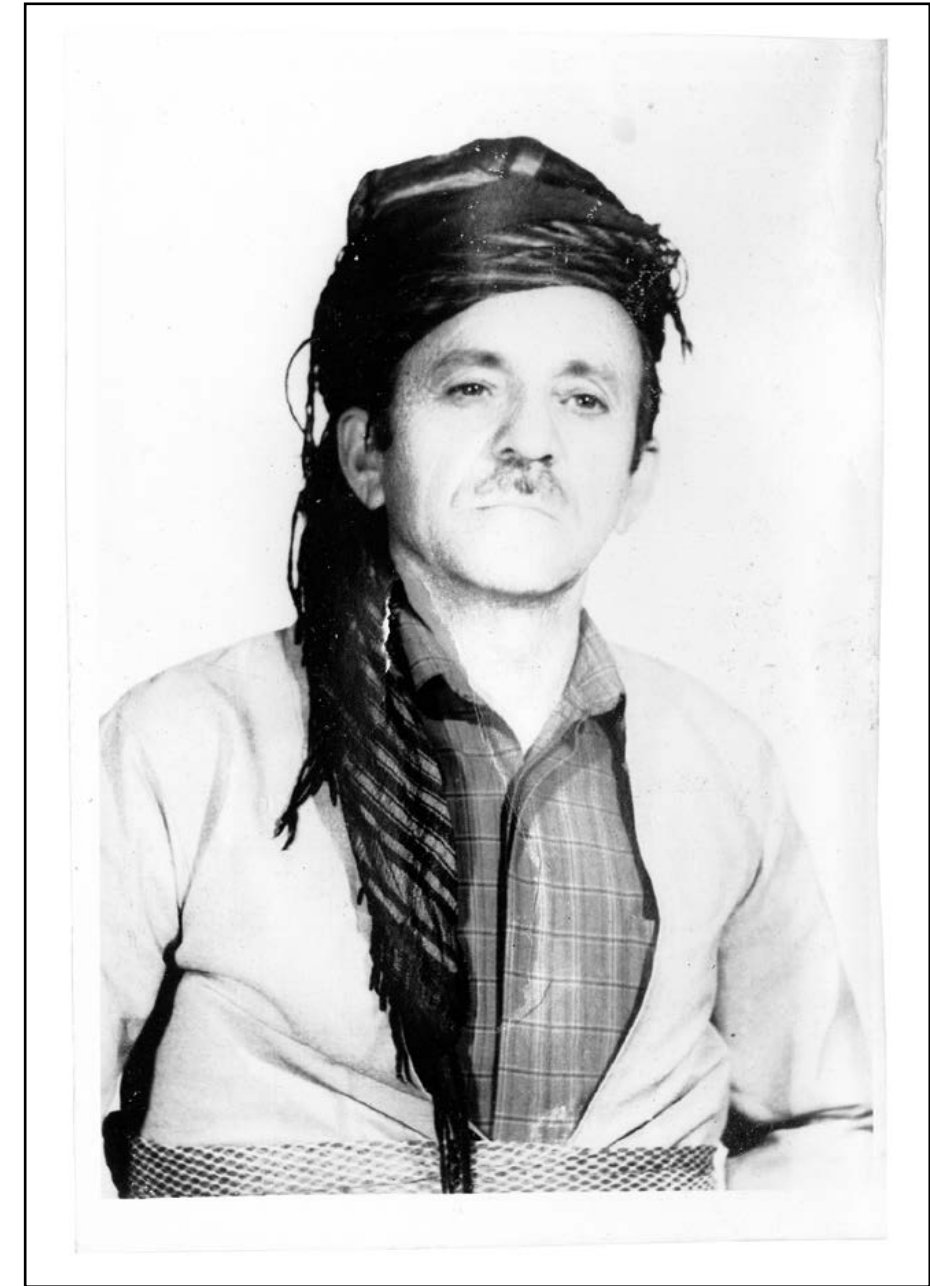


عکس از آلبوم درویش سید محمد زیبری (روستای کروندان، شهرستان دهگلان).
A photograph from the personal album of Sayed Muhammad Zubeiri (Karondan Village, Dehgolan)



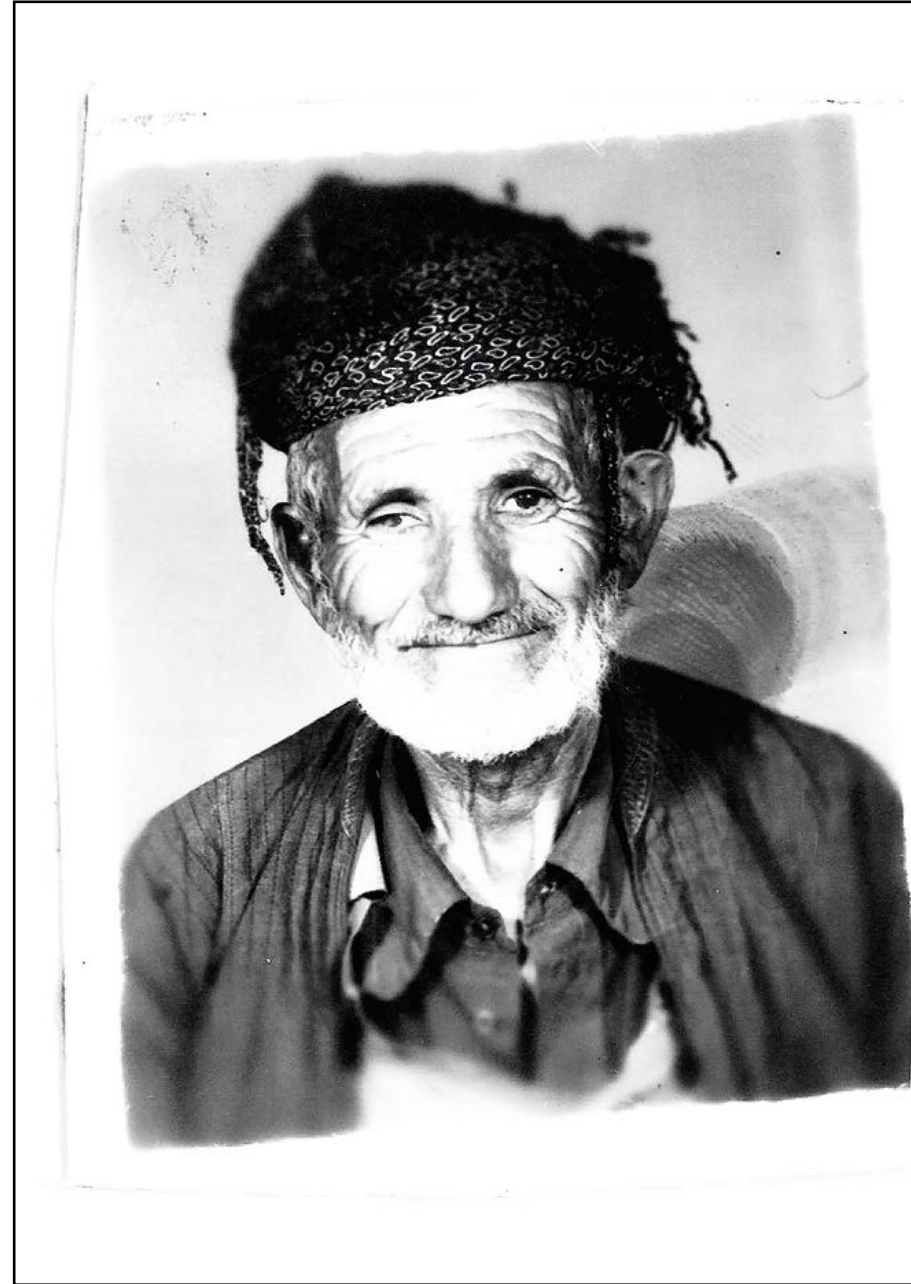
عکس از آلبوم خلیفه جعفر منبری اهل روستای نیراست.

A photograph from the personal album of Khalifa Jafar Manbari from Nair village.

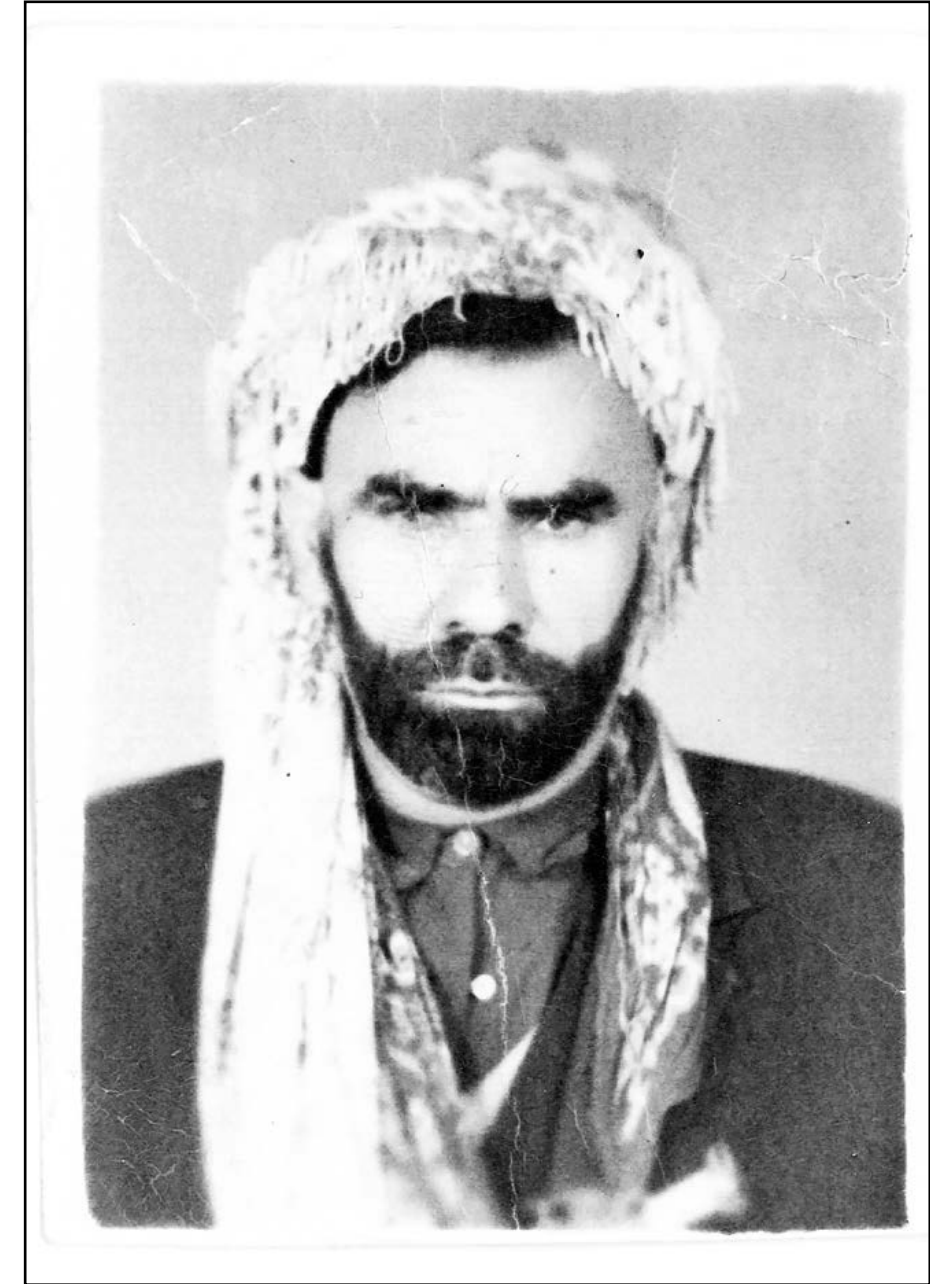


عکس از آلبوم خلیفه نعمت محمدی مربوط به پدرشان است. عکس حاج خلیفه محمد رشید محمدی اهل روستای نیر است.

A photograph from the personal album of Khalifa Nemat Muhammadi's of his father, Haj Khalifa Muhammad Rashid Muhammadi' from Nair village.



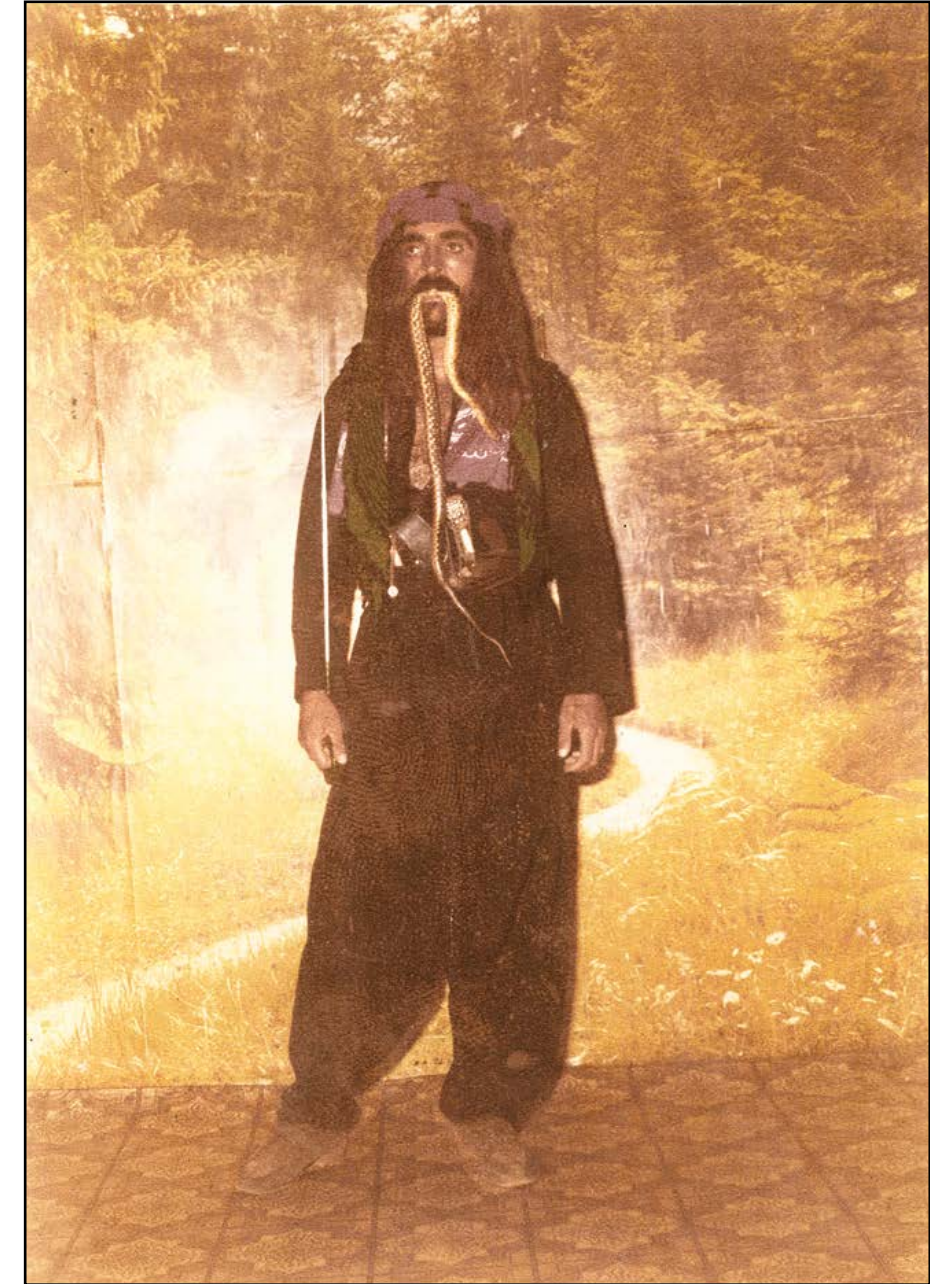
عکس از آلبوم درویش کاکه عبدالله اهل روستای ماراب است.
A photograph from the personal album of Kake Abdullah of Marab village.



عکس از آلبوم درویش خلیفه فرخ در شهر کامیاران اهل روستای ماراب است.
A photograph from the personal album of Khalifa Farrokh of Marab village resident of Kamyaran City..



عکس از آلبوم درویش اقبال رحمان خاوراهل سقز است. عکس مربوط به پدرشان حاج خلیفه رحمان خاور می باشد.
A photograph from the personal album of dervish Iqbal son of his father Haj Khalifa Rahman Khavar.

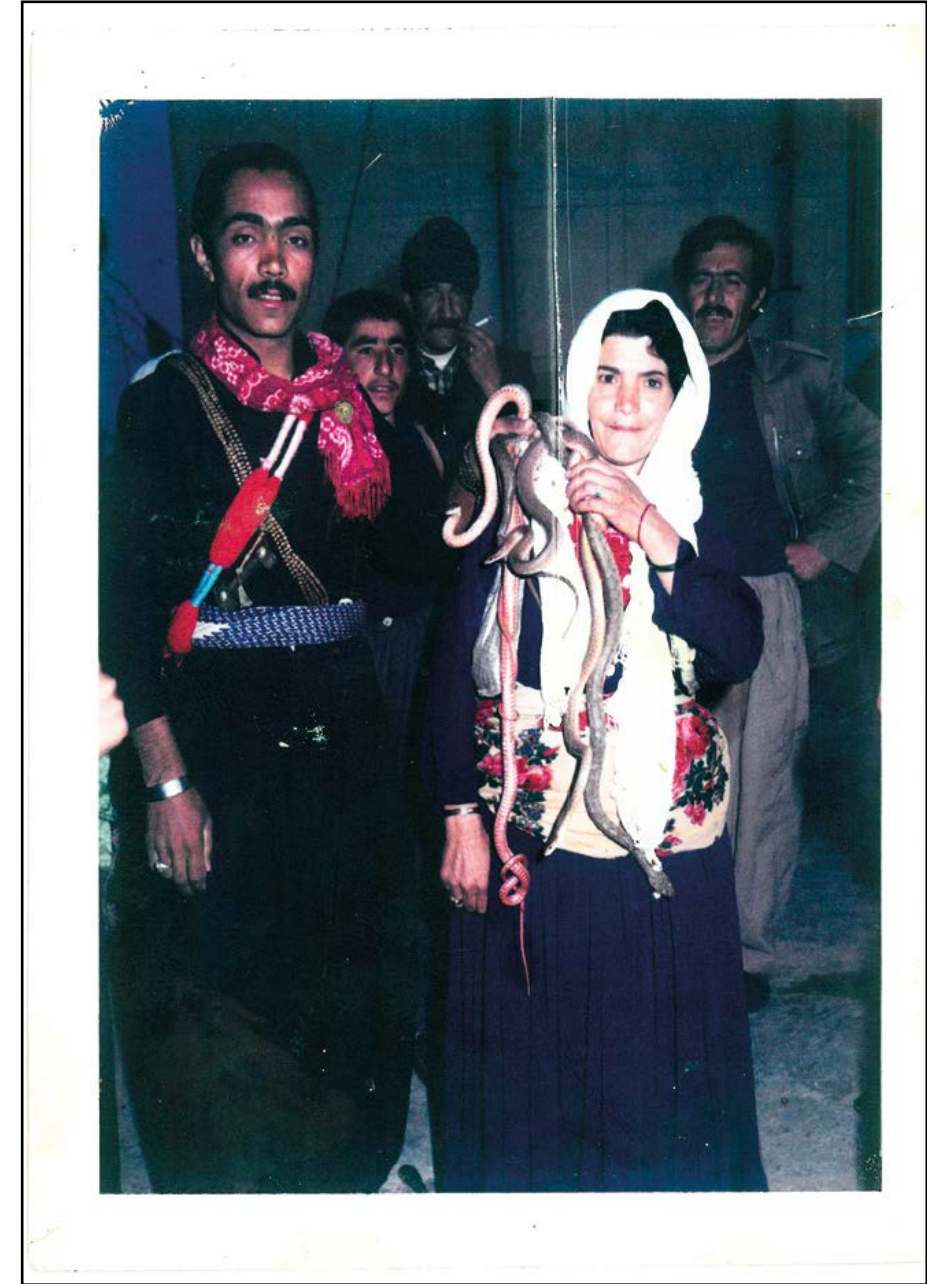


عکس از آلبوم درویش عایشه مدرسه اهل سقز است. درویش قدیمی که اطلاعاتی از او یافته نشد.
A photograph from the personal album of dervish Ayesha Madresa from Saqqez. No information could be found on the old dervish in the photograph.



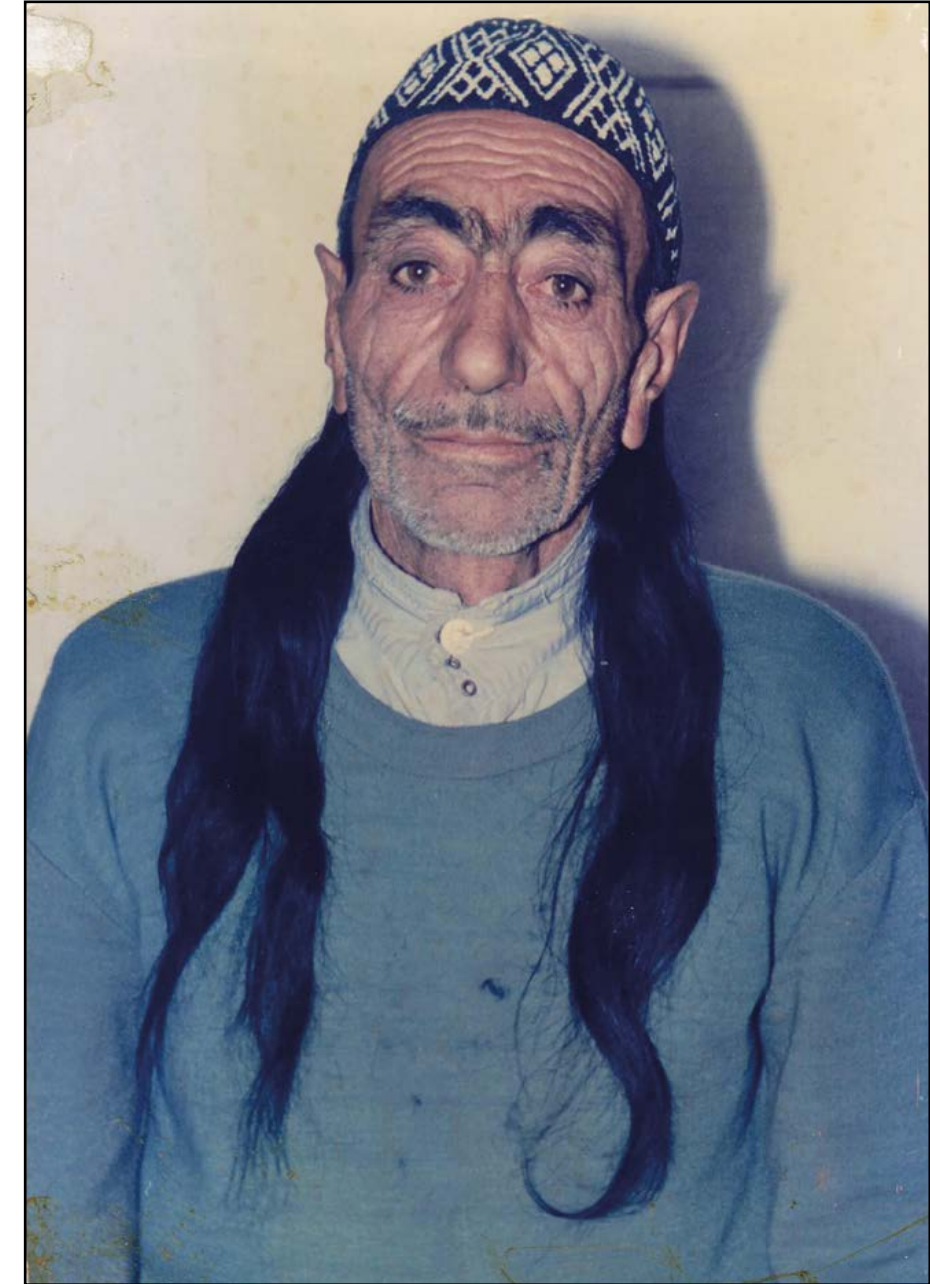
عکس از آلبوم درویش عایشه مدرسه اهل سقز است. درویش قدیمی که اطلاعاتی از او یافته نشد.

A photograph from the personal album of dervish Ayesha Madrasah from Saqqez. No information could be found on the old dervish in the photograph.



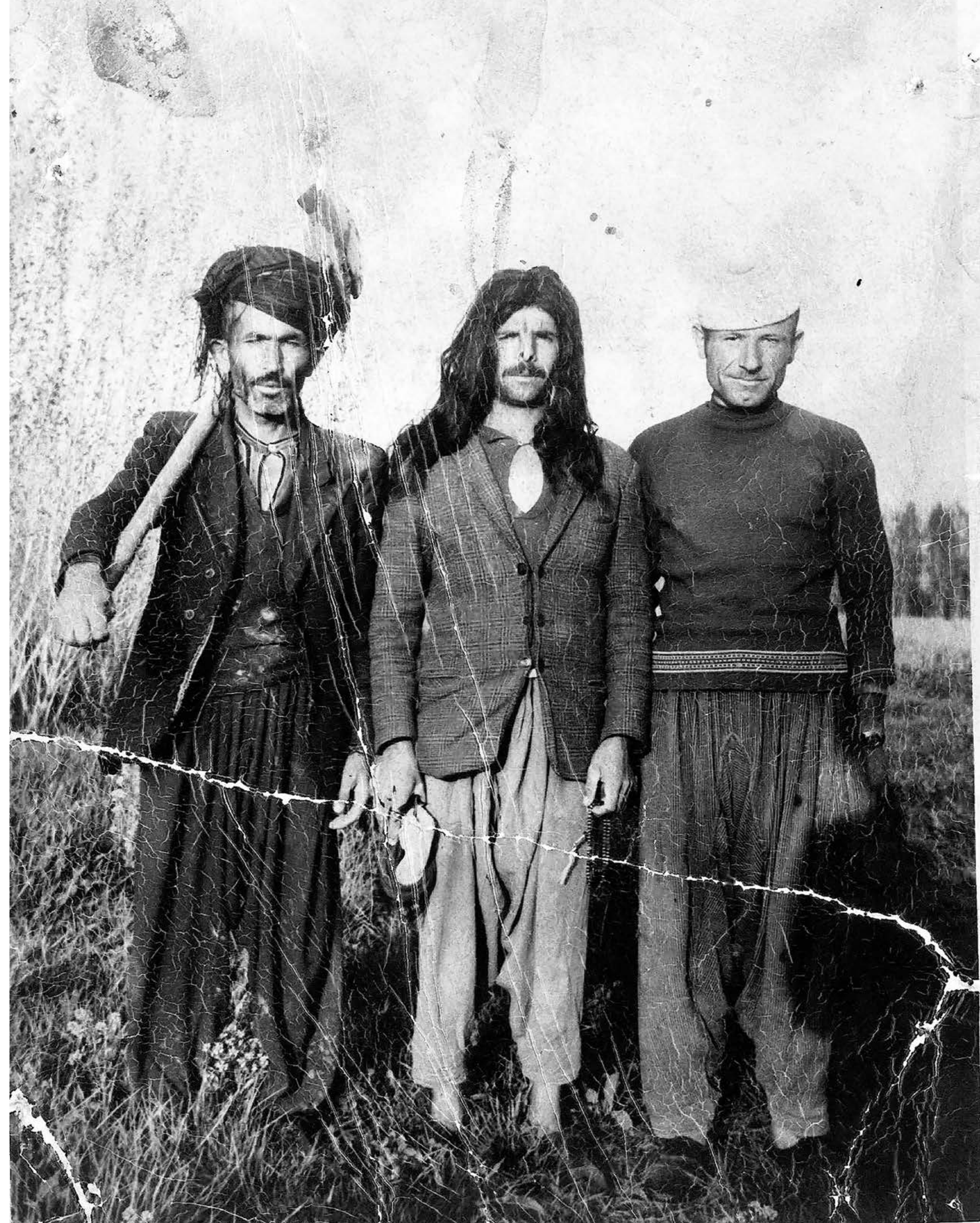
عکس درویش عایشه مدرسه، اهل سقزو درویش حیدر مارابی است.

photograph of dervish Ayesha Madresa from Saqqez and Dervish Heidar Marabi.



عکس از آلبوم درویش احمد بصیری اهل سقز است. دو نفر شناسایی شد: درویش حسن طه‌زاده (نشسته) و پشت او درویش صدیق الیاسی.
A photograph from the personal album of dervish Ahmad Basiri from Saqqez. two persons are identified: dervish Hassan Tahazadeh (sitting) and dervish Sadeq Alyasi standing behind him.

عکس از خلیفه علی شاهجویی از خلفای متدین که ساکن شهر کرمانشاه بود.
A photograph of Khalifa Ali Shahjoei, a prominent Khalifas living in Kermanshah City.



عکس درویش برزو قره‌ویسی اهل روستای گرگان (کامیاران) است.

Photographs from dervish Barzo Qaravisi from Gorgan village (Kamyaran).



عکس از درویش حاج محمد مظفری و همسرش درویش اسما در روستای درویان علیا، شهرستان کامیاران.
A photograph of dervish Haj Muhammad Muzafari and his wife dervish Asma from Upper Drauyan (Kamiran District).



عکس از آلبوم شیخ سید مختار هاشمی است. سمت چپ درویش حاج خلیفه رحیم مظفری و سمت راست درویش احمد سقز است (عکس از سفر معنوی ارشادی به شهر سقز در سال ۱۳۴۶ می باشد).

A photograph from the personal album of Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi. On the left is dervish Haj Khalifa Rahim Muzafari and on the right is dervish Ahmad Saqqez (photo from Ershadi spiritual journey to the city of Saqqez in 1965).



عکس از آلبوم خانوادگی درویش، خلیفه علی نوزری معروف به علی زینت است. سمت راست درویش خلیفه ناصر سپهری است.
A photograph of from the personal album of Khalifa Ali Nozari, more commonly known as Ali Zinat. On the right is Khalifa Nasser Sepehri.



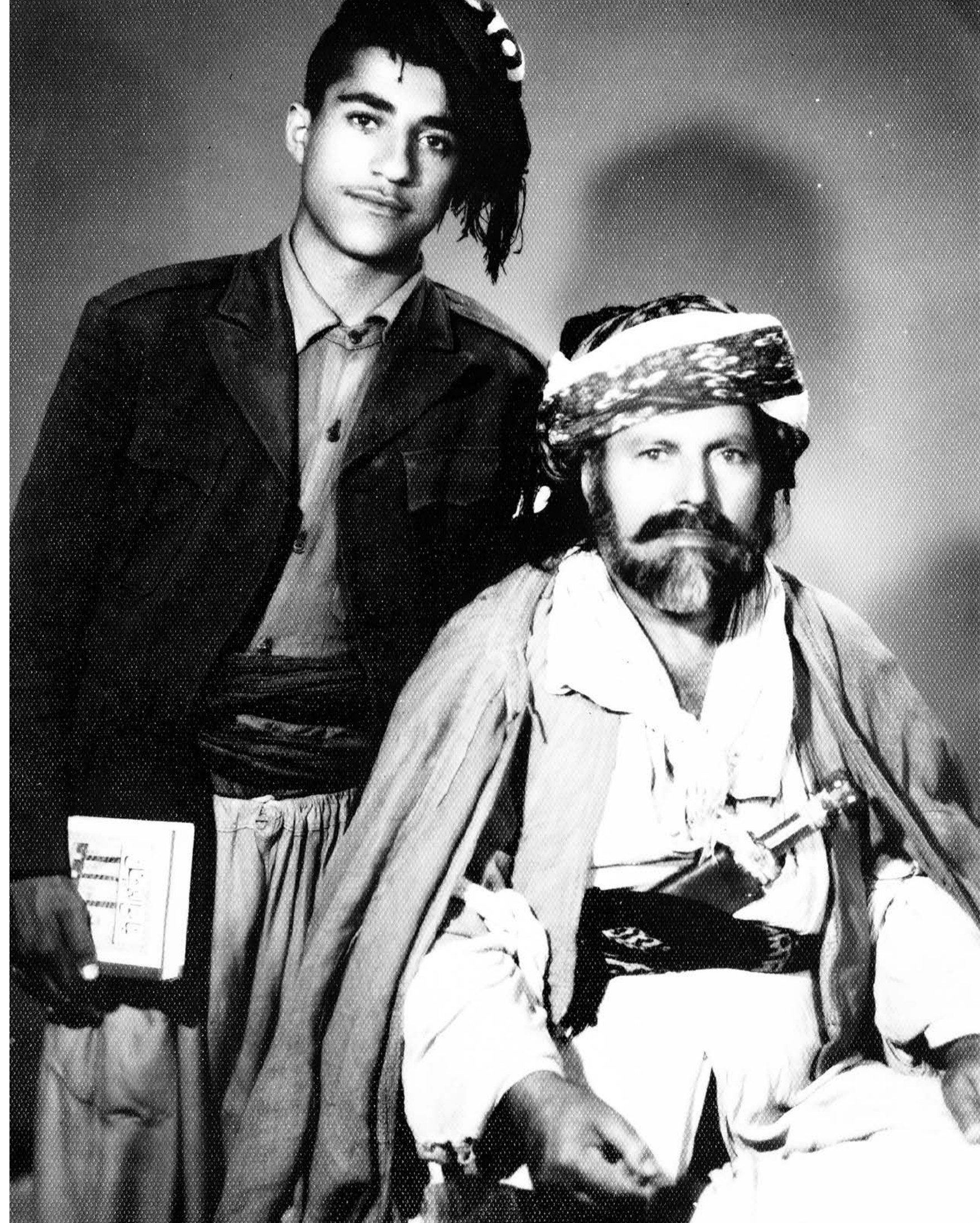
عکس درویش مولود کولوچه به همراه خانواده اهل روستای الک است.
A photograph of dervish Mawlood Koloocha with his family from Alk village.



عکس از آلبوم درویش خلیفه انوراهل سنندج است. نفر دوم از سمت چپ شیخ سید حسن هاشمی تمتم (داماد شیخ محمد هادی) است.
A photograph of from the personal album of Khalifa Anwar from Sanandaj. The second person on the left is Sheikh Seyyed Hasan Hashemi Tamtam (son-in-law of Sheikh Muhammad Hadi).



عکس از آلبوم درویش احمد بصیری اهل سقز است (دیدار دراویش در مراسم ارشادی در سال ۱۳۷۹).
A photograph of from the personal album of dervish Ahmad Basiri from Saqqez (dervish gathering at an Ershadi ceremony in year 2000).



عکس از آلبوم درویش سید فرید هاشمی اهل کرمانشاه از خلیفه غریب فانی با فرزندش خلیفه صالح (ایستاده) است. بر اساس مطالعات میدانی، او یکی از خلیفه‌های متدین، دیندار و متواضع شیخ محمد هادی است. خلیفه غریب در سال ۱۳۵۰ فوت شده است.

A photograph of Khalifa Gharib Fani with his son Khailfa Saleh from the personal album of dervish Seyyed Farid Hashemi from Kermanshah. According to field researches, Khalifa Gharib was a very pious and humble Khalifa of Sheikh Muhammad Hadi who died in 1971.

CHAPTER TWO - THE CUSTODIAN OF QADIRI ORDER SUFISM
Part One: Spiritual Awakening Journey (Ershadi)

فصل دوم (میراث دار تصوف قادریه)
بخش یک: سفر معنوی ارشادی



سفر معنوی ارشادی

این بخش شامل سفر ارشادی در ارایش است. آن‌ها معمولاً هر ساله در فصل زمستان نسبت به سفر ارشادی در منطقه‌ای مشخص شده از شهرها و روستاهای کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی اقدام می‌کنند؛ کشاورزی به عنوان شیوه اصلی تولید اقتصادی در گذشته، به صورت فصلی انجام می‌شده و به همین علت روستاییان می‌توانستند بعد از برداشت محصول به سفر بروند یا میزبان در ارایش باشند.

مکان‌های سفر ارشادی توسط شیخ و با مشورت خلیفه‌ها مشخص شده و برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود؛ به صورتی که منطقه‌ای از شهر و روستاهای اطراف در نظر گرفته می‌شود که اکثراً به دعوت و میزبانی هم مسلکان طریقتی صورت می‌گیرد. در سفرهای ارشادی شیخ می‌تواند شخصاً حضور داشته باشد یا نماینده‌ای برای ارشاد بفرستد، یعنی خلیفه ارشاد را تعیین می‌کند؛ لذا در زمانی که شیخ سید محمد هادی در انگلستان زندگی می‌کردند، خلفا یا نمایندگان ایشان این امر را انجام می‌دادند. سفر ارشادی محدودیت زمانی ندارد و شاید از یک ماه هم بیشتر به طول بینجامد، و یک مسیر جغرافیایی طی می‌شود و ماندگاری در روستا یا شهر بستگی به دعوت و استقبال مردم محلی می‌باشد.

بر اساس تحقیقات میدانی (مصاحبه با دکتر سید شیخ مختار)، شیخ عبدالقادر گیلانی در یکی از خطبه‌هایش می‌فرماید: "طریقت ما مبنی و بر اساس قرآن و سنت حضرت رسول اکرم (ص) است" و آن‌ها بر اساس سنت دعوت و تبلیغ دینی نسبت به این سفر اقدام می‌کنند، اما معنی ارشاد از دیدگاه استاد علامه، مفسر قرآن؛ سید شیخ طه هاشمی (ره) در کتاب «دف و درویشی» یعنی راهنمایی کردن، و نشان دادن راه راست به مسلمانان، آگاه نمودن آنان به اصول شریعت و طریقت و امور باطل و فاسدی که در جامعه اسلامی مشاهده می‌شود. در اصطلاح معنی و مفهوم «ارشاد» همان امر به معروف و نهی از منکر است و هر فرد مسلمان بالغ و عاقلی که به حد تکلیف رسیده است، لازم است حتی‌المقدور با ارشاد و راهنمایی هموعان و برادران مسلمان خود بپردازد.»

مسأله «ارشاد» در قرآن کریم در آیات متعددی به صراحت به پیغامبر اکرم (ص) مژده می‌دهد و خطاب به آن حضرت و امت مسلمان می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴). یعنی ای محمد (ص)، و ای امت مسلمان، باید از میان شما همیشه و در هر زمان گروهی باشند که مردم را به نیکوکاری و امور خیر دعوت نمایند؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر کنند، حق و باطل و نیک و بد را برای مردم بیان نمایند، صلاح و فساد و خیر و شرّ و ثواب را تذکر و توضیح دهند.

سماع

معمولاً در ارایش در سفر ارشادی ذکر سماع انجام می‌دهند. آن‌ها پس از رسیدن به محل مشخص شده همانند مسجد، خانقاه یا تکیه یا منزل شخصی که در آن دعوت هستند، حلقه‌ی ذکر سماع را تشکیل می‌دهند. مناسک (فرم و نوع) سماع قادری دایره‌ای است؛ فرم دایره‌ای اصلی‌ترین گونه سازماندهی فضایی یک ذکر (رقص) عرفانی است. هدف ذکر سماع قبل از هر چیز کشاندن ذاکر به تمرکز بر اسم اعظم الله است.

سماع یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات عرفانی است؛ رقص سماع (ذکر قیام) در عرفان و تصوف دریافتی جدید از حال و هوای روحانی است که در گذر زمان به صورت آیینی نظام‌مند و هدف‌دار در بین طریقت‌هایی همچون قادریه و مولویه

اجتماع در ارایش در خانیه واقع در منطقه روانسر از توابع کرمانشاه (۵۳۸ کیلومتری تهران)، (اوایل دهه ۱۳۴۰).

Members of the community (disciples) gathering in Khanila, located in the town of Ravansar, Kermanshah Province (538 kilometres from Tehran), (early 1960s) (1961).

مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. سماع به معنای شنیدن، رقص و سرور و وجد مجاز است، و به کسر اول در فارسی، به معنای سرود و نغمه آمده است. در فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی نیز آمده است: «سماع آوازی است که حال شنونده را منقلب گرداند همان صوت با ترجیع است».

سماع در طریقت قادریه حالت جذبه، اشراق، از خویشتن رفتن و فنا به شکل غیرارادی است که اختیار عارف تأثیری در ظهور آن ندارد، ولی بزرگان صوفیه از همان دوره‌های قدیم به این نکته پی برده‌اند که اضافه بر استعداد صوفی و علل و مقدماتی که او را برای منجذب شدن قابل می‌سازد در ظهور حال فنا مؤثر است. پیدا شدن «حال» و «وجد» عوامل دیگری از جمله موسیقی، آواز خواندن و پایکوبی نیز مؤثر هستند که همه آن‌ها تحت عنوان «سماع» قابل تعریف است. سماع یکی از اصول مهم تربیتی صوفیه به شمار می‌آید.

به گفته درویش اصل و مبنای طریقت قادریه بر پایه پیروی از قرآن، سنت و احادیث نبوی است و انجام مراسم مذهبی، مناجات و مراسم ذکر درویشی که در نهایت به سماع ختم می‌شود را در همین راستا می‌دانند. اهل طریقت و سلوک، هیچ عملی را انجام نمی‌دهند، مگر اینکه در کتاب خدا یا سنت پیامبر اکرم(ص) به آن اشاره‌ای شده و مجوزی برای آن داشته باشند. سماع هر چند در بین افراد ظاهرین، موضوعی مورد مناقشه است.

افرادی چون ویکتور ترنر (۱۲۹۹-۱۳۶۲)، مردم شناس فرهنگی بریتانیایی، و آرنولد وان جنپ (۱۲۵۲-۱۳۳۶)، قوم شناس و فولکلورشناس هلندی-آلمانی-فرانسوی، معتقدند که مراسم ذکر قادریه به نوعی از ویژگی‌های یک «مناسک گذار» برخوردار است. درویش قادری در حالت سماع از جایگاه قبلی خود خارج می‌شود و با حرکت‌های جهشی و حرکات سر، خود را از تعلقات رها می‌کند و روح خود را به پرواز درمی‌آورد. اصطلاح گذر یا گذار در واقع گذشتن و درآمدن از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر از حیات زیستی و فرهنگی است، که با آیین‌ها و مراسم ویژه‌ای همراه می‌شود. این مناسک، مربوط به تغییر و تحول موقعیت اجتماعی یا جنسی یک فرد هستند.

سماع در درویش قادریه دارای اصولی است که وقار، متانت، خلوص و استغنا انسان، از بدیهی‌ترین اصول آن به شمار می‌رود. درویش، سماع را وسیله‌ای برای تمرین رهایی و گریز می‌داند و با جان و دل به سماع می‌پردازد. وی معتقد است که به واسطه سماع، از دلبستگی آب و گل و تعلق ماده آزاد می‌شود و پله‌پله تا بام عالم قدس عروج می‌نماید. سماع قادری‌ها ابزارهایی کلامی و غیرکلامی دارد که اولین و مهمترین آن‌ها موسیقی و شعر است؛ اعم از ذکر، دعا، تلاوت قرآن، آوا و موسیقی. حرکت و وجد نیز از ابزارهای مهم غیرکلامی سماع هستند.

ارکان سماع عبارتند از: شیخ و راهنما، ذکر، زمان و مکان، موسیقی و آوا، اشعار، حرکت و وجد. ذکر، به عنوان مهمترین رکن، نقشی اساسی در سیر و سلوک یک درویش دارد؛ چنان که پدید آمدن حالات و تغییر و تحول درونی را مدیون ذکر هستند، چرا که خداوند به نحو اسرارآمیزی در اسماء خود حضور دارد. آن‌ها ذکر را باعث ایجاد نور در دل سالک می‌دانند و این نور او را به قرب حق نائل می‌کند. ذکر نشانه‌ی محبت به خداوند است. ذکر سماع با دف نوازی و همراه با طبل آغاز می‌شود و آوای موسیقی نحوه حرکت در سماع را دیکته می‌کند.

شعر بخشی از سماع است که با محتوایی حاکی از عشق وافر آن‌ها و با لحنی سوزناک ادا می‌شود و اگر این اشعار گیرا باشد، به طوری که نوازندگان را سر شوق بیاورد، باز هم حلقه ذکر را برای سماع بعدی تشکیل می‌دهند.



عکس از سفر معنوی ارشادی به شهر سنندج در سال ۱۳۶۴ است، زمانی که شیخ هادی هاشمی در لندن زندگی می‌کردند.

A photograph from Ershadi Spiritual Journey to Sanandaj City in 1985 when Sheikh Muhammad Hadi lived in London.



عکس از سفر معنوی ارشادی در دهه ۱۳۵۰ می باشد. از چپ نفر دوم حاج خلیفه فرخ کامیاران، نفر سوم حاج خلیفه سید عبدالله صیفی سرپرست وقت خانقاه سنندج و نفر سمت راست درویش حبیب الله زییری.

Photograph from Ershadi Spiritual Journey in the 1970s; From the left, the second person is Haj Khalifa Farrokh(Kamiyaran), the third person is Haj Khalifa SeyedAbdullah Saifi, the ex-caretakeer of Sanandaj Khaneqa, and from right side is dervish Habibullah Zubeiri (1906-2021)

همانطور که نیل داگلاس کلوتز، دانشمند مشهور جهان در علوم دینی، معنویت و روانشناسی، در مورد جلوه‌های کلامی مراسم صوفیان می گوید: «صوت و حرکت از مؤلفه‌های اساسی ذکر سماع است؛ به عبارتی موسیقی و حرکات موزون بدن را به هم پیوند می‌زند».

اصلی‌ترین ویژگی سماع، حرکت است که نشانگر تحولات درونی و نیز تعالی و تحول سماع کننده (درویش) به مرحله عالی است. به تعبیر درویش، در این حرکت است که جانسان به قصد بالا حرکت می‌کند و روح به پرنده‌ای شباهت می‌یابد که می‌خواهد خود را از قفس برهاند.

آنها معتقدند بعد از حرکت، حالتی درونی و روحی در قلب سماع کننده ایجاد شده که وجد نامیده می‌شود؛ مشتمل بر ده نوع از جمله گریه، خنده و تبسم، فریاد و فغان، احساس گرمایی یا سرمای و ... تحول در رنگ پوست، و تغییر حالات موی بدن و ...

ذکر در طریقت قادریه به دو نوع تقسیم می‌شود: (۱) ذکر انفرادی، که غالباً در تنهایی یا در وقت کار گفته می‌شود. ذکر معنای حضور قلبی در هر زمان و مکان است. (۲) ذکر جمعی در زمان و مکانی مشخص و این ذکر هم بر دو نوع است:

الف- ذکر تهلیل یا نشسته ب- ذکر قیام یا سماع

بر اساس تجربه معنوی سالکان، صدای دف و طبل و آوای حنجره انسان دل‌نشین است و سماع را به او هدیه می‌دهد و موجب به حرکت درآمدن اعضاء بدنش می‌گردد. زمانی که درویش در این موقعیت است، در کائنات غیر از جمال خدا چیز دیگری نمی‌بیند. سماع وی عشق او را در مقابل خداوند و شوق قوی او را به حرکت درمی‌آورد و به جایی می‌رساند که درویش همه واله و حیران می‌شوند و مشتاقان نیز شیفته و سرگردان خواهند شد.

سماع از ارکان اصلی طریقت قادریه سوله دولاب محسوب می‌شود و دارای کارکردهای گوناگونی به لحاظ درونی و بیرونی است. آنها اعتقاد دارند که کارکردهای درونی، تزکیه نفس، رهایی از غرور، رهایی از قیود اجتماعی، احوالات (توبه، تقرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، مشاهده، یقین) و کارکردهای بیرونی این مراسم در اجتماع را مورد توجه قرار می‌دهند.

در سفرهای ارشادی، برخی از درویش در جلوی کاروان ارشادی نسبت به انجام حرکتهای خارق‌العاده اقدام می‌کنند. آنها که کارهای خارق‌العاده را کرامت می‌نامند، اعتقاد دارند که کرامات خاص اولیای خداست و در لغت به معنای بزرگی و بخشندگی است؛ همانند معجزات پیامبران که بر اثر جهاد و تزکیه نفس و در نتیجه تداوم در طاعات و عبادت برای عبد مومن صالح حاصل می‌شود، در حالی که به فیض رحمانی نائل می‌گردد و با اراده و خواست پروردگار حاصل می‌شود. آنها این اعمال و تغییر حالات را گرایش به سوی حق تعالی دانسته و در مقابل ادعای برخی مبنی بر حرام بودن این مناسک، آن را جایز می‌دانند. بنا بر این فلسفه، این خوارق عادات از قدیم معجزه انبیا و کرامات اولیا و معونه برای آن گروه از افرادی بوده که با نمایش قدرت الهی ایمان آنها تقویت می‌شود. و بخشی از فرایند ارشاد و ترغیب مردم به خداپرستی و دینداری است. بر اساس تحقیقات میدانی: «در این کارها از نیروی کرامات اولیا مدد می‌گیرند، اما در مقایسه سحر و استدراج ایمان را تضعیف می‌کند و حقیقت ندارد».



عکس از سفر معنوی ارشادی در دهه ۱۳۵۰ به منطقه بوکان و ارومیه (استان آذربایجان غربی)

Photograph from Ershadi Spiritual Journey in the 1970s Bukan and Urmia (West Azerbaijan Province).



Spiritual Awakening Journey (Ershadi)

This section deals with the 'Spiritual Awakening (ershadi) Journeys' of disciples. They usually choose pre-planned destinations of both cities and villages in Kurdistan, Kermanshah and West Azerbaijan provinces. The main economic paradigm of the region is agriculture, therefore Ershadi tours are planned in winter seasons when the most of disciples have free time to join the tour or host the Ershadi convoy.

The places of Ershadi tour are planned and determined by the sheikh in consultation with the representatives of the Sufi Community i.e. caliphs; the chosen destination is usually considered upon formal invitation by community members in that region. Ershadi tours are held with or without the presence of the Sheikh; a representative (khalidfa) of Sheikh can be given the role to lead the Ershadi tour. Therefore, when Sheikh Seyed Muhammad Hadi lived in England, his caliphs or representatives used to do this on his behalf. Ershadi tours have no time limit and may last more than a month along a geographical route, and staying in any village or city depends on the popular welcome of the local people.

According to field research (interview with Dr. Seyed Sheikh Mukhtar), Sheikh Abdul Qadir Gilani says in one of his sermons: "Our way is based on the Qur'an and the Sunnah (traditions) of the Holy Prophet (PBUH)", and so Ershadi tour is based on the prophetic tradition of propagation (Da'wah). However, according to Quarnic commentator and scholar Seyed Sheikh Taha Hashemi in his book "Daf and Darvish", the term "Ershad" entails guiding and showing Muslims the right path, informing them about the principles of Sharia and spirituality as well as the false and corrupt things that are observed in the Islamic society. In the term, the meaning and concept of "Ershad" is the same as ordering what is good and forbidding what is evil, and this benevolence activism is the responsibility of every mature (adult) and wise person to be involved in helping fellow Muslim brethren.

Sema

Wayfarers usually perform Sema zikr during Spiritual awakening (Ershadi) journeys After arriving at the designated place such as a mosque, khaneqa, or the home of the person to whom they are invited, they form a circle Sema. The rites (form and type) of Qadiri Sema are circular; The circular form is the main type of spatial arrangement of a mystical Zikr (dance). The essential purpose of Sema is perform Remembrance of Allah's attributes (names).

عکس از سفر ارشادی به شهرستان سقز در دهه ۱۳۴۰.

A photograph from Ershadi Spiritual Journey to Saqqez City in the 1960s.

Sema is one of the most controversial mystical topics; Sema dance (Zikr-e Qiyam) in mysticism and Sufism is a new perception of the spiritual mood, which has received great attention over the passage of time as a systematic and purposeful ritual among Sufi orders such as the Qadiri and Maulviyyah Orders. In Sema, which means 'hearing', dancing, delight and ecstasy are permitted. In Persian language Sema means hymn and melody. In the 'Dictionary of Mystical Terms and Expressions', it is also stated: "Sema is a singing which induces emotions and transform the listener's mood, it is the same sound with reverb".

Sema in the Qadiri Order is a state (hal) of fascination, illumination, self-realisation and annihilation involuntarily (fana) in which the mystic's willpower has no effect on its appearance, but since the old times, great Sufis have realized that in addition to the wayfarer's talent, their inspirations and experiences that prepare them to be in a state of divine attraction are effective in the emergence of annihilation. Other factors such as music, singing and stomping are also effective in finding "Hal" and "ecstasy", all of which can be defined under the title of "Sema". Sema is one of the important principles of Sufi nurture and education.

According to field research, dervishes believe that the origin and basis of the Qadiri Order is based on following the Quran, Sunnah (Prophetic traditions) as well as performing religious ceremonies (prayers, and zikr), in essence culminating in Sema ceremony. The wayfarers do not do any action unless it is mentioned in the Book of God or the Sunnah of the Holy Prophet (PBUH) and they have permission for it. Nevertheless, Sema is a controversial issue among superficial observers.

People like Victor Turner (1920-1983), British cultural anthropologist, and Arnold van Gennep (1873-1957), Dutch-German-French ethnographer and folklorist, believe that the Qadiri Sema ceremony has the characteristics of a "rite of passage". Qadiri Wayfarer leaves his previous position in the state of Sema, and with leaping and head movements, he frees himself from his ties and sends his soul flying. The term "passege" is actually passing and entering from one stage to another stage of biological and cultural life, which is accompanied by special rituals and ceremonies. These rituals are related to the change and evolution of a person's social or sexual status.

Sema in the Qadiri Order has several principles of which dignity, sobriety, purity and human abstinence are among its most obvious principles. Darvish considers sema' as a means to practice liberation and escaping the material world, and performing Sema is the manifestation of engaging heart and soul. wayfarer believes that through Sema, s/he will be freed from the attachment of water and mud and belonging to worldly matter and ascend step by step to the heavenly world. Qadiri



روبه روی خانقاه بوکان ارشادی، سال ۱۳۶۵، به مدیریت شیخ سید حسن هاشمی تم-تم (داماد شیخ محمد هادی) برگزار شده است .

In front of Bukan Khaneqa, Ershadi trip 1986, led by Sheikh Seyed Hassan Hashemi Tam-Tam (son-in-law of Sheikh Muhammad Hadi).



عکس از سفر معنوی ارشادی به شهر روانسر در سال ۱۳۷۱ است، زمانی که شیخ هادی در لندن زندگی می‌کردند. خلیفه‌هایی که ایشان تعیین می‌کردند وظیفه برنامه‌ریزی و برگزاری سفر ارشادی را داشتند.

Photos are of Ershadi journey to Ravansar City in 1992 when Sheikh Muhammad Hadi was living in London. The khalifas he appointed had the responsibility of planning and organizing the Ershadi trips.

Sema have both verbal and non-verbal tools, the first and most important of which are music and poetry; including zikr, prayer, Quran recitation, sound and music. Movement and excitement are also important non-verbal tools of Sema.

Sema has fundamental components including Sheikh and spiritual master, zikr, time and place, music and sound, poems and literature, movement and ecstasy. Zikr plays an essential role in the conduct and behavior of a wayfarer as they owe the emergence of spiritual states and inner transformation to the Remembrance of His Names as God mysteriously manifest Himself in His Attributes (names). Zikr creates a light in the seeker's heart and this light brings her/him closer to the truth. Zikr is a sign of love for God. The Sema begins with playing tambourine (daf) accompanied by the drum, and the sound of the music dictates the manner and style of movements in the Sema.

Poetry is a part of Sema, which is performed with a content that shows their abundant love and with a throbbing tone, and if these poems are catchy and induce emotions and excitements, musicians are ready to form the circle of zikr for the next Sema.

As Neil Douglas-Klotz, World renown scholar in religious studies, spirituality and psychology, says about the verbal effects of Sufi ceremonies: "Sound and movement are the basic components of Sema; In other words, music and rhythmic movements connect the body."

The main characteristic of Sema is movement, which indicates inner transformations as well as the exaltation and transformation of the wayfarer to the highest stage. According to mystical hermeneutics, it is in this movement that their soul moves upward and the soul resembles a bird that wants to get out of its cage.

They believe that after the movement, an inner and spiritual state is created in the heart of the wayfarer, which is called ecstasy; It consists of ten types, including crying, laughing and smiling, shouting and screaming, feeling hot or cold, and... changes in skin color, and changes in body hair conditions, etc. Qadiri Zikr is divided into two types: 1) solitary Zikr, which is often said alone or while working. Zikr means the presence of the heart at any time and place. 2) collective Zikr at a specific time and place, and this Zikr is of two types:

A- Zikr Tahlil or sitting B- standing zikr or Sema

Based on spiritual experiences of wayfarers, the pleasant sound of the tambourine and drum and the human voice gives a "gift" of Sema to the wayfarer which causes body parts to move. At this state (hal), wayfarers believe that the "love" created by the motions before God brings a person to a place where he sees nothing in the universe but God, and this love transpires their movement in front

of God and the strong passion leads them to a place where all the dervishes and devotees will be amazed and lost in the wonder and fascination.

Sema is considered to be one of the main pillars of the Qadiri order of Solaei- Dolab and has both internal and external functions. Wayfarers believe that the internal functions such as self-refinement, freedom from pride, freedom from social constraints, and spiritual states (repentance, closeness, love, fear, hope, excitement, observation, certainty) and the external functions in terms of societal manifestations are considered by the Sema ceremony.

In Ershadi Spiritual Awakening tour, some dervishes perform extraordinary undertakings in front of the Ershadi convoy which are called miracles given to Saints with Allah's permission and literally means greatness and forgiveness. Like the miracles of the prophets, which were achieved as a result of jihad and self-purification, these miracles are achieved as a result of continuous obedience and worship for a righteous servant while it is achieved by the Grace of Mercy and is achieved by the will of God. They consider these actions and change of states to be a tendency towards the Supreme Right (God) and against the claim of some that these rites are unlawful or haram, they consider it permissible. According to this philosophy, these extraordinary acts have been the miracle of the prophets and the virtues of the saints and a help for that group of people whose faith is strengthened by the display of Divine Power and thus Extraordinary acts are part of the spiritual awakening process and inviting people to worship God and be religious. Based on the field research, these miracles occur with the help from the spiritual power of God, which is in contrast to witchcraft that weakens faith and is deceitful.

They consider magic or witchery to be deceptive and believe that magic is a science that is learned from a sorcery teacher, and it is often achieved by means of tools and devices used by the sorcerer and its operator; such as sleight, magnetic resonance, and the like, which is actually a kind of imagination and deception and juggling and is not true.

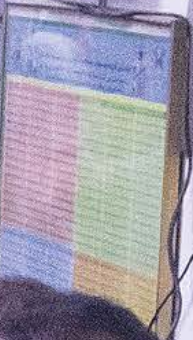
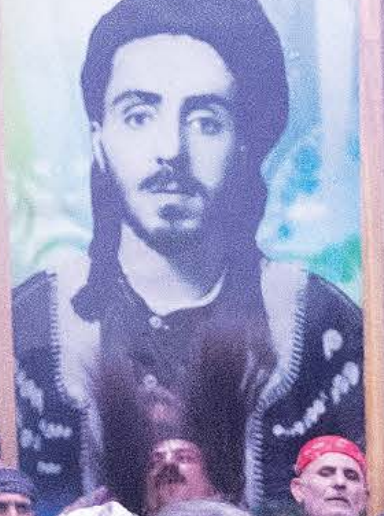


سفر ارشادی، سال ۱۳۷۹، با حضور شیخ مختار هاشمی در زمستان شروع می‌شود. در زمان پدر ایشان (شیخ هادی هاشمی)، معمولاً در سفر ارشادی سوار بر اسب می‌شدند.

Ershadi trip in winter of 2000 led by Sheikh Mukhtar Hashemi. During Ershadi trips in his father's (Sheikh Muhammad Hadi Hashemi) early lifetime, they usually travelled on horseback.



رہبر طریقت سولہ ی قادر بہ





در اویش در خانقاه آستان دولاب استراحت می کنند. مردم از تمامی مناطق کردستان و همچنین کردهای مقیم تهران برای شرکت در این مراسم به دولاب می آیند (۳ بهمن ۱۳۹۷).

Disciples resting in Dolab Holy Sanctuary. People from all regions of Kurdistan, as well as Kurds living in Tehran, come to Dolab to participate in this ceremony (January 23, 2019).

شیخ مختار هاشمی مسئولیت خلیفه ها و در اویش را شب قبل از حرکت کاروان ارشادی مشخص می کند. برای انتقال در اویش و اسکان و حفظ نظم و آرامش کاروان ارشادی نیز افرادی از سوی ایشان مشخص می شوند (۳ بهمن ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi specifies the responsibility of the khalifas and disciples on the eve of the departure of the Ershadi convoy. His representatives have the responsibility of arranging transport and dwelling for Disciples, and maintaining order and peace (3 February, 2017).

▶ در اویش در شب قبل از شروع ارشادی در خانقاه آستان دولاب سنندج (۵۶۸ کیلومتری تهران) شرکت کرده اند. مردم با دف نوازی و مداحی ذکر سماع می کنند (۳ بهمن ۱۳۹۷).

Disciples gathering on eve of Ershadi journey at Dolab Holy Sanctuary near Sanandaj (568 kilometers from Tehran). People perform Zikr and Sema by playing the Daf and chanting (January 23, 2019).

۱. خلیفه نماینده تام الاختیار شیخ و کارگزار و هماهنگ کننده برنامه های طریقت که می تواند در غیاب شیخ مردم را به طریقت دعوت و دست بیعت بدهد. خلیفه را شیخ بر اساس پیشنهاد در اویش انتخاب می شود.

1. The Caliph / Khalifa is the full-authority representative of the sheikh and the agent and coordinator of Tariqa programs; they can invite people to the tariqa to pledge allegiance in the absence of the sheikh. The khalifa is chosen by the sheikh based on the recommendations of disciples .



ذکر سماع تمام شده است و در حیاط اصلی روبه‌روی بارگاه دولاب همگی دعا می‌خوانند. مادر شیخ مختار هاشمی از روی پشت بام برای کاروان ارشادی دعا می‌کند (۴ بهمن ۱۳۹۷).

At the end of the Sema Zikr and everyone praying in the main courtyard in front of the Dolab shrine. Sheikh Mukhtar Hashemi's mother praying for the Ershadi's convoy from the rooftop at Dolab Holy Sanctuary (January 24, 2019).

شیخ مختار هاشمی صبح برای نیایش به بارگاه آستان دولاب می‌روند. بارگاه آستان دولاب در کنار خانقاه قدیمی است. در بارگاه به غیر از شیخ سید محمد هاشمی، ملقب به محی‌الدین، و شیخ سید محمد هادی هاشمی، بعضی از اقوام ایشان نیز دفن شده‌اند (۴ بهمن ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi at prayer in Dolab Holy Sanctuary in the morning. The current Dolab shrine was built next to the old site. In addition to Sheikh Sayed Mohammad Hashemi, known as Muhyiddin (the Revivor of Faith), and Sheikh Sayed Mohammad Hadi Hashemi, some of his relatives are also buried at the sanctuary (January 24, 2019).



خلیفه^۱ شریف در حال سوز خواندن است. بخشی از دراویش پیاده مسیر بین دو روستا را در برف آمده‌اند. آنها توقف کرده‌اند و ذکر می‌خوانند (۱۴ بهمن ۱۳۹۷).

Khalifa Sharif singing in the style of Soz.¹ Some of the disciples walked the path between the two villages in the snow. They have stopped to perform zikr (February 03, 2019).

۱. بر اساس تحقیقات میدانی، آوازهایی برگرفته از گوشه و متعلقاتی موسیقی هفت دستگاهی، هوره و سیاچمانه را به جذبه و حالت گریه و استغاثه به گونه‌ای خاص که به آن حالت عرفانی بدهد را سوز می‌گویند. سوز دراویش معمولاً با لحن و هوا و مقامی پر از تمنا و مناجات است که در مناطق مختلف کردستان ایران و هورامان لهجه متفاوت دارد.

1. Based on the field research, Soz songs are derived from the short pieces (gushehs) and belonging to the seven dastgahs (i.e. "pattern" or "set of directions" of the principal modes of the art music of Kurdish-speaking regions, used as the basis for composition and improvisation) such as horra and siyaw chemane are called Soz because the type of emotional rapture, lamenting and pleading gives it a mystical and spiritual state. Soz of the dervish usually has a tone, an atmosphere and a position full of wishes and supplications, and is sang in different dialects of the various regions of Iran's Kurdistan and Hawraman.



کاروان ارشادی از روستای ابراهیم‌آباد به روستای یاپال از توابع دیواندره (۵۰۷ کیلومتری تهران) می‌رسد. بعضی از دراویش برای کمک به ماشین‌هایی که در یخبندان گیر کرده‌اند کمک می‌کنند (۱۲ بهمن ۱۳۹۷).

Ershadi convoy from Ebrahim Abad village arrives at Yapal village of Divandara district (507 km from Tehran). Some disciples assisting cars trapped in the ice (February 01, 2019).



دراویش برای ادای احترام و دعا بعد از ذکر سماع به نزدیکی مسجد روستا کلکان که در تپه‌ای بلند واقع شده است، رفته‌اند (۱۲ بهمن ۱۳۹۷).
Disciples paying respects and praying near the mosque of Kalkan village, located on a high hill (February 01, 2019).

کاروان ارشادی به ورودی روستا توکلان نزدیک می‌شود و بارش برف هم شروع شده است (۱۴ بهمن ۱۳۹۷).
Ershadi convoy arrives at the entrance of Tawakelan Village; and heavy snowing continued (February 03, 2019)



دختری برای دعا خواندن پرچم بیرق^۱ را گرفته است. استقبال زنان و دختران روستا از دراویش، با نیایش و دعا همراه است و معمولاً کاروان ارشادی پس از توقفی کوتاه، به حرکت ادامه می‌دهد (۴ بهمن ۱۳۹۷).

A girl holding the beidagh¹ flag to pray. The women and girls of the village welcome the disciples with invocation and prayers, and usually the Ershadi convoy continue moving after a short stop (January 24, 2019).

کاروان ارشادی از روستای شاه‌قلا به روستای توکلان، از منطقه چل‌چهمه دیواندره در حال حرکت است. روستا در منطقه‌ای از کردستان به نام زرینه که از سردترین نقاط ایران محسوب می‌شود واقع شده است (۱۴ بهمن ۱۳۹۷).

The Ershadi convoy leaving the Village of Shaqala to Village of Tawakelan, in the Chelchemeh, Divandara region. The village is located in an area of Kurdistan called Zarineh, considered one of the coldest places in Iran (February 03, 2019).

۱. براساس تحقیقات میدانی، بیرق یا علم یا بیاخ برگرفته از سنت حضرت رسول اکرم (ص) است. لواء، رایه، بیرق، پرچم و بیاخ دو اثر داشته: هویت‌بخش بودن و اعتماد بخشیدن که از قدیم‌الایام بوده و موجب ایجاد احترام و وحدت در صف جنگجویان شود.

1. Based on social research, 'Beidagh' or flag ('Alam' or 'Biakh') is derived from the Sunnah (tradition) of the Holy Prophet (PBUH). The Luwa, Rayeh, Biraq, Flag, and Biakh produce a sense of identity and confidence, which date back to ancient times resulting in respect and unity in the ranks of warriors.





مردم برای خداحافظی کاروان ارشادی به خروجی روستا شاهقلا آمده‌اند (۱۴ بهمن ۱۳۹۷).

People gathered at the exit of Shahqola village to say goodbye and pay their respect to the Ershadi convoy (February 03, 2019).

▶ در اویش صبح زود در بارش برف با ماشین‌های سنگین و یا پیاده از روستای شاهقلا به روستای توکلان حرکت می‌کنند. به علت بارش برف در دو روز گذشته، کاروان ارشادی یک روز را در روستای دره‌ورزان توقف کرد. بارش برف حرکت کاروان ارشادی را کندتر کرده است (۱۴ بهمن ۱۳۹۷).

Disciples travelling From Shaqala Village to Tawakolan Village early in the morning in the snow with heavy vehicles or on foot. Due to heavy snowfall two days before Ershadi convoy stopped for one day in the village of Darehvarzan. The snowfall slowed the movement of the Ershadi convoy (February 03, 2019).

شیخ مختار هاشمی و همراهانشان برای دیدار با اعضای خانواده‌ای از درویش می‌روند (۱۱ بهمن ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi and his companions visiting a disciple's family members (January 31, 2019).



در ایش در حال ذکر سماع در مسجد روستای شریف‌آباد می‌باشند. معمولاً افرادی که موهای بلند دارند، در کنار هم می‌ایستند؛ به موهای بلند پیرچ می‌گویند (۴ بهمن ۱۳۹۷).

Disciples performing Sema Zikr in the mosque of Sharifabad village. disciples with long hair stand together; this long hair is called 'pirch' (January 24, 2019).



شیخ مختار هاشمی و خلیفه‌های ایشان در حال ذکر سماع می‌باشند. سمت چپ معروف به خلیفه شریف و سمت راست معروف به خلیفه عطا از خلیفه‌های ارشادی هستند (۱۲ بهمن ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi and his Khalifas performing Sema Zikr. To his left is Khalifa Sharif and to his right is Khalifa Atta; they are among the leading Ershadi Khalifas (February 01, 2019).



شیخ مختار هاشمی و همراهانشان برای صرف ناهار منزل یکی از دراویش دعوت شده‌اند. بافت ساختمان‌های روستا هنوز قدیمی است و سقف‌ها با چوب و دیوارها با گچ ساخته شده است (۱۳ بهمن ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi and his companions invited to have lunch at the house of a dervish. The texture of the buildings in the village is still old with wooden roofs and plaster walls (February 02, 2019).

شیخ مختار هاشمی به ضیافت یکی از اهالی روستای شاقلا رفته است (۱۳ بهمن ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi invited for lunch by a member of Shaqala Village community (February 02, 2019)





یک نوجوان به سخنرانی شیخ مختار هاشمی توجه می‌کند. او عکسی از شیخ محمد هاشمی پدر بزرگ ایشان را به گردن انداخته است (۲۹ دی ۱۳۹۸).
A teenager focusing attention on Sheikh Mukhtar Hashemi's speech and wearing photograph of Sheikh Mohammad Hashemi (his grandfather) around his neck (January 19, 2020).



شیخ مختار هاشمی در مسجد روستای کوله ساره سخنرانی می‌کند (۲۹ دی ۱۳۹۸).
Sheikh Mukhtar Hashemi giving a speech in the mosque of Kolasara Village (January 19, 2020).
▶ ذکر سماع در جلوی درب ورودی مسجد روستای توکلان انجام می‌شود. اغلب اهالی روستا کشاورز هستند (۱۴ بهمن ۱۳۹۷).
Sema Zikr is performed at the entrance of Tawakelan Village mosque. Most of the villagers are farmers (February 03, 2019).



ذکر سماع در مسجد روستای کوله ساره با حضور مردم روستا برگزار می‌گردد. زنان اجازه حضور در بخش مردان را ندارند (۲۹ دی ۱۳۹۸).
Sema Zikr ceremony held in Kolasara village the mosque with the presence of the villagers. Women are not permitted to attend the men's section (January 19, 2020).



نوجوانی در حال ذکر قیام (سماع) است (۲۹ دی ۱۳۹۸).
Teenagers performing Sema Zikr (January 19, 2020).



درویش محمد بهزاد دنداری کار خارق العاده انجام می دهد. او یکی از کارگزاران طریقت است که از زمان حضور دکتر شیخ مختار هاشمی در ایران از نوجوانی دستیار و نماینده ایشان در امور طریقت می باشد. عکس از مراسم ارشادی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۵ واقع در روستای یلغوزاغاج، بخش سریش آباد شهرستان قروه که با موبایل ثبت شده است.

Dervish Muhammad Behzad Dandari undertaking extraordinary acts. Since his teenage years, he has been one of the commissioners in Tariqat affairs. He has also been Dr Sheikh Mukhtar Hashemi's personal assistant since the Sheikh's return to Iran. This photo was taken with a mobile phone during the Ershadi trip to Yalghuzaghaj village, a part of Sirish Abad District of Qorveh County on the 10th of February 2017.



شیخ مختار هاشمی در حال نواختن طبل است. دف و طبل و نی از ابزارهای موسیقی غیرکلامی در ذکر و سماع و مداحی محسوب می‌شود. شروع ذکر سماع با شروع دف‌نوازی و همراه با طبل می‌باشد و نحوه حرکت در سماع را آوای موسیقی دیکته می‌کند (۳۰ دی ۱۳۹۸).

Sheikh Mukhtar Hashemi beating the drums. Daf, drum, and reed are non-verbal musical instruments in Zikr, Sema, and eulogy. The beginning of Sema Zikr starts with playing the Daf and is accompanied by the drum, and dance movements of the Sema dictated by the sound of the music produced (January 20, 2020).

معمولاً بیشتر دراویش سوله قادریه دولاب، شال قرمزشان^۱ را در ارشادی به گردن می‌آویزند (۲۹ دی ۱۳۹۸).

Usually, most disciples of the Solai Qadiri Order of Dolab hang their red shawls¹ around their necks during Ershadi journeys. (January 19, 2020).

۱. به گفته آن‌ها شال قرمز، به معنی سربند قرمز، سنت تقریری حضرت رسول اکرم (ص) است. سنت تقریری، سکوت رسول خدا صلی الله علیه وسلم و رد و انکار نکردن ایشان در مورد قول یا فعلی است که در حضور ایشان صادر شده است.

1. According to them, the red shawl or red headscarf is a Taqirriyyah type of prophetic tradition. Taqirriyyah traditions the approvals of Holy Prophet (PBUH) regarding the actions of the Companions which occurred in two different ways: When Muhammad kept silent for an action and did not oppose it.



بیمان بستن یا بیعت^۱ کردن جوانان بعد از مراسم ذکر سماع نزد شیخ مختار هاشمی (۳۰ دی ۱۳۹۸).

Young people 'repenting'¹ or pledging allegiance to Sheikh Mukhtar Hashemi after the Zikr Sema ceremony. (January 20, 2020).

۱. براساس تحقیقات میدانی، بیعت به معنی پشیمانی از کجروی و انحرافات، پشیمانی و ندامتی است که دل را بر ایام غفلت گذشته متأسف و متألّم بدارد. دوم اجتناب و دورگیری از کج اندیشی و انحراف و لغزش است. سوم عزم راسخ بر اینکه هرگز به بدیها، مفاسد و تباهی گرایش نداشته باشد.

1. Based on social research, allegiance means regretting wrongdoings and deviations, feeling remorse and regret making the heart feel sorry for the past days of negligence. The second is to avoid distorted thinking and deviations. The third reason for pledging allegiance is firm determination to never be inclined towards evil, corruption and destruction.

پیرمردی برای دعا پرچم بیداق را گرفته است. مردم روستا برای خداحافظی با کاروان ارشادی آمده‌اند (۲ بهمن ۱۳۹۸).

An old man holding the flag or Beidagh to pray. Villagers saying goodbye and pay respect to the Ershadi convoy (January 22, 2020).



راهپیمایی قبل از ورودی به روستای انگوژان، از توابع سنندج، شروع می‌شود. بیشتر مردم روستای انگوژان از دراویش قادریه سوله دولاب هستند (۲ بهمن ۱۳۹۸).

The procession begins before the entrance to Angozhan village, near Sanandaj. Most Angozhan villagers are disciples of the Qadiri Order of Solai Dolab (January 22, 2020).



زنی برای ادای احترام به کاروان ارشادی آمده است. راهپیمایی کاروان ارشادی از کوچه‌های روستای علی‌آباد ادامه دارد و مردم به استقبال کاروان ارشادی آمده‌اند. معمولاً کاروان ارشادی ابتدا روبه‌روی مسجد اصلی روستا می‌روند و آنجا به ذکر سماع و دعا می‌پردازند و سپس به منزل خلیفه (نماینده طریقت) یا یکی از دراویش که از کاروان ارشادی دعوت کرده است می‌روند. از روزهای قبل مردم روستا از ورود کاروان ارشادی سوله قادریه دولاب مطلع هستند و خود را آماده پذیرایی از دراویش می‌کنند (۲۱ دی ۱۳۹۸).

Women paying their respects to the Ershadi convoy. The procession of the Ershadi convoy moving through streets of Aliabad village and welcomed by people. Usually, the Ershadi convoy first proceeds to the main mosque of the village, where they perform Sema Zikr and prayers, and then go to the home of Khalifa (representative of the Sufi Order) or one of the disciples with previous invitation. Villagers are informed of the arrival of the Ershadi convoy of the Solai Dolab Qadiri Order in advance to make preparations to receive the disciples. (January 11, 2020).

یزدان که اهل روستای ماراب است، کارهای خارق العاده انجام می‌دهد (۲۹ دی ۱۳۹۸).

Yazdan from Marab village (Kamiran County) undertaking extraordinary acts (January 19, 2020).



ذکر سماع روبه روی منزل یکی از درویش در حالی انجام می شود که هوا سرد شده است (۱ بهمن ۱۳۹۸).
Zikr Sema is performed in front of the house of a disciple in cold weather (January 21, 2020).



به دعوت یکی از درویش شیخ مختار هاشمی به دیدار ایشان آمده است (۱۲ دی ۱۳۹۸).
Sheikh Mukhtar Hashemi is visiting one of the disciples at his invitation (January 02, 2020).



مردم به استقبال کاروان ارشادی در ورودی روستای بزلانه از توابع کامیارن آمده‌اند (۲۱ دی ۱۳۹۸).
community members of Bezlana Village gathered to welcome the Ershadi convoy at the entrance to the village
(January 21, 2020).



نوجوانی کار خارق‌العاده انجام می‌دهد (۱ بهمن ۱۳۹۸).
A Teenager undertaking extraordinary acts (January 21, 2020).



ذکر سماع به همراه دف‌نوازی مداحان انجام می‌شود (۱ بهمن ۱۳۹۸).

Sema Zikr performed with the playing of the Daf (a type of tambourine) by worshipers (January 21, 2020).

درویش مولود محمدی نیا با خوردن تیغ کارهای خارق‌العاده انجام می‌دهد (۲ بهمن ۱۳۹۸).

Darvish Mawlood Muhammadi Nia by eating razor blades undertaking extraordinary acts (January 22, 2020).





تصاویری از شیخ محمد هاشمی، شیخ محمد هادی هاشمی و شیخ مختار هاشمی بین اهالی روستا لاین (شهرستان کامیاران) پخش می‌شود. معمولاً اهالی روستا این تصاویر را به دیوارهای خانه‌شان نصب می‌کنند (۱ بهمن ۱۳۹۸).

Pictures of Sheikh Mohammad Hashemi, Sheikh Mohammad Hadi Hashemi and Sheikh Mukhtar Hashemi are distributed among residents of Layan Village (Kamiran District). Usually, the villagers install these pictures on the walls of their houses. (January 21, 2020).

مردم روستای انگوژان به احترام کاروان ارشادی و شیخ مختار هاشمی روبه‌روی کاروان ارشادی گاوی را ذبح می‌کنند. امروز روز آخر سفر ارشادی می‌باشد. تمامی روستا امشب و چند روز آینده مهمان دروایش روستاها هستند؛ به صورتی که خانه‌هایی برای پذیرایی مشخص شده است. آن‌ها طی دو شب مراسم نماز و نیایش و سخنرانی و ذکر سماع را در مسجد اصلی روستا برگزار می‌کنند. تمام اهالی روستا شام مهمان دروایش هستند و معمولاً یک یا چند نفر به عنوان بانی برای پذیرایی از کاروان ارشادی داوطلب می‌شوند (۲ بهمن ۱۳۹۸).

The people of Angozhan village sacrificing 2 cows in front of Ershadi's caravan as a sign of respect for the Ershadi convoy and Sheikh Mukhtar Hashemi. Today is the last day of the 'Spiritual Awakening' tour. The entire village is invited by disciples of the village throughout the Ershadi convoy's stay; houses are specified for reception in advance. The ceremony of prayer, speech, and Sema Zikr is held in the main mosque of the village over two nights. All the residents of the village are guests of disciples for dinner and lunch, and usually several people volunteer as hosts to welcome the Ershadi convoy (January 22, 2020).



دراویش به دیدار مرحوم خلیفه سمین، اهل روستای لاین از توابع کامیاران، آمده‌اند (۱ بهمن ۱۳۹۸).

Disciples visiting the late Khalifa Samin, a resident of Layan village, Kamiyaran County (January 21, 2020).

عبادت شیخ مختار هاشمی در روستای میانه بخش سورسور (۱۱ دی ۱۳۹۸).

Sheikh Mukhtar Hashemi visiting an ailing disciple in Miyana Village, Sorsor Distrcit (January 01, 2020).





شیخ مختار هاشمی قبل از حرکت برای دعا به بارگاه آمده است. ایشان به علت پا درد بر روی صندلی نشسته است و بعضاً نمازهای جماعت را به این شکل می خوانند. زمانی که ایشان به بارگاه وارد می شوند، کسی جز خلیفه آستان دولاب، حق ورود ندارد، اما ایشان اجازه همراهی را به من دادند (۱۷ دی ۱۴۰۰).

Sheikh Mukhtar Hashemi has come to the shrine to pray before leaving. He is sitting on a chair because of his leg pain and sometimes prays in this position. When he enters the shrine, no one except the Khalifa (also attendant) of Dolab Holy Sanctuary is permitted to enter, but exceptionally allowed me to accompany him (January 07, 2022).



زنی برای دعا و طلب شفا به آستان دولاب آمده است. شیخ مختار هاشمی قبل از ورود به بارگاه به عبادت و دیدن این زن آمده است. او روبه روی بارگاه نشسته و دعا می خواند (۱۷ دی ۱۴۰۰).

A woman visiting the Dolab Holy Sanctuary to pray and seek healing. Sheikh Mukhtar Hashemi visiting this woman prior to entering the shrine. He is sitting in front of the shrine and praying (January 07, 2022).

اکثریت دراویش از شهرهای مختلف استان های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی برای زیارت به آستان دولاب آمده اند. آنها یک یا دو روز زودتر آماده می شوند تا در سفر ارشادی شرکت کنند (بیشتر) آنها در این سفر که حدود یک ماه می باشد در کنار شیخ مختار هاشمی می باشند (۱۷ دی ۱۴۰۰).

Disciples who mainly came from various cities of Kurdistan, Kermanshah and West Azerbaijan Provinces, visiting Dolab Holy Sanctuary. They prepare one or two days earlier to participate in the Ershadi tour and most remain with Sheikh Mukhtar Hashemi during this journey, which lasts for approximately a month (January 07, 2022).



مردی در جلوی کاروان شمشیری وارد شکمش کرده و کار خارق العاده انجام داده است. روستای گرگان از توابع کامیاران (۵۵۲ کیلومتری تهران) میزبان کاروان ارشادی است و اغلب مردم روستا از دراویش قادریه سوله دولاب هستند و به رسم مهمان نوازی بالغ بر ۲۰ گوسفند را در زمان ورود کاروان ارشادی ذبح (قربانی) کردند (۱۷ دی ۱۴۰۰).

By inserting a sword into his stomach in front of the Ershadi convoy, Darvish Muhammad Marabi is performing extraordinary acts. Gorgan village of Kamiyaran district (552 km from Tehran) hosts the Ershadi convoy and most of the villagers are followers of the Qadiri Order of Solai Dolab, and in the tradition of hospitality, more than 20 sheep were sacrificed at the arrival of the Ershadi convoy (January 07, 2022).



دراویش جلوتر از کاروان ارشادی ذکر سماع را انجام می دهند. آن ها بعد از ورود به مسجد، به برپایی نماز و خواندن قرآن و نیایش مشغول می شوند (۱۹ دی ۱۴۰۰).

Disciples perform Sema Zikr ahead of the Ershadi convoy. After entering the mosque, they start praying, reciting the Qur'an and doing invocations (January 09, 2022).



کاروان ارشادی پس از ورود به روستای گرگان در میدان اصلی، حلقه ذکر سماع انجام می‌دهند (۱۹ دی ۱۴۰۰).

After entering the village of Gorgan, the Ershadi convoy performs Sema Zikr in a circle in the main square (January 09, 2022).

ذکر سماع در منزل میزبان یکی از خلیفه‌های دراویش سوله قادریه دولاب برگزار می‌گردد. فرزندان ایشان پزشک و رادیولوژیست و کارمند بانک هستند که در مراسم شرکت کردند (۱۷ دی ۱۴۰۰).

Sema Zikr is held in the house of the host of one of the Khalifas of the Solai Dolab Qadiri Order. His children who also participated in the ceremony are a doctor, a radiologist and bank employee (January 07, 2022).

بعد از سخنرانی شیخ مختار هاشمی و خواندن مداحی و دعا، مراسم ذکر سماع برگزار می‌شود (۱۷ دی ۱۴۰۰).

After Sheikh Mukhtar Hashemi's speech, singing of praises and prayers, the Sema Zikr ceremony is held (January 07, 2022).



CHAPTER TWO - THE CUSTODIAN OF QADIRI ORDER OF SUFISM
Part Two: Social Events

فصل دوم (میراث دار تصوف قادریه)
بخش دو: مناسبات اجتماعی

Social Events

As a grassroots social institution in Kurdistan, Sufism and mysticism have many social roles, and Sufi leaders (sheikhs) play an active role as a civil and social activists and contribute to many activities, including charity, humanitarian work and resolving disputes in society. In the section of social events, ceremonies other than the Spiritual awakening journeys (Ershadi journeys), such as Mawloodi Ceremonies (Birthday celebrations of Holy Prophet), funeral and burial services as well as meeting with wayfarers and their families and community based trips to sacred places such as Shrine of Wais-ul-Qarni have been examined.

مناسبات اجتماعی

طریقت و عرفان به عنوان یک نهاد اجتماعی ریشه دار در کردستان، نقش اجتماعی فراوانی دارد و رهبر طریقت به عنوان فعال مدنی و اجتماعی فعالیت‌های فراوانی از جمله کارهای خیریه و انسان دوستانه، حل اختلاف در جامعه را انجام می‌دهد. در بخش مناسبات اجتماعی، مراسم‌هایی به غیر از سفر ارشادی همانند مولودی‌ها، ختم و دیدار با دراویش و سفر زیارتی خانوادگی ویس‌القرنی مورد بررسی قرار گرفته است.





راهپیمایی تا درب منزل درویش فوت شده در کوچه‌های روستای قصلان، از توابع شهر قروه (۴۵۰ کیلومتری تهران) صورت می‌گیرد. معمولاً اهالی روستا نیز با راهپیمایی در ذکر سماع شرکت می‌کنند (۱۷ آبان ۱۳۹۷).

Funeral procession to the house of a deceased disciple in the alleys of Qaslan village, in the suburbs of Qorveh city (450 km from Tehran). Villagers usually participate in the funeral procession performing Sema (November 8, 2018).



حضور شیخ مختار هاشمی و درویش در کنار قبر یکی از درویش که به تازگی فوت شده است. (۱۷ آبان ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi and a group of the disciples at the graveside of a recently deceased disciple (November 8, 2018).

مراسم مولودی شب میلاد حضرت محمد (ص) با حضور مردم در خانقاه مرکزی سنندج برگزار می‌گردد (۱ آذر ۱۳۹۷).

Mawloodi ceremony celebrating the birth of Prophet Muhammad (PBUH) at the Central Khaneqa of Sanandaj, attended by various local communities and dignitaries (December 1, 2018).



درایش روبه‌روی منزل مرحوم حاجیه خانم زینب محمدی ذکر سماع انجام می‌دهند (۱۷ آبان ۱۳۹۷).
Disciples (Qadri Order community members) performing Sema Zikr in front of the house of late Hajiya Zainab Muhammadi (November 8, 2018).

راهپیمایی درویش به احترام زنی که به تازگی فوت شده است. راهپیمایی درویش معمولاً با ذکر لاله‌الاله و... تا مکانی که برای ایستادن ذکر سماع مشخص شده ادامه پیدا می‌کند. مراسم ختم با سخنرانی شیخ مختار هاشمی در مسجد شروع می‌شود و بعد از انجام سخنرانی، با مداحی و نیایش، ذکر سماع (قیام نشسته و ایستاده) به اتمام می‌رسد (۱۷ آبان ۱۳۹۷).

Funeral procession in the honour of a recently deceased woman. Processions involving disciples are undertaken with chanting of La-illaha ila Allah (there is no god but Allah) and until the designated place for the Sema Zikr or remembrance. Funeral ceremonies commence with a speech by Sheikh Mukhtar Hashemi in the mosque and ends with singing Allah's praises, prayers, and Sema Zikr (in a sitting as well as a standing position) (November 8, 2018).



ذکر سماع در وسط حلقه ذکر توسط ایشان، در مراسم یادواره رحلت پدرشان انجام می‌شود (۱۵ آذر ۱۳۹۷).
Sema Zikr performed standing in the middle of the Sema circle during the memorial ceremony of his father's death (December 6, 2018).



مراسم یادواره روز رحلت شیخ هادی هاشمی توسط یکی از درویش ساکن تهران با حضور شیخ مختار هاشمی برگزار شد و در این مراسم، درویش از دیگر شهرها نیز شرکت داشتند (۱۵ آذر ۱۳۹۷).

A commemorative ceremony in honour of late Sheikh Muhammad Hadi Hashemi held at a disciple's house in Tehran in the presence of Sheikh Mukhtar Hashemi; disciples from other cities also participated in this ceremony (December 6, 2018).





شیخ مختار هاشمی در حال اقامه اذان ظهر در مسجد جامع شانهوره می‌باشد. مراسم مولودی با ذکر سماع و دعا به اتمام رسید و بعد از مراسم تمامی مردم برای ناهار مهمان یکی از درویش روستا بودند (۲۴ آبان ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi making the noon call to prayer in the Jame Mosque of Shanavareh (a village near Qorveh city). The Mawloodi ceremony ended with the performance of Sema and prayers, after which all people present were invited for lunch at a disciple's house in the village (November 15, 2018).



یکی از درویش روستا، شیخ مختار هاشمی و همراهان را به منزل دعوت کرده است (۲۴ آبان ۱۳۹۷).

Sheikh Mukhtar Hashemi and his companions invited by a village disciple to his house (November 15, 2018).

درویش به دیدار فرزندان یکی از درویش‌های قدیمی که فوت شده است، رفته‌اند. رسم بر این است که روبه‌روی درب منزل فرد فوت‌شده، همه افراد برای متوفی دعا می‌خوانند (۲۴ آبان ۱۳۹۷).

Disciples visiting the children of a deceased member of the community. It is customary to stand in front of the house of the deceased, offering prayers and condolences for the deceased family (November 15, 2018).



ایشان قبل از حرکت برای سفر خانوادگی ویس‌القرنی به دیدار دراویش ساکن سنندج رفته است (۲۳ مرداد ۱۳۹۸).
Before leaving for his family trip to the shrine of Wais al-Qarani, he visited a disciple living in Sanandaj (August 14, 2019).



ذکر سماع در روستای شانهوره از توابع قروه (۴۵۰ کیلومتری تهران) روبه‌روی منزلی از اهالی روستا انجام می‌شود (۲۴ آبان ۱۳۹۷).
Sema Zikr performed in the village of Shanavereh of Qorveh (450 km from Tehran) in front of a house of the villagers (November 15, 2018).



زنی درویش به همراه خانواده با مینی‌بوس از سنندج به سمت کرمانشاه برای شرکت در مراسم ویس‌القرنی می‌رود (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).
A woman disciple with her family travelling by minibus from Sanandaj towards to Kermanshah to participate in the Wais al-Qarani ceremony (August 15, 2019).

شیخ مختار هاشمی به همراه همسرشان (سیده لیلا هاشمی) سرپرست موسسه خیریه، به عیادت یکی از دراویش روشندل ملا محمد بزدوده که در سنندج ساکن است رفته است (۲۳ مرداد ۱۳۹۸).
Sheikh Mukhtar Hashemi with his wife (Seyede Leila Hashemi), a charity trustee, visiting blind disciple living in Sanandaj, Mula Muhammad Bezdodeh (August 14, 2019).





مراسم سالیانه ویس‌القرنی در سال ۱۳۹۸ مجدداً با حضور شیخ مختار هاشمی و دراویش برگزار می‌شود. همه افراد نزدیک درب ورودی جمع می‌شوند و با در دست داشتن بیداق و ذکر و دعا به سمت بارگاه ویس‌القرنی حرکت می‌کنند. این بارگاه در ارتفاعات کوهی واقع شده است (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).

The annual Wais al-Qarani ceremony held in 2018 again with the presence of Sheikh Mukhtar Hashemi and members of the Sufi community. All people gather together near the entrance and move towards the Wais al-Qarani shrine holding the beidagh or tariqa flag and performing prayers and zikr. This shrine is located in the mountains (August 15, 2019).

مردم برای دعا خواندن و ذکر به مسجد اصلی بارگاه ویس‌القرنی مراجعه کرده‌اند. سفر زیارتی ویس‌القرنی واقع در منطقه روانسر از توابع کرمانشاه (۵۳۸ کیلومتری تهران) به شکرانه برداشت محصولات کشاورزی انجام می‌شود. این سفر شامل راهپیمایی ذکر سماع و تمامی مواردی است که در خانقاه انجام می‌شود. این بارگاه به گفته دراویش حدود سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ توسط شیخ سیدمحمد دولاب بعد از ۴۰ روز اعتکاف احداث می‌شود. ویس‌القرنی یکی از تابعین رسول اکرم (ص) می‌باشد (۰۸ شهریور ۱۳۹۷).

People at the main Wais al-Qarani mosque for prayers and remembrance of Allah. The pilgrimage to Wais al-Qarani is located in Ravansar, a town in Kermanshah Province (538 km from Tehran) is a thanksgiving for the harvest of agricultural products. The pilgrimage involves the Sema Zikr procession and all practices carried out in a Khaneqa. According to disciple accounts, this shrine was built between approximately 1919 to 1922 by Sheikh Seyed Muhammad Dolab (father of Sheikh Muhammad Hadi Hashemi) after 40 days of retreat. Wais al-Qarani was one of the followers of the Prophet Muhammad (PBUH) (August 30, 2018).





دراویش با خانواده‌های خود در مراسم ویس‌القرنی شرکت می‌کنند. زنان هم در زمان‌های مشخص شده در خانقاه‌ها برای ذکر سماع و دعا و نیایش حضور می‌یابند و مردان اجازه ورود ندارند (۸ شهریور ۱۳۹۷).

Disciples with their families participating in the Wais al-Qarani ceremony. Women also perform prayers and Sema Zikr in Khaneqas at specified times, and men are not permitted to enter (August 30, 2018).

مردم در ورودی بارگاه ویس‌القرنی نسبت به ذکر سماع اقدام کرده‌اند. آن‌ها منتظر آمدن شیخ مختار هاشمی می‌باشند. تعدادی از دراویش مسئولیت نگهداری بیداق را دارند (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).

People at the entrance of the Wais al-Qarani shrine performing Sema Zikr, awaiting the arrival of Sheikh Mukhtar Hashemi. A number of disciples have the responsibility of upholding and preservation of the beidagh (August 15, 2019).

دراویش در ورودی بارگاه ویس‌القرنی در حال انجام کارهای خارق‌العاده هستند (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).

Disciples performing extraordinary undertakings at the entrance of Wais al-Qarani shrine (August 15, 2019).



درویش جوانی اجازه ورود به حلقه ذکر را در حالت وجد پیدا کرده است. اینجانب با توجه به مستندسازی، اجازه ورود را از دکتر شیخ سید مختار هاشمی گرفتم و کسی اجازه ورود به حلقه ذکر سماع را ندارد (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).

A young disciple has been allowed to enter the circle of remembrance / zikr in a state of ecstasy. For documentation purposes, I obtained permission to enter the zikr circle from Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi where none is permitted to enter (August 15, 2019).



مراسم ذکر قیام (سماع) با اشاره شیخ مختار هاشمی خاتمه می‌یابد. بعد از اتمام مراسم، دراویش با ذکر و دعا و دیدار با ایشان مسجد را ترک می‌کنند (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).

The Sema Zikr ceremony ends with a gesture from Sheikh Mukhtar Hashemi. After the ceremony, the disciples leave the mosque with zikr, prayers and a meeting with the Sheikh (August 15, 2019).

زائران پس از اتمام مراسم در چادرهای شخصی‌شان استراحت می‌کنند (۲۴ مرداد ۱۳۹۸).

Pilgrims resting in their personal tents after the ceremony (August 15, 2019).



CHAPTER TWO - THE CUSTODIAN OF QADIRI ORDER OF SUFISM
Part Three: Scientific Activities

فصل دوم (میراث دار تصوف قادریه)
بخش سه: فعالیت‌های علمی

Scientific Activities

Taking into consideration the available images and research limitations, this section will briefly examine Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi's scientific works. He has a PhD in Civil Engineering Water Resources Management from Newcastle University, England. His bachelor's degree in Civil Engineering was obtained from Queen Mary, University of London and his master's degree in Hydraulics and Water Structures was obtained from Newcastle University.

His resume is a testament to his extensive scientific works positions and work undertaken as Project Manager, Senior Consultant of the Engineering and Water Resources Management Department, Head of Research and Development Unit, Head of the Water and Soil Policy Council of the Agriculture and Water Commission of the Sanandaj Chamber of Commerce, a Member of the Policy Committee of the Urmia Lake Restoration Program, Chairman of the Tourism Commission, Sports Economy and Art Economy of Sanandaj Chamber of Commerce, Research Associate at Newcastle Institute for Sustainability Research (NIREs), Newcastle University, Visiting Professor at Faculty of Engineering. He has participated in numerous scientific conferences and seminars in the role of Chair, Secretary, Referee, Keynote Speaker and Consultant.

Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi is fluent in English, Arabic, Farsi and Kurdish languages. He has also been a university lecturer and authored dozens scientific articles and books in the fields of management and governance and cultural and social studies of water resources.

فعالیت‌های علمی

این بخش با توجه به تصاویر موجود و محدودیت پژوهش، نگاهی گذرا به کارهای علمی دکتر شیخ سید مختار هاشمی داشته است. ایشان که دارای مدرک دکترای مهندسی عمران (مدیریت منابع آب) از دانشگاه نیوکاسل انگلستان است، کارشناسی عمران نیز از کوین ماری کالج، دانشگاه لندن و کارشناسی ارشد هیدرولیک - سازه‌های آبی از دانشگاه نیوکاسل را نیز در رزومه خود دارد.

در رزومه ایشان همچنین می‌توان به این موارد اشاره کرد: مدیر پروژه، مشاور ارشد گروه مهندسی و مدیریت منابع آب، رئیس واحد تحقیق و توسعه، رئیس شورای سیاست‌گذاری آب و خاک کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی سندج، عضو کمیته سیاست‌گذاری ستاد احیای دریاچه ارومیه، رئیس کمیسیون گردشگری، اقتصاد ورزش و اقتصاد هنر اتاق بازرگانی سندج، همکار تحقیقاتی، انستیتوی نیوکاسل برای پژوهش در زمینه پایداری (NIREs)، دانشگاه نیوکاسل، استاد مدعو، دانشکده فنی مهندسی و چندین مرتبه به عنوان دبیر، داور، سخنران و مشاور در همایش‌های تخصصی اشاره شده است.

دکتر شیخ سید مختار هاشمی آشنا و مسلط به زبان‌های انگلیسی، عربی، فارسی و کردی است. وی همچنین برای مدتی مدرس دانشگاه بوده و صاحب ده‌ها عنوان تالیف و مقاله علمی، پژوهشی در حوزه‌های مدیریت و حکمرانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی منابع آب می‌باشد.



شیخ سید مختار هاشمی موفق به اخذ مدرک دکترای مهندسی عمران (مدیریت منابع آب) از دانشگاه نیوکاسل انگلستان می‌شوند (۲۵ آبان ۱۳۸۷).
Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi succeeded in obtaining a PhD degree in Civil Engineering (Water Resources Management) from Newcastle University, England (17 July, 2012).



دکتر شیخ مختار هاشمی در کنار الینور اوستروم، دارنده جایزه یادبود نوبل علوم اقتصادی، می‌باشد. او و همکارانش در ششمین کنفرانس بین‌المللی محیط زیست پایدار، نیوکاسل انگلستان با موضوع «چارچوبی فنی، اجتماعی برای تخصیص منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» شرکت کرده‌اند. الینور اوستروم اولین زنی است که تاکنون این جایزه را دریافت کرده است و از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آریزونا و ایندیانا آمریکا می‌باشد (۲۸ تیر ۱۳۹۰).

Dr. Sheikh Mukhtar Hashemi next to Late Dr. Elinor Ostrom (1933–2012), the holder of the Nobel Memorial Prize in Economic Sciences at the 6th International Conference on Sustainable Environment, Newcastle, England with the topic of "A Socio-technical Framework for Allocation of Water Resources in Lake Urmia Basin". Dr. Ostrom was the first woman ever to receive this award and she was a faculty member of both Arizona and Indiana universities (July 19, 2011).



دکتر شیخ سید مختار هاشمی در کنفرانس بین‌المللی هیدرولوژی در مناطق خشک در مسقط، عمان می‌باشد. موضوع کنفرانس، بعد اخلاقی سیاست‌گذاری پایدار آب در مناطق خشک است (۱۱ آذر ۱۳۸۶).

Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi at the International Conference on Hydrology in Dry Areas in Muscat, Oman. The theme of the conference was the ethical aspect of sustainable water policy making in the arid regions (December 02, 2007).



دکتر شیخ سید مختار هاشمی به عنوان سخنران کلیدی انتخاب شده است (۱۰ خرداد ۱۳۹۱).
Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi selected as a Keynote Speaker (May 30, 2012)

ضیافت شام در اجلاس انجمن غرب آسیا و شمال آفریقا، در عمان با حضور امیرحسین بن طلال ولیعهد اسبق اردن و رئیس انجمن برگزار گردید (۹ خرداد ۱۳۹۱).

Dinner held at the Meeting of the West Asia and North Africa (WANA) Forum in Amman in the presence of Amir Hassan Bin Talal, the former Crown Prince of Jordan and the Chairman of the WANA Forum (May 29, 2012).



دکتر شیخ سیدمختار هاشمی برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی به تهران سفر کرده‌اند. کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در سالن اجلاس سران تهران برگزار شد (۱۳۸۲).

Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi traveled to Tehran to attend the International Islamic Unity Conference which was held in Tehran's Heads of States Summit Hall (2003).



روز امتحان مقطع دکتری با اساتید راهنما در دانشگاه نیوکاسل ساختمان دونشور دانشکده مهندسی عمران و علوم زمینی. استادان راهنما(نشسته از راست): پروفسور تونی الن(دانشگاه کینگز کالج، داور از خارج)، مختار هاشمی، دکتر پول یانگر(داور از دانشگاه)، ایستاده از راست: دکتر جفری پارکن، دکتر خایمی امزیگا و پروفسور اندا اوکانل (۱۶ دی ۱۳۹۰).

PhD viva (exam) day with his supervisors in Newcastle University at the Faculty of Civil Engineering and Earth Sciences. Supervisors seated from right to left: Professor Tony Allen (King's College, external examiner), Mukhtar Hashemi, Dr. Paul Younger (university internal examiner). Standing from right to left: Dr. Geoffrey Parkin, Dr. Jaime Amezaga and Professor Enda O'Connell (January 06, 2012).



مدیریت پنل کارشناسی کنفرانس توسط دکتر شیخ سید مختار هاشمی انجام می شود. کارشناسان متخصص در حوزه مدیریت آب از ایران و عراق نیز در این کنفرانس ملی شرکت کرده اند. ایشان معتقد است نادیده گرفتن علم هیدرولوژی چالش های زیادی را در سیستم حکمرانی منابع آب در کشور و منطقه خاورمیانه به وجود می آورد (۴ اردیبهشت ۱۳۹۸).

The expert panel of the conference managed by Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi. Specialist experts in the field of water management from Iran and Iraq participated in this national conference. He believes that ignoring the science of hydrology creates many challenges in the governance system of water resources in the country and the wider Middle East region (April 24, 2019).

دکتر سید شیخ مختار هاشمی در حال گوش دادن به تحقیق کارشناسان در آمفی تئاتر مشخص شده در سنندج با موضوع آب می باشد. ایشان دبیر سومین کنفرانس ملی هیدرولوژی در مناطق نیمه خشک در شهر سنندج هستند (۴ اردیبهشت ۱۳۹۸).

Dr. Seyed Sheikh Mukhtar Hashemi listening to expert researchers on the topic of water at a designated amphitheater in Sanandaj. He was the Executive Secretary of the Third National Conference on Hydrology in Semi-Arid Areas, in Sanandaj (April 24, 2019).



سومین کنفرانس ملی هیدرولوژی مناطق نیمه خشک در ایران با حضور مهمان های داخلی و خارجی با دبیری دکتر شیخ سید مختار هاشمی در سنندج به پایان رسید (۳ اردیبهشت ۱۳۹۸).

The closing session of the Third National Conference on Hydrology of Semi-Arid Regions in Iran with the presence of national and international guests and the secretaryship of Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi in Sanandaj (April 23, 2019).

CHAPTER THREE

Translation of Kurdish Documents and Sources

فصل سه

(ترجمه اسناد کردی و منابع)

دهستنووسه كان

سه‌ردهمی قاجار

فه‌ره‌اد میرزا فه‌رمانرّه‌وای کوردستان(لاپه‌ره ٣٥)

فه‌ره‌اد میرزا موعته‌مه‌دده‌وله‌ی قاجار (١١٩٧-١٢٤٧) (١٨١٨-١٨٨٨ی زایینی) مامی ناسره‌ددین شا و حاکیمی کوردستان، نامه‌یه‌کی له ٣٠ی پووشپه‌ری ١٢٤٧دا بۆ سه‌ید شیخ ره‌سوول هاشمی ده‌وله‌ت‌ئاوا (باوه گه‌وره‌ی بنه‌ماله‌ی هاشمی سۆله‌یی دۆلّو) ناردووه. ده‌قی نامه له پێوه‌ندی له‌گه‌ل داخوازی گه‌وره‌یی و تکا له‌ حه‌بیبوولّا به‌گی باباجانی له‌لایه‌ن شیخ ره‌سوولّی هاشمییه‌وه‌یه. له‌ به‌شیک له‌ نامه‌که‌دا ئاماژه کراوه: «له‌ نێوانیاندا هه‌ولّی ئاشته‌وابی بده‌ن که له‌مه‌ودوا کاره‌ساتی چاوه‌روان‌نه‌کراو ڕوو نه‌دا و ئه‌و به‌رێزه‌ش که له‌و سنوورانهدا بچ‌گومان چیگای رێزه و خه‌لکی ناوچه‌که به‌گشتی گوئ‌بیستی ئامۆژگارییه‌کانی به‌رپزریان و له‌ قسه‌ی ده‌رناچن و به‌ په‌یره‌وی له‌ ئایه‌ی فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ واته‌ هه‌رگا له‌ ناو باوه‌ر‌داراندا ناخۆشی ڕووی‌دا و ده‌ گژ یه‌ک‌را چوون، ئێوه ئاشتیان بکه‌نه‌وه. دیاره ده‌بچ ئه‌و به‌رێزه کات بۆ ئه‌و کاره‌ دابنچ و زه‌حمه‌ت بکێشچ و ریش‌سپیه‌کانی هه‌ردووک لا له‌و سنووره ئاماده بکا ئه‌و شته‌ی یه‌زدان‌به‌خشی و باباجانی له‌ سه‌ر یه‌ک‌تر ئیددیعای ده‌که‌ن دیاری بکا و به‌ شیوه‌یه‌کی ئاشتی‌خوازانه‌ ریزدار‌ عه‌لی‌ئه‌که‌ر خان و ریش‌سپیه‌کانی هه‌ردووک لا ئاگادار بکاته‌وه که هه‌م بپته هۆی ر‌ه‌زامه‌ندی حه‌بیبوولّا به‌گ و هه‌م دلنیا‌یی و متمانه‌یی ئه‌م دوو تایفه به‌ یه‌ک‌تر، بگه‌رێته‌وه ناویان.»

ناسره‌ددین شا (لاپه‌ره ٣٤)

ناسره‌ددین شای قاجار نامه‌یه‌ک له‌گه‌ل عه‌بای ترمه‌ی ئاوریشمی بۆ شیخ سه‌ید ره‌سوولّی ده‌وله‌ت‌ئاوا (باوه گه‌وره‌ی بنه‌ماله‌ی هاشمی سۆله‌یی دۆلّو) ده‌نیرێت. له‌ به‌شیک له‌ نامه‌که‌دا (١٢٤٨ کۆچی مانگی) هاتووه: «به‌ پێی وته‌ی مامی سه‌ر‌فراز و خێرخوازمان، موعته‌مه‌دده‌وله فه‌ره‌اد میرزا، فه‌رمانرّه‌وای حوکمی کوردستان، که سه‌رنجی پێگه‌ی رێز و میهره‌بان‌یی شاهانه واته ئیداره‌ی ئیمپراتۆری تیگه‌یاندووه، بۆ هه‌ولّه‌ ریزدارانه‌کانی به‌رپزتان و سوپاس‌گوزارین بۆ ده‌رب‌رینی پاک‌ی و په‌رۆشی خۆتان له‌ پ‌رتیمای‌کردن و به‌رپۆه‌بردنی کاروباری خه‌لک و باش‌تر‌کردنی بارودۆخی هه‌ردوو نوخبه و کۆمۆنه‌کان [واته‌ چینه کۆمه‌لایه‌تییه‌ حیاوازه‌کان] و ئه‌وانه‌ی له‌ ناوچه‌کانی ده‌وروبه‌ردان، ره‌چاو‌کردنی دۆستایه‌تی دل‌سۆزانه له‌ نێوان کۆمه‌لگاکان، ر‌اگرتنی بیر‌کردنه‌وه‌یان به‌ دل‌سۆزی و پابه‌ندبوون [واته، دلنیا بن له‌وه‌ی که پابه‌ندن به‌ ئاشتی و سه‌روه‌ری یاسا]، که یه‌ک بابه‌تی بچووک له‌ نه‌رپته (سوننه‌ته) به‌رزه‌کانی پێغه‌مبه‌ری پیرۆز نه‌هێلنه‌وه و به‌بچ سه‌رنج به‌جی بهێلن [واته‌ پابه‌ندن به‌ فێر‌کارییه‌کانی پێغه‌مبه‌ری پیرۆز]. ئه‌م مانایه، عه‌قلی گه‌وره‌ی فه‌زله‌ت‌دار [واته‌ شای ئێران] ی دل‌خۆش کرد به‌و هۆیه‌وه‌ رێز له‌ جه‌نابی به‌رپزتان گیرا و به‌ پێی ئه‌م نامه‌ی موسته‌تابه [پاک و خاوێنه] وه‌ک مۆری

میهر خه‌لاتی هۆمایونی (شاهانه و موباره‌ک) و خه‌لات‌کردنی عه‌بایه‌کی ترمه‌ی کشمیری شانشین‌دووز له‌ نێوان هه‌مووان و هاوتایان ئیمتیازیکی تابه‌ت، بالاده‌ستی و که‌سایه‌تییه‌کی دره‌وشاوه‌ی ناسراوی و ئیمه‌ رێزما‌ن لچ‌گرتوون و بۆمان وه‌ک ئازیزیک ده‌میتێته‌وه. به‌راستی به‌ کاملّی ده‌رهه‌ست‌کردنی مه‌عنه‌وی، مۆری موباره‌کی ئیمپراتۆری سۆز [واته‌ رۆبی تیرمه‌] که به‌ جوانی رازاوه‌ته‌وه و ناوازه‌یه بۆ به‌کارهێنانی تاکه‌که‌سی خۆتان؛ به‌ هیوای میهره‌بان‌یی شاهانه، به‌ به‌کارهێنانی فێر‌کارییه ئیلاهییه‌کان بارودۆخی سه‌ندیکاکان و چینی خواره‌وه و سه‌ره‌وه زیاتر له‌ پێشوو باش‌تر ده‌که‌یت و به‌رده‌وام داوا‌کارییه‌کانیان له‌ رێگه‌ی فه‌رمانبه‌رانی حکومی مامی سه‌ر‌فراز و خێرخوازی باسکراوه‌وه پێشکesh ده‌که‌ن بۆ سه‌رنجی به‌رز‌ی جه‌نابی ئیمپراتۆری ر‌اده‌گه‌یه‌نن». شایانی باسه، دوا‌ی ئه‌وه شیخ ره‌سوولّ عه‌بای کشمیری تیرمه‌ی خه‌لاتی شای ئێرانی پێشکesh به‌ که‌سیکی هه‌ژار کرد که داوای یارمه‌تی لچ‌ ئه‌کات، قه‌ت ئه‌و عه‌بایه له‌به‌ر ناکات.

سه‌ردهمی په‌هله‌وی

شیخ موحه‌ممه‌د مه‌ردووخ (لاپه‌ره ٤٩)

شیخ موحه‌ممه‌د مه‌ردووخ (١٢٥٤-١٣٥٤) ناسراو به‌ ئایه‌توولّا مه‌ردووخ، شاعیر، نووسه‌ر و یه‌کێک له‌ زانایانی به‌ناوبانگی ئایینی سوننه نامه‌یه‌کی (١٣٢٨) بۆ شیخ موحه‌ممه‌د هادی هاشمی که له‌و کاته‌دا ته‌مه‌نی ١٩ سالّ بووه، ناردووه. ناوبراو له‌ به‌شیک له‌ نووسراوه‌که‌یدا ئاماژه‌ی کردووه: «له‌ ده‌ورت گه‌رپم نامه‌که‌تان بوو به‌ هۆی خۆشحالی و چاو‌م پێی ڕوون بووه‌وه. منیش زۆر به‌داخم که له‌ کاتی ته‌شریف‌هێنانی به‌رپزتان له‌ شار نه‌بووم، له‌به‌ر ئه‌وه‌ی تاقه‌تی گه‌رمای شارم نییه هه‌موو سالّ به‌ ده‌ست‌پچ‌کردنی گه‌رما ڕوو ده‌که‌مه کهژ و کێو، هه‌رچه‌ند تامه‌زرۆی زیاره‌تی نووری چاوی خۆم، به‌رپزتانم، ناتوانم بپم بۆ شار و داوای عوزرخواییتان ل‌ن‌ده‌که‌م. نازانم خودا قه‌ره‌بووی ئه‌م نیعمه‌ته‌م چۆن ده‌داته‌وه؟

”دووره کۆی ئازیز و ئیمه‌ش پچ‌ شکاو؛

ده‌ستی کورت و قامه‌تی نه‌خلی جه‌ناب؟ ”

[حافظ (٧٢٧-٧٩٢ کۆچی مانگی)]

هیوادارم که به‌شیوه‌یه‌کی هاسان قه‌ره‌بووی ئه‌م زه‌ره‌ره بک‌رێته‌وه.»

نادەن و بە سازکردنی دۆسییەگەلی بـەنەما حەقیقەت وەها دەشیۆیتن و پێچەوانە پیشانی دەدەن کە لە حیاتی خەیانەتکار، زولمـلـنـ کـراوی داماو لێپرسینەوهی لـن دەکرێت و، بەدوایدا دەگەرێن یا بەرتیل وەردەگرن و بابەتەکە بۆ ھەمیشە لە بیـر خۆیان دەبنەنوه و دۆسییەکان ڕادەگرن».

لە کۆتایی نامەکەدا شیخ موحەممەد ھادی ھاشمی کە نیگەرانی بارودۆخە خەماوییەکەى خەلکی بوو و بەدواداچوونى، بە ئەرکی خۆى دەزانى، ئاماژەى کردووہ: «لە کۆتاییدا بەوپەرى شانازییەوه ڕایدەگەیەنم کە من بە خۆم و نزیکەى بیستھەزار کەس لە موریدەکانى خۆم ھەمیشە بۆ بەربەرەکانى و بەگژداچوون لەگەڵ دوژمنانى دژە نەتەواپەتى و گەلى ئیسلامى ئێران ئامادەم و بـنـ گومان لە کاتى ھەست کردن بە مەترسیدا بەر لە سەربازەکانى ژێر ئالدا، دەچم بۆ بەرەى شەڕ و تا دوایین دلۆپەکانى خویتم ڕادەووەستم و گیان و مالم پێشکەش دەکەم؛ چونکوو بەخشینی گیان لە ڕێگای بەرزى ئیسلام و پاراستنى ولاتى ئیسلامى ئێران لە ھەموو شتیک ئاسانتەرە. (چاوەڕوانى ھەولە چاکسازییەکانم.

بژى گەلى ئێران. بمرن نەیارانى ئێران)».

بەخشینی مَلک و وەقف(لاپەرە ٦٥)

بە پیتی داواکاریى شیخ موحەممەد ھادی ھاشمی زەمینیک لە بۆکان لەلایەن وەزیرى «ڕێگا و بان»ى کابینەى کۆمارى مەھاباد، حاجى سمایل ئاغای ئیلخانىزادە (١٢٨١-١٣٩٥)، کراوەتە وەقف بۆ دروستکردنى خانەقا. ناوبراو لە نامەيەکدا (١٣٤٧/٢/٢٥) ئاماژەى پـنـ کردووہ: «خانەقay قادریم بە ٣٩٤ مېترى چوارگۆشە کردە وەقفى شوپتى عیبادەت و مزگەوت کە ئینشاللا بە شیوەيەکی ئابروومەندانە دروست بکړئ و موسلمانەکان لەوئ عیبادەت و یادى خودا بکەن و، ھیوادارم لە کاتى یادکردنى خودادا ئەم بەندە تاوانبارە لە بیـر نەکەن و دوعام بۆ بکەن.»

دوکتۆر موحەممەد موسەددیق(لاپەرە ٥١-٥٢)

شیخ موحەممەد ھادی ھاشمی کە یەکیک بوو لە لایەنگرانى بزاونى ڕاپەرپى نەتەواپەتى بە ڕێبەراییەتى دوکتۆر موحەممەد موسەددیق (١٣٤٥-١٢٦١) ، نامەيەکی (١٣٣١/٨/٨) لە دوو لاپەرەدا بۆ ناوبراو کە ئەو کات سەرۆکی وەزیران بوو ئامادە کردبوو کە وێنەيەکیشى بۆ ئایەتوللا سەید ئەبولقاسم کاشانى (١٣٤٠-١٢٥٤) موحتەھیدی شیعه و چالاکى سیاسى، دوکتۆر کەرىم سەنجابى (١٣٧٤_١٢٨٣) سیاسەتوان، نوێنەرى ئەنجومەنى نەتەوهیى (پەرلەمان)، مامۆستای ماف، وەزیرى ڕۆشنبیرى دەولەتى موحەممەد موسەددیق و وەزیرى کاروبارى دەرەوى ئێران لە دەولەتى مێھدى بازارگاندا (دواى شوپشى سالى ١٣٥٧)، ناردووہ. ناوبراو لە سەرەتای نووسراوہکەیدا ئاماژەى کردووہ: «ھېشتا دیمەنە جەرگبەرەکانى خەرمانانى ١٣٢٠ لە بیـرەوہرییەکانى خەلکی ئێراندا ماون، خەلک لەگەل برسییەتى و ھەژارى کە دیارىی مألویرانکەرى ھەموو ئازاویەکە دەستبەيەخەن، بەلام دیسانیش ئاورى گەندەللى و ئازاوه لەو مەلبنەدەدا نەکوژاوتەوه و کوشتن و تالانوبەرۆ بووتەتە بەشیک لە کارە ئاسایییەکانى ھەرپرۆژەى خەلکانى زالم و ئازاردەر، دیارە ئەم ئازاوانە لە بیـرى چەپەللى کەسانیک ھەلئەقولین کە بوونەتە دارەدەستى بەرپۆهبردنى نییەتە بەدودمەکانى داگیرکەران و چەوسینەران؛ چونکە دەیانہوئ بەھۆى ئازاوەنانەوه نەخشەى ئاغاکانى خۆیان بەرنە پێشەوه و پيش بە چاکسازى ناوخۆ بگرن و لەبەر ئەوہى لێپرسینەوہيەک لە ئارادا نییە دەستى ئازاوەگيران بەتەواوى ئاوەلەيە و، ئارامى و ئاسوودەيى کە بەبـنـ داين کردنى، ھيچ کارنک مەيسەر نابـنـ لە خەلک سەندراوہ و لە حیاتى تەکووزى و ئاسوودەيى، بەساتى ئینسان کوشتن و تالان و ئازاردان دەستى پـنـ کردووہ و مەترسىی ئەوہمان لەسەرہ کە خەلکی داماوى ناوچەکە بەرہو ھەلدیـرى نەمان بیات، ھەلبەت دەزانين ئاسوودەيى سەرتر لە ھەموو بابەتيکە. کاتيک ئاسوودەيى و ھيمنىایەتى بنکۆل بوو و کارەساتى ناخۆش ناخۆش ڕووياندا بەربەستگەلى زۆر دیتە سەر ڕيگای چاکسازى و ڕیفۆرم کە لابردنيان زۆر ئاستەم دەيـتـ. ھەر لەبەر ئەمەيە ئەنجامدانى ھەر ھەنگاويکى چاکسازىیانە پتوہندیى ھەيە بە داين کردنى تەکووزى گشتى و دەگەریتەوہ بۆ ئەو. ئەگەر بـتـوو ئەم کارە نەکرئ بەو ھان دانانەى کە دەستانىکى خاين دەيانکەن ھەموو ڕۆژئ کارەساتىکى ناخۆش ڕوو دەدا کە تۆقیتەر و مايەى سەرشوپرى دەبن. کەواتە لەم کاتەدا کە گەلى ئێران بەوپەرى ئازايەتى و مەردايەتى بەتوندى لەگەل داگیرکەر بەربەرەکانـ دەکات و لە لایەکی دیکەوہ دەيپەوئ دەست بکا بە چاکسازى ناوخۆيى، پاراستنى ھيمنىایەتى و تەکووزى گشتى لە ھەموو شتیک پتوستتر و زەروروىترە و، بەوپەرى ئاگایى و وشيارىيەوہ دەبن ئەم ھيمنىایەتيیە داين بکړت و نەھيئلين دەستى خاينى بيگانەپەرست ئازاوه بنیتەوہ و نەخشەى داگیرکەران لە کاتى خۆيدا بەرپۆه بەرن. بەراشکاويیەوہ دەلیم کە ترۆپکى ھۆى ئەم چارەپرەشيانە گەندەللى دادگا و کەمتەرخەمى و دزى و بەرتیلخواردنى مەعموورەکانە، چونکوو ئەرکەکانى خۆيان شەرافەتمەندانە و بەويژدانانە ئەنجام

لیژنه‌ی چاودیڤیری خانەقا (لایه‌په‌په ۶۶)

شیخ سەید موحەممەد ھادی ھاشمی لە نامەیه‌کدا (١٦/٩/٤٩) شووڤرایه‌کی چاودیڤیری ینگهاتوو لە چەند کەس لە دەرویشەکان لە خانەقای ناوەندیی سنه هه‌لده‌بژێری و ئاماژە بە بارودۆخی خانەقا دەکا: «لەبەر ئەوەی بارودۆخی خانەقاکە ی ئێمە شیواوه و خەرجەکانی دیار نییه، ئێوه لەبەر ڕەزای خودا لە لایەن منەوه بەردەوام بارودۆخی خانەقا لە بەر چاو بگرن و بە ڕێک‌وپیکی ڕیزی مانگانەم بۆ بەرێ کەن. هه‌روه‌ها هیچ کەس مافی ئەوهی نییه پێش بە چاوه‌دێری جەنابت بگري و ئەم دەستووڕه گۆڕانی بۆ نییه تا ئەو کاتە ی کە بارودۆخە کە ڕێک‌وپیکی دەبی و هیچ کەس بۆی نییه بەرگری لەم کاره بکات جگە لە خۆم. کە وابوو ئەگەر ئێوه لەم بابەتەدا کەمتەرخەمی و کۆتایی بکەن لە لای خودا بەرپرس دەبن. چاوه‌پروانی ئاکامی هه‌ول و تیکۆشانی جەنابتەم.»

پینگە‌ی زانستی شیخ سەید موحەممەد ھادی ھاشمی (لایه‌په‌په ٧٦)

شیخ سەید موحەممەد ھادی ھاشمی لە لایەن دوکتۆر سەید موحەممەد شیخ‌ولئیسلامی کوردستانی (١٣٧٣-١٢٨١) مامۆستای زانکۆی ئیلاھیات و زانستە ئیسلامییەکان و مامۆستای فێقی شافیعی زانستگای تاران، خاوەن فتوا و مفتی بەناوبانگی ئەهلی سوننە، بە وەرگرتنی ئیجازەنامە (١٣٥٤) دەبێتە خاوەن فتوا و وانەبێژ و مودەرپس. سەید موحەممەد شیخ‌ولئیسلامی لە نامە کەیدا ئاماژە دەکات: «بە پتی ئەوهی کە جەنابی موستەتاب مورشیدی سالکین فازلێ ناودار بەرێز سەید موحەممەد ھادی ھاشمی (بەردەوام بی‌ت خێر و بەرە کەتی) فەرزندی خوالیخۆشبوو سەید موحەممەد (قەبری پڕ نوور بن) زیاتر لە پازدە سال تەمەنی شەریفی خۆی لە ڕێگای فێربوونی زانستە ئایینیەکان تێپەر کردوو و بە هۆی هه‌ولێ بەردەوام و تەقالاتی بن‌وچانی لە زانستەکانی «آلی» و «اصالی» و «مەعقوول» و «مەنقوول» دا بوو تە خاوەن پلە ی بەرزی فتوادان و وانەوتنەوه و یه‌کیکە لە دەرچووانی فرەزانی ئەهلی سوننە لە فێق و ئوسوول و تەفسیر و حەدیسدا و لە ئیمان و پارێزکاری و لە تەسەوو ف و عیرفاندا یه‌کیک لە ناوازه‌کان و بلیمەتەکانی سەردەمی خۆیەتی و دەتوانین بڵیین زینەتی شەریعەتی بە زیوهری تەریقەت ڕازاندوو تەوه و خاوەنی هه‌ردوو باله‌کەیه، لەبەر ئەمە ئیجازەمان بە ناوبراو داوه کە بە ئاماژە بە کتیبە باوهرپن‌کراوه‌کانی فێقی حەزەرەتی ئیمام شافیعی (خوای لڤ ڕازی بی‌ت) فتوا بدات و لە هه‌موو بارودۆخێکدا خودای بەرزەناو بە حازر و چاودیڤر دابن.»

سەردەمی دوا‌ی شوڤرشی ئێران

ئایه‌توللا سەید ڤووحوللا مووسه‌وی خومه‌ینی (لایه‌په‌په ١٣٧٩)

نامە ی ئایه‌توللا سەید ڤووحوللا مووسه‌وی خومه‌ینی (١٢٨١-١٣٦٧) بۆ شیخ سەید موحەممەد ھادی (١٣٧٧-١٣٠٩) ناوبراو لە ساله‌کانی ١٣٤٥ تا ١٣٤٧ چەند سەفەرێکی ئێرشادی بۆ بۆکان و سەقز کردوو و موریدیکی زۆری ڤیتویتی کردوو بۆ ڕێگای تەریقەت، کە بۆتە هۆی گەشە‌کردنی ڕێگای تەریقەت. زیاتر لە پەنجای خانەقا و مزگەوت لە پارێزگاکانی ئازەربایجانی ڤۆژئاوا، کوردستان و کرماشان لە لایەن ناوبراوه‌وه دروست کراوه. بە قسە ی دەرویشەکانی دانیشتووی شاری قوروه بە سەرنجدان بەوه‌ی کە شیخ سەید موحەممەد ھادی ھاشمی خاوەن زانست و موتالا بوون کتیبخانەکی لە خانەقا و مزگەوتی قادریه دامەزراند (١٣٥٠) بە چوارده هه‌زار بەرگ کتیب کە خۆی کۆی کردبوونەوه. ئەم کتیب‌خانەیه سالی ١٣٥٧ لە لایەن ئازاوه‌گیرانەوه، لە ئازاوه‌یه‌کدا کە لە شاری قوروه هه‌لگیرسا کەوتە بەر هێرش و بوو بە هۆی ڤووخان و ئاگر‌تیبه‌ردانی مزگەوت و خانەقا و کتیبخانە ی قادریه کە دواتر بە دەستووری ئیمام خومه‌ینی (ره) ڤیهری شوڤرشی ئیسلامی ئێران، نۆژەن کرایه‌وه و ئیستا کە مزگەوتی "جامع النبی (د.خ)" ئەهلی سوننە ی ئەو شارەیه، ئیمام لە نامە‌یه‌کدا بە ڕیکه‌وتی ٢٤ ی بانەمەرێ ١٣٥٨ ئاماژە ی بە ئازاوه‌گیران کردوو کە لە سەحیفە ی نوور بەرگی حەوت لایه‌په‌په ٢٨٢شدا چاپ کراوه. لە بەشێک لە نامە‌کەدا کە لە لایەن ئاغای ئایه‌توللا شیخ حسەینی کرمانی (١٤٠٠-١٣٠٩) نوینەری تایه‌یتی ئیمام خومه‌ینی لە ڤۆژاوا[ی ئێران] گه‌یشتوو بە دەستی شیخ موحەممەد ھادی ھاشمی، دەفەرمی: «دیاره بۆ بەرێزتان ئاشکرایه کە دەستانیک ی ناپاک بۆ دووبەرەکی و ئازاوه‌نانه‌وه لە نیوان برایانی ئیسلامی خەریکی پیلان‌گیرانن و موسلمانەکان دەبی بە ڤوانگە‌یه‌کی ئیسلامی و بە وشیارییەوه پیلانەکان ڤووجەل بکەنەوه. لەوه‌ی کە بەرێزتان هه‌ست بە بەرپرسیاریتی دەکەن و پشتیوانی خۆتان و تاییه‌ی بەرێزتان لە گەل گەل بە گشتی ڤاگەیاندوو ئەوپه‌ری ئەمە‌کناسی و سیاسم هه‌یه بۆتان.»

شیخ سەید موحەممەد ھادی بە هۆی هه‌ندیک گرفت و ئازاوه‌وه، لە سالی ١٣٥٩دا لە ئێرانەوه چوو بۆ کوردستانی باشوور (سلیمانی) و پاشان لە سالی ١٣٦٤دا کۆچی کرد بۆ ئینگلستان (لەندەن). ناوبراو دوا‌ی نیشته‌جڤوون لە لەندەن، بە هۆی خەلیفە‌کانیەوه لە ناو ئێران، خەریکی داوہت و ڤیتمایی‌کردنی موریدەکانی بوو.

ئەگەر ئێوه لەم بابەتەدا کەمتەرخەمی و کۆتایی بکەن لە لای خودا بەرپرس دەبن. چاوه‌پروانی ئاکامی هه‌ول و تیکۆشانی جەنابتەم.»

پاریزگاری کوردستان (لاپه‌ره ۸۲)

سهره‌تای شوپرش له ساڵی ۱۳۵۸دا پارێزگاری کوردستان (سنه) نامه‌یه‌کی بۆ ئیمام جومعه‌ی سه‌رپلی زه‌هاو ناردوووه سه‌بارهت به شیخ سه‌ید موحه‌ممهد هادی هاشمی: «له وڵامی برووسکه‌نامه‌ی پێکه‌وتی ۱۳۵۸/۱/۲۷ی به‌رپزتان و که‌سانی تر له‌باره‌ی پرووداوی خه‌ماوی شاری قوروه‌وه. پیتان ڕاده‌گه‌یه‌نم ئاغای شیخ هادی هاشمی که‌سیکه‌ خێگای ڕێز و متمانە و بێ‌شک له‌باره‌ی ناوبراوه‌وه ڕاستیه‌کان ده‌رده‌که‌ون و موریده‌کانی ناوبرا و هیچ جووره نیگه‌رانییه‌کیان بۆ نامی‌تی.»

مامۆستا مه‌لاعهدولمه‌جید نه‌دری موده‌رپس (لاپه‌ره ۸۵)

شیخ موحه‌ممهد هادی هاشمی له به‌شیک له‌ نامه‌یه‌کدا (زستانی ۱۳۵۸) بۆ مامۆستا مه‌لا عه‌بدولمه‌جیدی نه‌دری (۱۳۸۷_۱۲۸۳) وانه‌بیژی ناوه‌ندی خوێندنی زانستی ئایینی ده‌ولت‌ئاوای ڕوانسه‌ر (کرماشان) و یه‌کیک له‌ زانایانی به‌ناوبانگی سوننی ئیران له‌باره‌ی کتیییکدا، ده‌نووسی: «کتیییکم هه‌بوو به‌ ناوی اتمام الدرایه بشرح النقایه دانراوی عه‌للامه‌ی گه‌وره "سیوطی" (رحمه‌الله) که‌ چوارده‌ زانستی له‌ په‌راویزی مفتاح العلوم سه‌کاکیدا له‌ خۆ ده‌گرت. ئێستا پێویستم پێیه‌تی بۆ دووباره له‌به‌رکردنه‌وه ئینشائه‌للا. له‌به‌ر ئه‌وه‌ی له‌ کتییخانه‌کانی سنه و شوپنانی دیکه ده‌ست ناکه‌وئ داوا ده‌که‌م ئه‌گه‌ر هه‌تانه به‌ ئه‌مانه‌ت بۆم بنێرن. به‌وپه‌ری سپاسه‌وه.»

شیخ موحه‌ممهد عوسمانی نه‌قشبه‌ندی (لاپه‌ره ۸۸)

شیخ موحه‌ممهد عوسمانی نه‌قشبه‌ندی (۱۳۷۵_۱۲۷۵) یه‌کیک له‌ مورشیده‌ هاوچه‌رخه‌کانی ته‌ریقه‌تی نه‌قشبه‌ندی نامه‌یه‌کی بۆ شیخ سه‌ید موحه‌ممهد هادی هاشمی ناردوووه. ناوبرا له‌ به‌شیک له‌ نووسراوه‌که‌یدا ده‌نووسی: «به‌رپزی وه‌چه‌ی پاک و خاویڤ هۆی خۆشحالییم، برای به‌رپز و خۆشه‌ویستم سه‌ید هادی هاشمی ڕێبه‌ری ته‌ریقه‌ی قادرییه (خۆشبه‌ختیت به‌ردوام بێ) به‌وپه‌ری خۆشه‌ویستی و له‌ دلێکی پاک و بێ‌گه‌رده‌وه سلّوت لێ ده‌که‌م، هیوادارم سلّامه‌ت بێ و ڕۆژگار به‌ خێر و خۆشی و سه‌بر و سه‌رکه‌وته‌وه تێپه‌ر که‌ن. سه‌بر و سه‌رکه‌وتن هه‌ردووکیان دۆستی قه‌دیمین و سه‌بر سه‌رکه‌وتنی به‌ دوا‌دا دئ و په‌ندیکی به‌ناوبانگه "زه‌مانه ئه‌گه‌ر له‌گه‌ل تۆ ناسازئ تۆ له‌گه‌ل زمانه بسازئ" و ئیمه و به‌رپزتان ده‌بی به‌ مزگی‌تی خولقیته‌ری کاینات دیان به‌ جه‌رگی خۆماندا بگه‌رین و ڕازی بین و بسازیین؛ چونکوو، ئه‌و ناخۆشییه‌ی که‌ خۆشی له‌دوایه، شادم به‌وه‌ی که‌ که‌لامی خوایه.»

حاجی خه‌لیفه ئه‌حمهد ئه‌مینی ناوبانگ به‌ حاجی کاکێ (لاپه‌ره ۹۱)

شیخ موحه‌ممهد هادی هاشمی له به‌شیک له‌ نامه‌که‌یدا (۱۳۶۶/۱۱/۷) بۆ حاجی خه‌لیفه ئه‌حمهدی ئه‌مینی ناوبانگ به‌ حاجی کاکێ (یه‌کیک له‌ درویشه‌کان) له‌باره‌ی سه‌فه‌ری ڕێنوێنییدا، ئاماژه‌ی کردوووه: «چاوه‌ڕوانم له‌ نه‌بوونی مندا زیاتر له‌ پێشوو له‌ ڕێگای خزمه‌ت به‌ ئایینی ئه‌به‌دی ئیسلامدا (شه‌ریعه‌ت و ته‌ریقه‌ت) تێیکۆشن و قه‌ت له‌ ئه‌نجامی ئه‌رکه‌کانی ته‌ریقه‌تدا که‌مه‌رخه‌می نه‌که‌ن. له‌ به‌رنامه‌که‌ت سه‌باره‌ت به‌ ئێرشاد و ڕێنوێنی کردن خۆشحالی بووم. هیوادارم خودا به‌ گه‌وره‌یی و به‌خششی خۆی هه‌مووتان له‌ به‌رپوه‌بردنی ته‌ریقه‌تدا سه‌رکه‌وتوو و به‌ ئاوات بگه‌یه‌نی. سلّاو و ڕه‌حمه‌ت و به‌ره‌که‌تی خوداتان لێ بێت.»

بۆ بەیعهت و قبوولی تهریقهت هان بدا. ۶_ له راهێنان و بارهێنانی بنه‌ماله‌ی خۆی به پینی مووچیاریهه پیرۆزه‌کانی ئیسلام (شهریعهت و تهریقهت) درێخی نه‌کا. ۷_ بۆ فیربوونی زانستی دینی تـبـکۆشـن؛ هه‌لبه‌ت به مه‌به‌ستی ڤه‌فتار به پینی پتویست، چونکوو زانستی به‌بن کردار نه‌زۆکه و کرداری به‌بن زانست ناته‌واوه. پاکی و ئەمانه‌تداری به کرداره. ۸_ قورئانی پیرۆز سه‌رچاوه‌ی نوور و ڤیگای راسته، هه‌موو ده‌رویشیک ده‌بن نه‌ریتی خویندنه‌وه‌ی قورئانی پیرۆز فیر ببن تا به شیوه‌یه‌کی دروست بـیخوینیته‌وه و لانیکه‌م له شه‌و و ڤۆژیکدا نیوجزو قورئان بخوینیته‌وه. ۹_ له سه‌ر ده‌رویش پتویسته که له قوولایی دل‌ه‌وه خیرخوازی موس‌لمانه راستینه‌کان بن و هه‌ول بدات بۆ یه‌کیته‌ی ئیسلامی و، خۆی له سته‌مکاران دوور کاته‌وه و له دۆستایه‌تی له‌گه‌ڵ نه‌یارانی ناپاکی شه‌ریعهت و تهریقهت دووری بکا.»

نامه بۆ ئەولاد (کارت پۆستال) (لایه‌ڤه ۱۲۲)

شیخ موحه‌ممهد هادی هاشمی نووسراوه‌یه‌کی له پشت کارت پۆستالیکدا بۆ شیخ سه‌ید موختار هه‌یه. ئاماژه ده‌کا: «ڤۆله‌ی خۆشه‌ویستم، له‌م ڤیگاوه و کارێر ۱۲ی نیوه‌ڤۆی ڤۆژی پینج‌شه‌ممه ۱۹۹۵/۱/۱۹ ده‌ستم داوه‌ته‌وه قه‌لم تا خۆشه‌ویستی له دل هه‌لقولوی خۆمت پـنـ ڤاڤه‌یه‌نم. بارودۆخی تهریقهت له ئیران زۆر باشه، خه‌لک به‌کۆمه‌ل ڤوو ده‌که‌نه ئه‌م ڤیگا راسته، حاجی خه‌لیفه سألجی فانیش چووه بۆ سه‌فه‌ریکی ڤتوتی‌کردن، ده‌ستوورم داوه چهند که‌سیک له سنه سه‌به‌ین بچنه‌ لای، ئینشاللا. ئەم‌ڤۆ زیاتر له پینج کارێر و نیو به ته‌لیفوون له‌گه‌ڵ هاو‌ڤیانی ڤیگای تهریقهت قسه‌م کرد که له ڤیگایه‌وه بۆ بانگه‌شه‌ی دابونه‌ریتی تهریقهت که‌لکی پتویست وه‌گیرا (الحمد لله و المنه له) ئیوه به دلۆفانی خودا ده‌سپێرم که له ژیر ئالی ڤرله‌شانازی تهریقهتدا به‌خته‌وه‌ر و سه‌رکه‌وتوو بن.»

و به ئاوات بگه‌یه‌نن. س‌لاو و ڤه‌حمه‌ت و به‌ره‌که‌تی خوداتان لـن بـیت.»

مامۆستا شیخ عه‌بدووسسه‌لام شیخ حه‌سه‌نی ته‌وریوه‌ری (لایه‌ڤه ۹۲)

مامۆستا شیخ عه‌بدووسسه‌لام شیخ حه‌سه‌نی ته‌وریوه‌ری که یه‌کیکه له زانایانی به‌ناوبانگی ئەهلی سوننه، شاعیر و خه‌ت‌خۆش له به‌شیک له نامه‌یه‌کدا (حه‌فده‌ی ڤوشپه‌ڤی ۱۳۶۶) بۆ شیخ موحه‌ممهد هادی هاشمی له لهنده‌ن، باسی نووسینی ژبان‌نامه‌ی زانایانی کوردستان ده‌کا: «دوای پینکه‌ش‌کردنی ئەرکی ڤیزگرتن و ده‌ست ماچ‌کردن، هه‌روه‌ها ئاره‌زوو و تاسه‌ی گه‌یشتن به خزمه‌تتان، ڤایده‌گه‌یه‌نم نووسراوه‌ی به‌هیزو‌پیزی شغابه‌خشی دلانی تینوو گه‌یشت. ژبانیکێ تازه و گه‌شه و نه‌شه‌یه‌کی له‌ڤاده‌به‌ده‌ری به‌خشی به‌ گیان. سه‌باره‌ت به ژبان‌نامه‌ی زانایان و ڤیاو‌چا‌کانی کوردستان فه‌رموو‌بو‌ت، له چاکترین مه‌رام له خزمه‌ت به کۆمه‌لگای ئیسلامیدا سه‌رکه‌وتوو بن.» و به ئاوات بگه‌یه‌نن. س‌لاو و ڤه‌حمه‌ت و به‌ره‌که‌تی خوداتان لـن بـیت.»

حاجی خه‌لیفه موحه‌ممهد باق‌ری غولام شابازی (لایه‌ڤه ۱۱۴)

شیخ موحه‌ممهد هادی هاشمی له به‌شیک له نامه‌یه‌کدا (۱۳۷۲/۶/۳۱) بۆ خه‌لیفه موحه‌ممهد باقر غولام شابازی (یه‌کیک له خه‌لیفه دیاره‌کان) له‌باره‌ی کۆڤی زیکردا ده‌نووسن: «خه‌لیفه‌کان ده‌بن به‌ هاو‌کاری ده‌رویشه‌ دل‌سۆز و به‌ئمه‌گه‌کان هه‌ول بدن تا ئه‌و ده‌رویشانه‌ی هات‌و‌چووی خانه‌قای گه‌وره (له سنه) و به‌شداری کۆڤی زیکر ناکهن، بۆ به‌شداری کردن له به‌رنامه‌کانی تهریقهتدا هان بدن.»

نامه بۆ موریدان (پینج لایه‌ڤه) (لایه‌ڤه ۱۱۷)

شیخ سه‌ید موحه‌ممهد هادی هاشمی نامه‌یه‌کی (یه‌کی خا‌که‌لپه‌ی ۱۳۷۳) له پینج لایه‌ڤه‌دا بۆ ده‌رویش و موریده‌کانی نووسیوه و بلّوی کردووه‌ته‌وه. ناوبراو له سه‌ره‌تای نامه‌که‌دا ئاماژه‌ی به تهریقهت کردوووه و پتویابه و نووسیویه‌تی: تهریقهت بریتیه له "ڤاگرتنی ڤی‌و‌ڤه‌سمی ئیتاعه، له درێژه‌ی سه‌فه‌ریکی به‌رده‌وامدا له لایه‌ن ئافریتراوه‌کانه‌وه به‌ره‌و لای حه‌ق (عز و جل) له سه‌ر بنه‌مای قورئانی مه‌زن و سوننه‌تی پتغهمبه‌ر (سه‌لات و سه‌لامی له سه‌ر بن). له لایه‌ڤه‌کانی دواییشدا له‌باره‌ی تۆبه و مه‌رجه‌کان و پینج ڤوکنه‌کانی تۆبه‌دا ڤوونی کردوووه‌ته‌وه. به‌لام له به‌شیک له نامه‌که‌دا (لایه‌ڤه چوار) بۆ موریده‌کان و ده‌رویشه‌کان نووسراوه: «ئه‌رکه‌کان و دو‌عا‌کان: ۱_ ده‌بن ده‌رویش ئاگای له هه‌موو واجبه‌ ئایینییه‌کان بیت و هه‌ول بدا سوننه‌ته‌کان به‌جی به‌ینن. ۲_ خۆ ڤیاریزئ له هه‌موو گوناحه‌کان (گه‌وره و بچووک)، باشتر وایه له‌و شتانه‌ش خۆ ڤیاریزئ که جیگای گومان و دوودلین (شوبوهات). ۳_ براهه‌تی و یه‌کسانی، به‌راهه‌ری و عه‌داله‌ت له به‌ر چاو بگرئ. ۴_ به‌شداری له کۆڤ و کۆبوونه‌وه‌کانی زیکر و ته‌لیله‌ی هه‌وتووانه بکا له‌و شویتانه‌ی که دیاری ده‌کرئ. ۵_ هه‌ول بدات خه‌لکانی دیکه

جینشین شیخ سەید موحەممەد ھادی ھاشمی (لایەره ۱۲۴)

شیخ موحەممەد ھادی ھاشمی لە نامەیه کدا (دەوروبەری ۱۳۷۳) بۆ دەرویش حسەین حسەینی نیا (یەکیک لە موریدەکان کە دواتر بوو بە خەلیفە ی شاری کامێران) لەبارە ی دیاری کردنی جینشیندا، دەنووسی: «نامە ی پر لە خۆشەویستیت گەشت. خودا بە دلۆفانی و بەخششی خۆی ئیو و باقی ھاویرەکان لە پێوانی رێگای راستەقینە سەرکەوتوو بکات و لە ھەموو بەلایەک بتانپاریزی، سلۆ و ریزم ھەیه بۆ بنەمالەت و دوعای بەخیریان بۆ دەکەم، ھەرۆھا ھەرۆھ کوو لە پێشدا پێم راکەیاندوون بە پێی داوا و پێداگری زۆربە ی ھەرەزۆری پەپرەوانی ئەم تەریقەتە، دوو کەسی شیواو لە کورەکانی خۆم بە ناوی سەید موختار کە دایکی، حاجی فرشتە خانمە و سەید حسەن کە دایکی، حاجی فاتمە خانمە وە ک جینشین خۆم دیاری کرد لەبەر ئەوێ ھەردووکیان بە سالیح و ئیماندار دەزانم و ئەم کارە بوو تە ھۆی خۆشحالیی گشت پەپرەوان. کەواتە ھەرکەسیک منی قەبوولە دەبێ ئەو دوو کەسەشی قبوول بێ؛ لەبەر ئەوێ دیاری کردنی جینشین لە پێناو بەرژەوئەندییە مەزنەکانی تەریقەت لە بەر چا و گیراوە کە دوای من ھەلپەرەستان نەتوانن ھەل بقۆزنەو و دووبەرەکی لە نێوان شوێن کەوتوووانی ئەم تەریقەتەدا پێکبەیتن...»

شیخ سەید موختار ھاشمی (لایەره ۱۲۸)

شیخ سەید موختار ھاشمی دوای جینشین، نامەیه کی (پێنجی رەشەمە ی ۱۳۷۷) لە لەندەنەو بۆ مورید و دەرویشەکانی سۆلە ی دۆلۆ ناردوو. ناوبراو لە بەشیک لە نووسراوە کەیدا نووسیویەتی: «جەنابی ئاغای دەرویش عەتائۆللا جەبیاری بە ناوی نوێنەری من لە سەقز و دەوروبەر و ناوچە دادەنێم و دەتوانێ ئەو کەسانە ی کە خوازیای ھاتنە ناو ریزی تەریقەتن ئەگەر مورشید دیار نەبێ بە نوێنەرایەتی من پێوێرسم تەلقین ئەنجام بدا.» ھەرۆھا لە بەشیک دیکی نامە کەیدا خاتوونیک لە دەرویشەکان وە ک سەردەستی دەستە ی زیکی ئالقە ی ژنان دیاری دەکەن: «خوشکی خۆشەویست ئایشی خاتوون بە ناوی سەردەستی زیکی ئالقە ی ژنان و خوشکانی ھاوێی تەریقەت لە سەقز و ناوچە دیاری دەکەم.»

"پێویستە ئەوێش پروون بکەمەو خاتوونەکان وە ک پیاوێکان تەواوی قۆناغەکان و بابەتەکانی زیکی سەمای دەرویشان لە کاتژمێری دیاری کراو لە خانەقادا ئەنجام دەدەن و پیاوێکان ئیجازە ی بەشداری کردنیان لە پێوێرسمی ژناندا نییە.»

منابع

- الین نیکلسون، رینولد.(۱۳۵۷). پیدایش و سیر تصوّف. ترجمهٔ محمد باقر معین. تهران: توس .
- الطوسی، احمد بن محمّد.(۱۳۶۰). سماع و فتوّت. تهران: منوچهری.
- امیدوارنیا، محمد جواد.(۱۳۷۶). قادریه در چین. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.شماره
- بروین سن، وان.(۱۳۷۸). جامعه شناسی مردم کرد.ترجمه از ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانیند.
- بلوکباشی، علی.(۱۳۵۴). مفاهیم و نمادگارها در طریقت قادریه. مجله مردم شناسی و فرهنگ عامه.شمارهٔ ۲.
- توکلی، محمد رئوف.(۱۳۸۱). تاریخ تصوف در کردستان. تهران: توکلی.
- زندى، نادر، رحیمی، سروه و مولانایی، صلاح الدین (۱۴۰۰).مراکز آیینی عبادی استان کردستان: نگاهی به ساختار معماری مراکز آیینی عبادی در استان کردستان. ناشر تفکر آینده ساز.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۹۳) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ دهم، نشر طهوری.
- سلطانی، محمد علی (۱۳۸۰). تاریخ تصوف در کرمانشاه. ناشر مولف.
- رفاعی، یوسف سید هاشم.(۱۳۸۶). صوفیه و تصوف در پرتو قرآن و سنت. ترجمه از سیف الله مدرس گرجی .سنندج: مردوخ.
- زرین کوب، عبدالحسین.(۱۳۸۷). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیر کبیر.
- زکی بیگ، محمد امین.(۱۳۸۸). زبده ی تاریخ گُرد و گُردستان. ترجمهٔ یدالله روشن اردلان. تهران: توس.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمّد.(۱۳۸۶). تذکرة الاولیاء. تهران: زوّار.
- غزالی، امام محمّد.(۱۳۸۷). کیمیای سعادت. تهران: پیمان.
- غزالی، امام محمّد (۱۳۸۰). مختصر احیاء علوم الدّین. ترجمهٔ محمد صالح سعیدی. سنندج: کردستان.
- کاشانی، عزالدین محمود. ۱۳۷۶. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. با مقدمه و تصحیح جلال الدین همایی. تهران: مؤسسه نشر هما.
- کریمیان سردشتی، نادر.(۱۳۸۰). تذکرةٔ عرفای کردستان. تهران: نگاه سبز.
- گیلانی، عبدالقادر.(۱۳۸۶). الفتح الزّبّانی. ترجمهٔ محمد جعفر مهدوی. تهران: احسان.
- گیلانی، عبدالقادر (۱۳۸۱). جلاء الخاطر. ترجمهٔ احمد حواری نسب. سنندج: کردستان.
- گیلانی، عبدالقادر (۱۳۸۵). سرّالاسرار. ترجمهٔ مسلم زمانی و کریم زمانی. تهران: نی.
- الگیلانی، عبدالقادر.(۱۳۸۸). فیوضات ربانی. ترجمهٔ عباس اطمینانی. سنندج: خلیفه شکرالله دوهاروت.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن.(۱۳۸۸). رسالهٔ قشریّه. ترجمهٔ ابوعلی حسن بن احمد عثمانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ندوی، ابوالحسن علی.(۱۳۸۸). نگرشی نوین به تزکیه و احسان. ترجمهٔ عبدالقادر دهقان. تهران: احسان.
- نصر، سید حسین.(۱۳۵۰). تصوف و تأثیر آن در موسیقی. معارف اسلامی نشریهٔ کلام و عرفان شمارهٔ ۱۲.
- نفیسی، سعید.(۱۳۸۵). سرچشمهٔ تصوّف در ایران. تهران: اساطیر.
- مدرس، عبدالکریم (۱۳۶۹). دانشمندان کرد در خدمت علم و دین، ترجمه: احمد حواری نسب، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- مرادخانی، ایوب و بابایی، کنعان (۱۹۹۷). عوامل ارتقای قابلیت های مکانی خانقاه در قالب طراحی خانقاه سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
- وزیری، امیر (۱۴۰۱) طریقت قادریه در کردستان و هورامان، به مناسبت ۲۴مین سالگرد رحلت رهبر فقید طریقت، مدرسه علوم دینی دولاب، سنندج.
- وزیری، امیر (۲۰۱۳). نقشبندیه در کردستان.، چاپ اقلیم کردستان عراق.

سیدزاده

- سیدزاده هاشمی، سید طاهر (نسخه خطی). منبع الأنوار در مقامات و احوال سید شیخ حسن قازانقایی برزنجی (پیر قره چی وار).
- سیدزاده هاشمی، سید طاهر (نسخه خطی). قرّة العین فی مناقب سیدنا شیخ حسین چرچه قلا.
- هاشمی، سید طه (چاپ نشده). دف و درویشی. آرشیو خانوادگی استاد هاشمی.
- هاشمی، سید طه (چاپ نشده) تفسیر عرفان قرآن (۶ مجلد). آرشیو خانوادگی استاد هاشمی.
- هاشمی، سید طه (۱۳۹۴). شفاعت و عرفان. چاپ دوم انتشارات زیویه، سنندج.
- هاشمی، شیخ سید محمدهادی (۱۳۷۳) رساله در زمینه عرفان و طریقت، چاپ نشد
- هاشمی، شیخ سید محمدهادی (۱۳۶۷) رساله در زمینه مسایل اعتقادی و تصوف اسلامی. چاپ نشده
- هاشمی، سید مختار (۱۴۰۱). منظر فرهنگی هورامان به عنوان سایت میراث جهانی: راه پیش رو. مقاله ارایه شده در همایش بین المللی هورامان، ثبت جهانی، فرهنگ و توسعه، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۲۵ و ۲۶ تیر ماه ۱۴۰۱.
- هاشمی، سید مختار (۱۴۰۰). هورامان، درک تمدنی با هویت تاریخ. ماهنامه ی فراتاب کوردی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۴۰۰: ص ۶۲–۶۳.
- هاشمی، س. م. (۱۳۹۶) به سوی ژئوپارک هورامان: میراث فرهنگی طبیعی با ارزش جهانی؛ کنفرانس هورامان شناسی هورامان در هلبجه (ویراستار: د. ناجح گولپی)، ص ۱۸۷–۲۲۶، استانداری هلبجه.
- هاشمی، سید مختار (۱۳۹۵). زیبایی شناسی در تصوف و عرفان و جلوه های آن در معماری: حقیقت یا افسانه؟ مقاله ارایه شده در همایش حکمت در معماری، ۱۳ تیرماه ۱۳۹۵، سالن ۱ سینما بهمن- سنندج
- هاشمی، سید مختار (۱۳۹۷). هورامان تمدنی با ارزش جهانی: بسته سیاستگذاری برای ثبت جهانی زمسن شناسی میراث طبیعی و فرهنگی هورامان. ویژه‌نامه فراتاب با عنوان "راه توسعه اورامانات". شماره یک پاییز ۱۹۹۷.
- هاشمی، سید مختار و گوشبر حمیدرضا (۱۹۹۴). دف و حنجره انسان برای سماع: تحلیل ساختاری و عملکرد ذکر قیام (سماع) در طریقت قادریه مقاله ارایه شده در نخستین جشنواره مولودی خوانی رضوی هه تاو، سیزدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (ع)، ۱–۲ شهریور ۱۳۹۴، سنندج
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان.(۱۳۵۸). کشف المحجوب. تهران: طهوری.
- همائی، جلال الدّین.(۱۳۶۲). تصوّف در اسلام. تهران: هما.

Sources

1. Benjamin, Walter. (1968). *The Storyteller: Reflections on the Works of Nikolai Leskov. Illuminations.* Ed. Hannah Arendt. New York: Schocken Books, 1968: 83-109.
2. Douglas-Klotz, Neil (2003). *The Key in the Dark: Self and Soul Transformation in the Sufi Tradition.* In *Modern Psychology and Ancient Wisdom: Psychological Healing Practices from the World's Religious Traditions*, edited by Sharon Mijares, 149-172. Binghampton: The Haworth Press, 2003.
3. van Gennep, Arnold (2010) [1960]. *The Rites of Passage.* Routledge Library Editions Anthropology and Ethnography. Translated by Vizedom, Monika B; Caffee, Gabrielle L (Paperback Reprint ed.). Hove, East Sussex, UK: Psychology Press (Reprint ed.).
4. Hashemi, Seyed Mukhtar (2022). *A Sustainable Tourism Plan for Hawraman Cultural Landscape as a World Heritage Site.* Paper presented at the 2nd International Conference on Tourism and Development, held on 9-10 March 2022, University of Kurdistan, Sanandaj. Iran.
5. Hashemi, Seyed Mukhtar (2021). *Sufism in East Kurdistan: Functionality of Sema in Qadri Order with Reference to the Socio-cultural and Artistic Aspects of Sufi Life.* Paper presented at the International Workshop on Diversity of Minority Language Communities: Mutual Intelligibility, Identity, and Standard. University of Cologne's Oriental Seminar and Sociolinguistic Lab in Cooperation with University of Tehran and University of Kurdistan Wed 6th October 2021, 11:40- 13 (online).
6. Turner, Victor W (1969). *The Ritual Process.* Penguin.

مراسم سماع طریقت مولویه منتسب به جلال‌الدین محمد بلخی عارف و شاعر شهیر به مولانای رومی در سال ۱۳۸۷ در سازمان یونسکو در فهرست نمایندگی میراث فرهنگی ناملموس بشریت توسط کشور ترکیه ثبت شد. سماع مولویه به خاطر رقص‌های چرخشی مشهور است، اما با ذکر قیام یا سماع طریقت قادریه کردستان متفاوت می‌باشد. "ذکر قیام (سماع) در طریقت قادریه کردستان" با گستره موضوع فرهنگی ناملموس استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی با پیگیری فعالان فرهنگی از جمله دکتر شیخ سید مختار هاشمی در سال ۱۳۹۵ در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران، ثبت شده است. امید است سماع - سه ما یا ذکر قیام به عنوان یکی از آثار ناملموس زنده‌ی فرهنگی کردستان که دارای ارزش جهانی است، در فهرست میراث فرهنگی ناملموس جهانی ثبت شود.

In 2008, Turkey registered the ceremony of Sema attributed to the Maulviyeh Order of Jalaluddin Muhammad Balkhi (1207-1273), a great Mystic and famously known as the poet Molana Rumi, at UNESCO as an Intangible Cultural Heritage of Humanity. Sema of the Maulviyeh Order is famous for its spinning dances and is different from Zikr Qiyam (standing Zikr) or Sema of the Qadiri Order of Kurdistan.

"Zekar-e Qiyam (Sema) of the Qadiri Order of Kurdistan with the scope of the Intangible Cultural Heritage of Kurdistan, Kermanshah and West Azarbaijan provinces was registered at the Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Iran in 2016 through the efforts of cultural activists including Dr. Sheikh Seyed Mukhtar Hashemi. It is hoped that Sema or Zikr Qiyam will be registered in the list of World Intangible Cultural Heritage as one of the living intangible cultural works of Kurdistan of global value and importance.

The image shows an official document from the Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Iran. At the top, there is the national emblem of Iran and the text "بسمه تعالی" (In the name of God, the Most Gracious, the Most Merciful). Below this, there is a paragraph in Persian that reads: "در اجرای ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی میراث فرهنگی ناملموس؛ قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور مصوب سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی، و آییننامه اجرایی آن، و ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی، موضوع میراث فرهنگی ناملموس:"

Below this paragraph, the title of the document is written in red: "ذکر قیام (سماع) در طریقت قادریه کردستان". Underneath the title, it says "با گستره موضوع فرهنگی ناملموس: استان کردستان". At the bottom of the text, it states "به شماره ۱۳۶۰ در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۲ در فرست‌بی میراث فرهنگی ناملموس ثبت گردید."

At the bottom of the document, there are two signatures: one from the Minister of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Iran, and another from the Director of the National Institute for Cultural Heritage. Below the signatures, there is a photograph showing a group of people, likely during a Sema ceremony, with some individuals in traditional attire.

SEMA

The book is in Persian, it should be read right to left.

«سَماع» یا «ذکر قیام» فضایی است معنوی که دراویشِ قادریه آن را آیینی با وجهه‌ی معنوی در عرفان اسلامی، انجام می‌دهند و به عنوان نماد فرهنگی و مذهبی خود می‌دانند. سَماع با ایجاد فضا، اتمسفر و حال و هوایی درونی که نمودی بیرونی در رفتار افراد دارد، از جمع شدن چند نفر به وجود می‌آید. به گفته‌ی دراویش، صدایِ دلنشینِ دف و طبل و حنجره‌ی انسان، سَماع را به درویش «هدیه» می‌دهد. نام کردی سَماع، سه‌ما می‌باشد.

“Sema” (meaning ‘hearing’ or ‘listening’ and in Sufism, a form of worship in the form of dance) or “standing Zikr” (meaning remembrance of God in a standing position) is a spiritual space that Qadiri dervishes perform as a ritual within the spiritual aspect of Islamic mysticism, and consider it as their cultural and religious symbol.

Sema occurs through the gathering of dervishes creating a space, atmosphere and inner mood externally manifested through people's behavior. According to our field research, the pleasant sound of the tambourine and drum and the human voice gives a "gift" to the dervish. In Kurdish equivalent for Sema is “sama” which means joyful dance.

مهدي حسيني

پژوهشگر و طراح پروژه **SEMA**
Researcher and Project Designer
مهدي حسيني Mehdi Hosseini



Designer: Mehdi Hosseini
Website: www.mehdi-hosseini.com